

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمدن عیلام و مردم عربِ خوزستان

تألیف:

حسین فرج‌اله‌چعب

تقدیم به:

مردم شریف خوزستان که در تاریخ این سرزمین اثرگذار بوده و مردمی تاریخ‌ساز هستند و از تمدن عیلام تاکنون فرهنگ و آداب و رسوم خود را حفظ نموده اند، تا به آیندگان تقدیم کنند.

با سپاس فراوان:

از دوستان عزیزم:

آقایان مجید حیدر، ایاد فرج‌اله، ابراهیم فرج‌اله و مدیریت سایت اجتماعی - فرهنگی بُروال، تراثُ العرب و همه‌ی کسانی که در چاپ و نشر این اثر یاری نموده‌اند.



با تقدیر و تشکر فراوان از

جناب آقای عباس سیاحی

که هزینه‌ی مالی چاپ این اثر را عهده‌دار شده‌اند.



۹۱	بخش سوم: عیلامیان اولین قالی‌بافان جهان
۹۱	بافندگی عیلامیان
۹۴	تپه‌ی سیلک
۹۵	قالی‌بافی عیلامی
۹۶	نقوش قالی
۹۹	لباس مندائی‌ان
۱۰۰	لباس‌های زنان عیلامی
۱۰۵	مجسمه‌ی زنی از معبد الاله پینی‌کر
۱۰۶	زن در حال ریسندگی
۱۱۱	بخش چهارم: عکس‌ها
۱۴۵	منابع

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۱۱
بخش اول: مختصری از تاریخ عیلام	۱۳
دوره‌ی شوش ۱	۱۸
دوره‌ی شوش ۲	۲۱
دوره‌ی شوش ۳	۲۳
عیلام قدیم (دوره‌ی نایب‌السلطنه‌های بزرگ عیلام و شوش)	۲۷
دبلمون (بحرین)، مگن (عمان)، باختر (افغانستان)	۳۰
عمان در عهد باستان	۳۱
عیلام میانه	۳۱
دوره‌ی عیلام نو	۳۶
عیلام در عصر هخامنشیان	۳۸
عیلام در زمان اسکندر و جانشینانش (الیمائیس)	۴۱
عیلام در دوره‌ی ساسانیان	۴۵
عیلام در عهد اسلامی	۴۷
بخش دوم: خالکوبی	۵۱
خالکوبی مردم عرب خوزستان	۵۵
علل خالکوبی	۵۵
ارتباط میان نقوش عیلامی و خالکوبی، قالی‌بافی و صنایع - دستی مردم عرب	۵۶
رمزگشایی، ترجمه و تبیین سنگ‌نوشته‌های کوتی	۹۰
اینشوشیناک	

مقدمه

عیلام، نام قدیمی‌ترین تمدن در ایران به پایتختی شوش است، که به گفته‌ی پیر آمیه شش هزار سال و یا بیش از آن قدمت دارد و تاریخ عیلام و باستان‌شناسی آثار عیلامیان، سال‌هاست ذهن پژوهش‌گران فراوانی را از سراسر جهان چون آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، بلژیک، دانمارک، ژاپن و روسیه، به خود مشغول ساخته است. علاوه بر باستان‌شناسان خارجی، باستان‌شناسان ایرانی نیز تحقیقات فراوانی در این زمینه داشته‌اند، اما با همه‌ی کتاب‌ها و مقاله‌هایی که انتشار یافته، هنوز زوایای پنهان فراوانی از تمدن عیلام باقی‌مانده، که امیدوارم در آینده تحقیقات و کشفیات بیش‌تری صورت گیرد، تا بسیاری از حقایق پنهان آشکار شوند. عیلام تمدنی است که از نظر جغرافیایی گستره‌ی فراوانی از خاک ایران را در برمی‌گرفت و از همدان تا جنوب تهران، یزد، کرمان، سیستان و تمام مناطق جنوبی را شامل می‌شد. باستان‌شناسان، شوش را پایتخت سیاسی و دینی عیلام می‌دانند، که در این شهر و دیگر شهرهای خوزستان کنونی، آثار عیلامی فراوانی یافت شده است. در این اثر تلاش شده تا ارتباط عیلامیان با فرهنگ مردم عرب خوزستان مورد بحث قرار گیرد و دیدگاه‌های این کتاب، به شکل تطبیقی با عکس و تصویر همراه شود، تا به صورت بصری تأثیر مفاهیم باستانی در فرهنگ مردم عرب خوزستان مورد مقایسه قرار گیرد. به نظر می‌رسد بسیاری از نقوش و سنن عیلامی هنوز در میان مردم عرب خوزستان یافت می‌شود، که در این اثر به خالکوبی، لباس و برخی از مفاهیم دینی و نام‌ها - به طور مختصر پرداخته شده - با بررسی‌های دقیق و کارشناسانه تشابه میان نقوش جام ناروند و فرمان کوتی اینشوشیناک با نقوش خالکوبی این مردم صورت گرفته، علاوه بر آن، پوشش عیلامیان که در کنیه‌های باستانی آمده و در کتب معتبر دانشگاهی درج شده‌اند، با پوشش امروزی مردم عرب مقایسه شده و علاوه بر همه‌ی اینها، به طرح‌های قالی نیز پرداخته شده، تا افزون بر حفظ این طرح‌ها - که رو به فراموشی گذاشته‌اند - بتوان مقایسه‌ای دقیق داشت، به این امید که این اثر مورد استفاده‌ی پژوهشگران قرار گیرد.

در پایان، مجموعه عکس‌هایی از انواع خالکوبی و نقوش قالی و دیگر رسوم آمده، تا مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد و بیشتر تصاویر این اثر توسط نگارنده کتاب جمع‌آوری شده‌اند.

دربرمی‌گیرد و مقصود از مردم عرب این بخش جغرافیایی است - شایان ذکر است، که به طرز شگفت‌آوری بسیاری از خالکوبی‌های مردم عرب دقیقاً شبیه به نقوش جام نارونده و نیز شبیه به نقوش فرامین کوتی ناهونته^۱ می‌باشند، که این شباهت بعد از هزاران سال - آن‌هم در میان مردمی که از نقوش عیلامی اطلاعی ندارند - تصادفی نیست، بلکه برگرفته از ارتباط مردم امروز با گذشتگان بوده، باعث شده که این نقوش نسل به نسل همراه با نام‌ها و اسطوره‌های عیلامی تا به امروز تداوم یابند و در میان این مردم باقی بمانند.

خالکوبی در میان مردان و زنان عرب بسیار رواج داشته و کمتر کسی از بزرگسالان را می‌توان یافت، که خالکوبی نداشته باشد. خالکوبی‌ها الگوها و نام‌های فراوانی داشته‌اند. می‌توان به خالکوبی "لامی" اشاره نمود، که در مناطق شوش و روستاهای اطراف آن وجود دارد. علاوه بر آن، در قالی‌بافی از الگوهای عیلامی استفاده شده، که به نقوش و طرح‌های لامی معروفند. در این کتاب سعی شده به قالی‌بافی و پارچه‌بافی نیز اشاره شود. با توجه به کشفیات باستان‌شناسی، اولین خاستگاه بافندگی و طرح‌های قالی‌بافی، چغامیش شوش می‌باشد. این موضوع بسیار مهمی است که تا به امروز در مناطق چنانه و عبدالخان و دیگر مناطق شوش نوعی قالی به نام لامی بافته می‌شود. در حاشیه‌ی این قالی، طرح معبد دورانتاش (امروزه: چغازنبیل) و بسیاری دیگر از نقوش عیلامی قابل دیدن است. بی‌شک، وجود این نقوش اتفاقی نبوده، بلکه تأییدکننده‌ی ارتباط عیلامیان و تأثیر شایان آنها بر فرهنگ این مردم می‌باشد.

عیلامیان نام سرزمین خود را - بنا بر نوشته‌های خط میخی - اهل تمّتی، هلتامتی یا هلمتمتی و اهل تامت نامیده‌اند، که به معنای سرزمین خدا است.^۲

متون و نقوش برجسته‌ی عیلامی، حضور امپراطوری عیلام را در سراسر خوزستان، جنوب تا بوشهر (لیان باستان) و شرق تا مرودشت (انشان باستان) نشان می‌دهد. هرگاه عیلام قدرت می‌یافت، نقشی در سیاست بین‌النهرین ایفا می‌کرد.^۳ علاوه بر آن، حکومت عیلامیان در کرمانشاه، همدان تا جنوب تهران، کرمان، کاشان، سیستان و بلوچستان، مناطق جنوبی (فارس، چهارمحال، لرستان، بندرعباس و ایلام) را زیر سلطه‌ی خود داشته است. مهمترین شهر تمام دوران عیلام شهر شوش بوده و

بخش اول: مختصری از تاریخ عیلام

امپراطوری عیلام اولین حکومتی است، که در این سرزمین توانست با اقتدار هزاران سال حکومت کند. از آغاز تاریخ عیلامیان مدارک فراوانی بر جای نمانده، اما از هزاره‌ی چهارم و سوم به بعد مدارک فراوانی - چه در باستان شناسی عیلام و چه در مدارک همسایگان بین‌النهرینی - یافت شده است.

عیلام در واقع نامی است، که همسایگان بین‌النهرینی برای این تمدن انتخاب کرده و به معنای ارتفاعات است، اما عیلامیان خود را "اهل تمّتی" یعنی مردم سرزمین خدا می‌نامیدند و به این نام در جهان باستان شناخته می‌شدند. در مورد نژاد مردم عیلام اختلاف نظر وجود دارد، ولی در بسیاری از منابع خارجی بر سامی بودن آنها تأکید شده؛ هرچند برخی به نامشخص بودن نژاد آنها و یا اورآسیایی بودن عیلامیان اشاره می‌کنند. البته در منابع دینی باستان - مانند تورات - به عیلام فرزند سام و سام فرزند نوح اشاره شده، که تأیید می‌کند عیلامیان سامی بوده‌اند. در این کتاب سعی شده به موضوع نژاد مردم عیلام نیز پرداخته شود، اما در مورد ارتباط میان عیلامیان و مردم عرب خوزستان دلایل فراوانی وجود دارد. می‌توان به زبان مردم عیلام از اواخر هزاره‌ی سوم اشاره کرد، که با ورود سارگون^۱ اکدی و حکومت اکدیان زبان مردم عیلام را اکدی می‌یابیم و بنا بر نظرگاه پژوهشگران، زبان اکدی یکی از قدیمی‌ترین زبان‌های سامی است، زیرا اکدیان اولین مهاجران از سواحلی به شمار می‌آیند، که امروزه خلیج فارس نامیده می‌شود و نیز از مهاجران شبه جزیره‌ی عرب به بین‌النهرین بوده‌اند. همچنین، می‌توان به لباس عیلامیان اشاره نمود، که متشکل از لباسی بلند شبیه به دشداشه‌ی مردم عرب خوزستان و نیز عقال و چفیه‌ی عربی در نقوش عیلامی است. نیز، سکه‌های دوران عیلامی و مهرهای این دوره پادشاهان عیلامی را با این نمونه لباس نشان می‌دهد و علاوه بر آن، وجود نام‌های عیلامی پس از هزاران سال در میان مردم عرب، از تأثیر فرهنگی و زبانی نشان دارد. برای نمونه، چنانچه امروزه به نام‌های مردم عرب جنوب غربی ایران (خوزستان) نگاه کنیم، هنوز در میان پیرمردها و پیرزن‌ها نام‌های عیلامی وجود دارد؛ نام‌هایی مانند شولی، نبراس، ایبیر، اشناوه، انتیشه و نام کوتی که از کوتی ناهونته گرفته شده و نام‌های فراوان دیگری که به آنها خواهیم پرداخت.

در مورد نقوش عیلامی و ارتباط آنها با خالکوبی زنان و مردان عرب - هرچند که این نقوش تمام مناطق ایلام و خوزستان تا بوشهر و بندرعباس و حتا جنوب عراق را

^۱ Kutir-Nahhunte

^۲ بنگرید به: مجید زاده، یوسف. تاریخ تمدن ایلام. مرکز نشر دانشگاهی. چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران.

^۳ ۱۳۸۶. ص ۵

همان ص ۱.

^۱ Sargon

آثاری که در شوش یافت شده تأییدکننده‌ی این دیدگاه است. شوش در تمام دوران تاریخ عیلام شهر مذهبی و سیاسی مهمی بوده است. بابلی‌ها قسمت مرتفع سرزمینی را که در مشرق بابل قرار داشت، عیلامتو (الامتو) یا الام (بنی لام) یعنی کشور طلوع آفتاب یا مشرق می‌نامیدند.^۱ خوزستان، دشتی پهناور با رودخانه‌های فراوان و پر آب، دارای خاکی حاصل‌خیز که می‌توان همه نوع کشاورزی در آن انجام داد. این فراوانی آب و حاصل‌خیزی خاک باعث شد، یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان باستان در این دشت شکل بگیرد و هزاران سال تداوم یابد. اگرچه تمدن عیلامی در شوش شکل گرفت و سرزمین‌های زیادی را زیر سلطه داشت، ولی بارها مورد حمله و تاخت و تاز همسایگان بین‌النهرینی قرار گرفت، اما با همه‌ی این حمله‌ها توانست هزاران سال پیش از میلاد و پس از میلاد در شکلی جدید به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه دهد.

عیلامیان در طول تاریخ بلند خود بسیاری از صنایع عهد باستان را اختراع نمودند، که می‌توان از چرخ نام برد. این اختراع تحول فراوانی در حمل و نقل آن دوران تا به امروز دارد. از دیگر ابداعات عیلامیان، می‌توان از: آبیاری زمین‌های کشاورزی، حفر کانال‌های آبیاری، صنایع ساخته شده از مس، ساخت زیقورات‌های چند طبقه، سیلوهای نگهداری گندم، سفال‌گری و قالی‌بافی نام بُرد. اولین نمونه‌ی بافندگی بشر در چغامیش شوش یافت شده، که نوعی دار قالی‌بافی و وسایل پارچه‌بافی بوده است. عیلامیان با بهره‌گیری از فنون آبیاری توانستند سرزمین خود را به اوج آبادانی و اقتدار برسانند. اتصال درّه و دشت (شوشان و انشان) در توسعه تاریخ و هنر عیلام نقشی تعیین‌کننده داشت و امتیاز عیلام بر دشت‌های بین‌النهرین همسایه‌اش در این‌جا بود. بین‌النهرین برای تهیه‌ی مواد خام توسعه فرهنگی‌اش به دشت‌های عیلام نیاز داشت. به این ترتیب، از طریق تجارت و یا جنگ، سومری‌ها و بابلی‌ها، چوب، فلزات (مس، سرب، قلع، نقره) و سنگ (بازالت، مرمر، سنگ چخماق، سنگ رخام، اراگونیت و اِیسیدین) و سنگ‌های نیمه‌قیمتی (عقیق، یشم خطایی، لاجورد) و نیز اسب‌های مورد نیاز خود را به‌دست می‌آوردند و وارد می‌کردند.^۲

شواهد و اسنادی از فرهنگ و تمدن پیشرفته‌ی قوم عیلامیان در دست است، که دیرینگی آن را تا ۶۵۰۰ سال پیش، یعنی چهار هزار و پانصد سال پیش از میلاد

^۱ برای آگاهی بنگرید به: امیه، پی. یر. تاریخ عیلام. ترجمه: بیاتی، شیرین. انتشارات دانشگاه تهران. تهران. چاپ پنجم: ۱۳۸۹. ص: ۲.
^۲ بنگرید به: هیتس، والتر. دنیای گمشده‌ی عیلام. ترجمه: فیروز نیا، فیروز. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۱۱.

مسیح ثابت می‌کند. در آن زمان، مردم عیلام تازه از زندگی بیابانگردی و شکار و ماهی‌گیری دست برداشته، سلاح و ابزارهای دیگر ساخته بودند، زمین را می‌کاشتند و جانوران را اهلی می‌کردند و نگارش و استفاده از آینه‌ها و زیورها را می‌شناختند و دامنه‌ی بازرگانی آنان از مصر تا هند کشیده می‌شد. در کنار سنگ‌های چخماقی تراشیده‌شده‌ی صافی که قدمت آنها تا دوره‌ی عصر حجر می‌رسید، گلدان‌های خوش‌ساخت و دایره شکل می‌بینیم که بر آنها اشکال منظم هندسی (نقوش چفیه) تصاویری زیبا از جانوران و گیاهان نقش گردیده، که از سرزمین قدیم عیلام به‌دست آمده‌اند. به‌نظر صاحب‌نظران، بعضی از این گلدان‌ها چنان زیبا آراسته‌اند، که در شمار بهترین آثار هنری بدوی بشر محسوب می‌شود. در آن سرزمین، نخستین چرخ کوزه‌گری و نخستین ارابه‌های باری و نظامی، ابزارهای آهنین و مسین و سله‌ترین و زیباترین تبره، تیشه‌ها، سرخجریهای مفرغی و مسین به‌دست آمده است. نخست در عیلام، بعدها در بابل و بسیاری پس از آن در مصر، استفاده از فلزات و ابزارهای فلزی جنگی و روستایی رواج یافت.

مردم عیلام از زندگی ساده - که با شهری‌گری و ابزارسازی و حفظ شهر و خانه و کاشانه آغاز شده بود - به زندگی جنگی و کشورگشایی پُر دردسر و پُر ماجرا رانده شدند و به کشتار و کشته شدن و غارت و سوختن و سوزاندن و فتح و شکست پرداختند. عیلامیان نخست سومر^۱ و بابل^۲ را گرفتند. سپس آن ملت‌ها - که همسایگان دیوار به دیوار عیلام بودند - بر عیلامیان تاختند و یکی پس از دیگری عیلام را با قهر و کشتار به تصرف خود درآوردند.^۳

تمدن عیلام یکی از چهار قسمت دنیای قدیم؛ یعنی: سومر، اکد^۴، آشور^۵ و خود عیلام به‌حساب می‌آمد، که این همسایگان تأثیر فراوانی بر آن داشته و از آن تأثیر پذیرفته‌اند. گاهی صلح و روابط دوستانه برقرار بود و ازدواج سیاسی میان شاهزادگان رخ می‌داد و گاه جنگ و درگیری برای به‌دست آوردن منابع و ثروت‌های یکدیگر.

عیلام از ابتدای تولد در کنار همسایگانی می‌زیست، که دارای تمدن‌های بسیار پیشرفته‌ای بوده‌اند، که می‌توان به سومر، اکد و حکومت به‌هم آمیخته اکدی

^۱ Summer

^۲ Babel

^۳ اقتداری، احمد. خلیج فارس از دیرباز تاکنون. نشر امیر کبیر. تهران. ۱۳۸۹. ص: ۳۶.

^۴ Akkad

^۵ Ashure

سومری - که بابل نام گرفت - اشاره نمود. امپراطوری آشوری در پیشرفت جهان باستان نقشی اساسی داشته و آشوریان در زمان خود دلاوران و جنگاوران ماهری بودند. آشوریان نیز به عیلام حمله کرده و مدت کوتاهی این سرزمین را زیر سلطه داشتند. کشور اورارتو در ارمنستان کنونی نیز روابط تجاری فراوانی با عیلام داشت، که یکی از کشورهای مقتدر عهد باستان بود.

عیلام و همسایگان غربی‌اش در دشت بین‌النهرین در تماس نزدیک و همیشگی و اختلاط نژادی و فرهنگی بودند؛ به‌گونه‌ای که در اساطیر سومریان مانند اسطوره‌ی گیلگامش چندین بار نام عیلام تکرار می‌شود و حماسه‌ی گیلگامش جزء اسطوره‌های عیلام می‌شود. اولین تماس عیلام با اکدی‌ان در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد صورت پذیرفت (۵۰۰۰ سال پیش)؛ یعنی زمانی که این مملکت وارد زندگی سیاسی و تاریخی شده بود. اکد بزرگ و متمدن دارای نفوذ فوق‌العاده در عیلام می‌شود خط و زبان اکدی را پذیرفته و آن را به کار می‌بردند. باستان‌شناسان بر این باورند که تشکیل اولین سلسله‌ی سامی با امپراطوری سارگون اکدی تحول بزرگی در جهان باستان داشت. اکدی‌ان در زمان سارگون، عیلام را فتح کردند و اولین امپراطوری خود را تشکیل دادند. آنها توانستند از مصر تا سند و پاکستان و هند حکومت خود را گسترش دهند.^۱

اکدی‌ان در مصر اولین سلسله‌ی حکومتی را تشکیل دادند، که مصریان به سارگون اکدی لقب فاروق داده بودند. زبان اکدی - که با زبان عربی امروز شباهت فراوان داشت - از هزاره‌ی سوم به بعد، زبان رسمی عیلامیان می‌شود و تا به امروز برخی کلمات و نام‌های اکدی بر سر زبان مردم عرب وجود دارد، که باقی‌مانده‌ی عصر عیلامیان است. پس از سارگون، عیلامیان برای استقلال تلاش فراوانی کردند، ولی با روی کار آمدن ریموش جانشین سارگون این تلاش‌ها به نتیجه‌ای نرسید و در کتیبه‌ی ریموش آمده، که او توانست سی و دو شهر عیلامی را در هم شکند و مردم آن سامان را آواره سازد.

پس از ریموش، برادرش مانیشتوسو بر سر کار آمد و او نیز مانند ریموش عمل کرد و عیلام را دوباره به زیر سلطه کشید و هر جا کسی شورش می‌کرد به سرعت از بین می‌رفت. پس از مانیشتوسو، نرام سین^۲ زمام امور اکد را به دست گرفت. وی یکی از

^۱ امیه، پی. ی. تاریخ عیلام. ترجمه: بیانی، شیرین. انتشارات دانشگاه تهران. تهران. چاپ پنجم: ۱۳۸۹. ص ۳.

^۲ نام قدیم سند ملوچه بوده است.

^۳ Naram-Sin

مهم‌ترین شاهان این مملکت می‌باشد، که دوره‌ی اوج ترقی خود را طی کرد. در زمان او، عیلام تحت تصرف اکدی‌ها باقی ماند. وی برخلاف گذشتگان دست به آبادانی و اصلاحات زد. پس از نارام سین، دیگر یادی از زبان عیلام قدیم نماند و زبان اکدی تا دوران بعد در اوج اقتدار باقی ماند. در این دوران نام مردم و پادشاهان عیلامی همه سامی می‌شود. اما باز عیلامیان توانستند پس از "نارام سین" به استقلال دست یابند و به اقتدار سابق خود بازگردند، ولی زبان اکدی همچنان در عیلام باقی ماند و تا به امروز بسیاری از کلمات اکدی در زبان مردم عرب خوزستان وجود دارد. همچنین، بسیاری از کلمات اکدی از زمان عیلامیان بر زبان عربی، فارسی، ترکی و حتی یونانی تأثیر داشته است؛ مانند کلمه‌ی آب، اجر، پردیس، خر، توت، گچ، گلاب، سیب و دیگر کلمات که از اکدی وارد زبان فارسی شده اند.

باستان‌شناسان، تاریخ عیلام را به چند دوره تقسیم نموده‌اند، که این تقسیمات در کتاب‌های مختلف بنا بر نظر باستان‌شناسان متفاوت است، اما آنچه مورد اتفاق همه‌ی باستان‌شناسان می‌باشد، آغاز تاریخ شوش و اولین یافته‌ها را هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد می‌دانند (شش هزار سال پیش) و اولین نوشته‌ها و آثار باستانی را مربوط به هزاره‌ی چهارم دانسته‌اند، که از هزاره‌های پیش از آن آثار کمی برجای مانده است. دنیل پاتس - باستان‌شناس استرالیایی - در کتاب باستان شناسی ایلام تقسیمات دقیقی از دوران تاریخی عیلام داشته است، که عبارتند از:

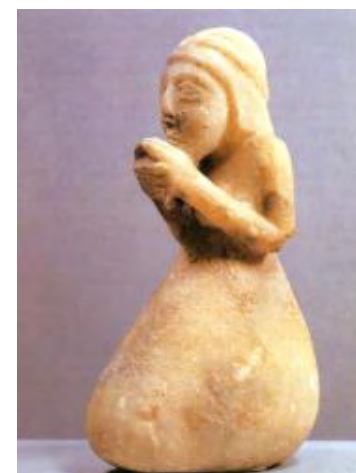
دوره‌ی شوش ۱

نخستین مدرک باقی‌مانده از دوره‌ی شوش ۱ که در حدود سال‌های ۴۳۹۵ پیش از میلاد است، مربوط به تپه‌ی اکروپل یا قلعه فرانسویان می‌باشد. همچنین، گمانه‌زنی در تپه‌ی آپادانا نشان می‌دهد که محوطه در حدود ۵/۶ هکتار مساحت داشته، و گمانه‌زنی در محوطه‌ی اکروپل - که به لایه‌ی شوش ۱ رسیده - در حدود ۷ هکتار است.

گفته شده، که تبار اصلی جمعیت شوش از روستاهای پیرامون به آنجا آمده، که به منزله‌ی سرآغازی برای بنیان نهادن شوش متروک شده، در آتش سوخت بخشی از چغامیش احتمالاً با بنیان نهادن شوش ارتباط داشته است؛ به‌طوری که "فرانک

^۱ سلوم، محمد داوود. فرهنگ واژگان اکدی. ترجمه: کریمیان سردشتی، نادر. نشر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. تهران. ۱۳۸۴. ص: ۲۲۴، ۲۲۵ به بعد.

هول^۱ اظهار کرده: «تلاشی عمدی برای تأسیس دوباره‌ی نوعی مرکز و تخلیه‌ی ناحیه‌ی پیشین بوده است.»^۲ اما علت اصلی تأسیس شوش - هرچه بوده - باعث شد یکی از اولین شهرهای جهان در این مکان برپا شود. سکوی خشتی کوتاهی در تپه‌ی اکروپل به‌دست آمده، که در مورد آن اختلاف نظر وجود داشته، اما بعدها ثابت شد که قبرستانی باستانی از دوره‌ی شوش ۱ بوده است. شوش در دوره‌ی شوش ۱ با تقریباً چهل استقرارگاه کوچک‌تر در پیرامونش در دشت شوشان، دست کم چهار برابر هر کدام از همسایگانش بود. همچنین، در این محوطه بنایی پلکانی از اواخر هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد یافت شده، که در نوع خود عجیب به‌نظر می‌رسد. در این عهد، تعدادی مهرهای مسطح مکشوف از لایه‌های این دوره از شوش به‌دست آمده، که پیرامیه آن را آغاز دوره‌ی شاهی می‌داند. از مهم‌ترین نقوش مهرهای به‌دست آمده‌ی این دوره در شوش، نقش چفیه‌ی عربی است، که این نقش تا به امروز در میان مردم عرب متداول است و رواج دارد.^۳



تصویر: مجسمه مرد نیایشگر از کهن ترین نمونه های مجسمه سازی در شوش و به حدود ۳۳۰۰ ق.م باز می‌گردد. عقال، چفیه و دشداشه عربی قابل مشاهده است.

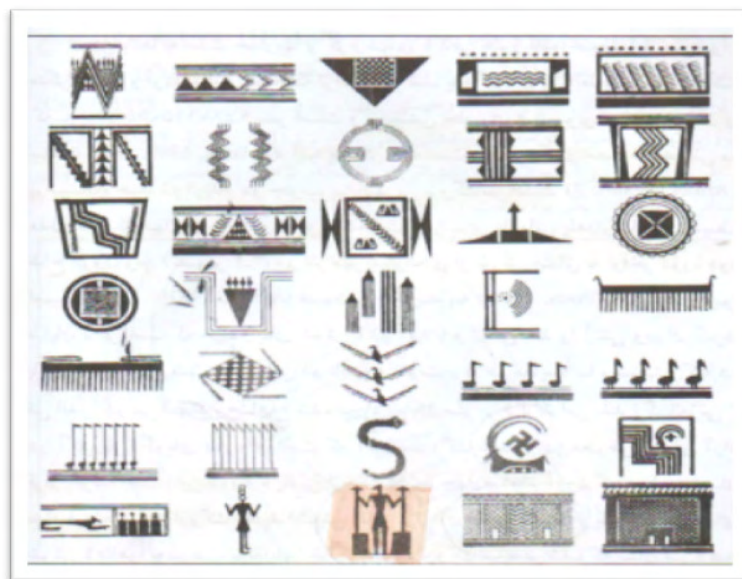
^۱ Frank-Hole

^۲ هول، فرانک. باستان شناسی غرب ایران. ترجمه: باستی، زهرا. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۹۰. به نقل از: پاتس،

دنیل تی. باستان شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۸۸.

^۳ پاتس، دنیل تی. باستان شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۸۸.

مجسمه مرد نیایشگر از کهن ترین نمونه های مجسمه سازی در شوش و به حدود ۳۳۰۰ ق.م باز می‌گردد. عقال، چفیه و دشداشه عربی قابل مشاهده است.



این تصویر، نقش‌مایه‌های اصلی سفال‌های شوش یک است. در این تصویر، نقوش چفیه‌ی مردم عرب خوزستان و برخی دیگر از نشانه‌های خال کوبی دیده می‌شود. علاوه بر آن، چلیپا یا صلیب شکسته نیز قابل توجه است، که این نشان در میان مردم عیلام رواج داشته و نشانی از چهار عنصر اصلی طبیعت؛ یعنی آب، خاک، باد و آتش است، که از نشانه‌های صابئین مندائیان می‌باشد.

دوره‌ی شوش ۲

تعیین یک جهت کاملاً متفاوت در بناها، تغییر در اندازه‌ی آجرها، و تغییر در مجموعه‌ی سفال‌ها، مبانی تمایز دوره‌ی دوم در گمانه‌ی اکروپل ۱ (تپه‌ی فرانسویان) است. «این دوره، سال‌های ۳۸۰۰ تا ۳۱۰۰ پیش از میلاد را در برمی‌گیرد. این دوره به دوره‌ی اروک نیز مشهور است. در این دوره، شوش به ۲۵ هکتار گسترش می‌یابد و علاوه بر شوش، دهنو و تپه‌ی ابو فندوه وسعتی مشابه شوش می‌یابند. وجود نقوش مشترک عیلام و بین‌النهرین روابط بین دو تمدن در این دوره را اثبات می‌کند. آنچه در این دوره همه‌ی باستان‌شناسان به آن اتفاق نظر دارند، شباهت سفال‌های شوش و بین‌النهرین است. عنصر سامی بین‌النهرینی در شوش قابل ثبات است.»^۱

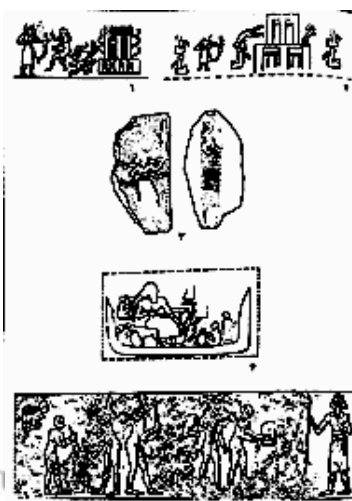
طبق نظر "الگیز"، در دوره‌ی شوش ۲ تشابه فرهنگی عیلام با مردم شمال سوریه وجود دارد، که این باز مؤید سخن قبلی ارتباط نژادی مردم عیلام و سامیان است. در این دوره، تشابه عجیبی بین سفال‌های مناطق مختلف مانند: معبد اینانا (نیپور) واقع در جنوب عراق)، خفاجه (دره‌ی رودخانه‌ی دیاله در شمال شرقی عراق)، حبوبه کبیره، تپه‌ی ماری، جبل عروده، تل برک سوریه، گودین تپه در لرستان، چغامیش در خوزستان، تل قصیر در دره‌ی رامز، یافت شده که تأیید دیگری بر ارتباط فرهنگی و اجتماعی و شاید حتی نژادی بین این مناطق است. زبان مشترک، واحد شمارش مشترک (سَتنی) سفال‌های مشترک، و اشتراکات فرهنگی و اساطیری جای سؤال فراوان دارد. متون اقتصادی همراه با نشانه‌ها و اعداد، نسخه‌هایی از متون، واژگانی را نشان می‌دهد که دربرگیرنده‌ی حرفه‌ها، عناوین، ظروف سفالی، فلزات و غلات می‌باشد، که مشترک بین این دو تمدن هستند. در مجموع، در تفسیر شوش ۲ باید گفت که شواهد نشان از اشتراک مردم عیلام و بین‌النهرین دارد. اثر مهرهای این دوره کاهن شاهی را به تصویر می‌کشد، که با لباسی شبیه به دشداشه و عقال بر سر، در حال هدایت کارگران و اسیران می‌باشد.

مهم‌ترین مذهب دوره‌ی شوش ۲ عقیده‌ای به نام هوسا بوده است، که این نام تاکنون در میان مردم رواج دارد و هوسا در زبان عیلامی به معنای شاخ است.^۲

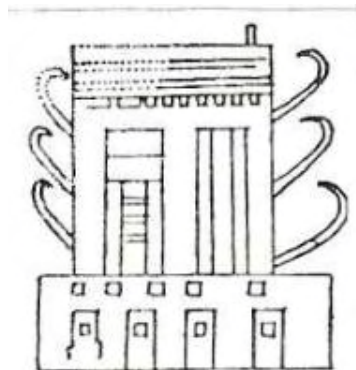
^۱ پاتس، دنیل تی. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۹۸.

^۲ همان. ص: ۱۱۳.

^۳ صراف، محمد رحیم. مذهب قوم ایلام. نشر سمت. تهران. ۱۳۹۱. ص: ۴۶.



اثر مهرهای شوش ۲ و اروک جدید - با نقش کاهنی از شوش - که در شوش و چغامیش به دست آمده است. در این مهر، کاهن شوشی با لباسی شبیه به لباس مردم عرب و مندائیان خوزستان دیده می‌شود.



این تصویر مربوط به عقیده‌ی دینی هوسا در ۳۳۰۰ قبل از میلاد است. بر اساس این عقیده، نوعی نشان مذهبی به شکل شاخ وجود داشته، که بسیاری از حاکمان عیلامی و بین‌النهرینی کلاه خودی با دو شاخ (ذو القرنین) بر سر قرار می‌دادند. قابل توجه اینکه هنوز هوسا (Husa) به شکل رجز خوانی در میان مردم عرب خوزستان رایج است.

دوره‌ی شوش ۳

باستان‌شناسان، دوره‌ی بین سال‌های ۳۱۰۰ قبل از میلاد تا ۲۹۰۰ قبل از میلاد را، دوره‌ی شوش ۳ نام‌گذاری کرده‌اند. در این دوره، خط میخی رواج بیشتری می‌یابد و به شکل گسترده‌ای در عیلام منتشر می‌شود.

دیدگاه‌ها در مورد شوش ۳ بسیار فراوان است، اما آنچه بسیار مهم به نظر می‌رسد آن است که در دوره‌ی شوش ۳ اتفاقات فراوانی رخ می‌دهد، که باعث تغییرات اساسی در شوش شد. دستگاه‌های عددی به کار رفته در این دوره - همانند آنهایی که در سنت اروک ۳ استفاده می‌شده - همان دستگاه‌های ستینی (شصت تایی) بین‌النهرین است.^۱

شوش در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد دچار تحولات فراوان شد، که در این هزاره حمله‌ی اکدیان به رهبری سارگون باعث تغییرات اساسی در شوش شد. نام عیلام در این هزاره از سوی بین‌النهرینی‌ها به این مناطق اطلاق شد و از آن پس، عیلام نام رسمی این سرزمین شد. پس از اکدیان در سال ۲۱۰۰ ق. م اولین حاکم عیلامی به نام ابو الزور - اینشوشیناک باز بر تخت قدرت عیلام تکیه می‌زند.

پوزور - اینشوشیناک (ابو الزور - اینشوشیناک) اولین عیلامی است که به سرزمین بین‌النهرین حمله می‌کند و آنجا را تسخیر می‌کند، که شاید واکنشی باشد به حملات بین‌النهرینی‌ها.^۲ در متون سومریان از دو منطقه در هزاره‌ی سوم یاد می‌شود، که عبارتند از: عیلام و آوان - که گویا این دو منطقه برای سومریان شناخته شده بودند. از نکات مهم این دوره، وجود شهرهای فراوان در عیلام که در کتیبه‌ی ریموش اکدی به آنها اشاره شده، ریموش دستور حمله به آنها را صادر کرده و فرماندهان آنها را به اسارت برده است. مسأله‌ای که در نام‌ها قابل توجه است، آنکه بیشتر این نام‌ها تاکنون بین مردم رواج دارند - هرچند در طول تاریخ تغییراتی یافته‌اند - که از آن میان می‌توان به: میشمه، ارواه، انسی، زهره، اومی، سیدقو، لوانه، برهشوم، مرعشی (مرهشی)، لاگاش، ارویزه، هره، هن، سیکو و بسیاری از نام‌های دیگر اشاره کرد، که نام‌هایی اکدی می‌باشند و تاکنون هنوز در میان مردم عرب خوزستان کاربرد دارند.

^۱ پاتس، دنیل تی. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۱۳۳.

^۲ قابل توجه است، که نام ابو الزور تاکنون در روستای بیت سعد و بیت حاجات - از توابع دزفول - در میان مردم عرب رواج دارد.

^۳ Puzur-In-Shushinak

^۴ پاتس، دنیل تی. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۱۳۷.

در اواخر حکومت ابو الزور - اینشوشیناک - یعنی به سال ۲۱۰۰ قبل از میلاد - بار دیگر بین‌النهرین بر شوش چیره شد، که این بار اور - نمو سلسله‌ی اور^۱ در جنوب بین‌النهرین را تشکیل می‌دهد و تقریباً یک سده دوام آورد. حکومت اور ۳ جدا از سلطه بر شوش، دیگر مناطق عیلام را زیر سلطه خود گرفت و می‌توان انشان و همسایگانش را نام برد که این سلطه با ازدواج‌های سیاسی با مقامات برجسته‌ی بومی عیلامی به اوج رسید.

در سال ۲۰۰۰ ق. م شوشی‌ها توانستند سلسله‌ی اور را شکست دهند و به سلطه‌ی بین‌النهرین پایان بخشند. پس از اور - نمو، پسرش شولگی^۲ باز توانست بر عیلام چیره شود. در این مورد، چهار کتیبه تأییدکننده‌ی این سلطه می‌باشند، که شولگی معبد اینشوشیناک^۳ شوش را بازسازی کرده است. این بازسازی، از احترام فراوان بین‌النهرینی به عقاید مردم شوش و خدای اینشوشیناک نشان دارد. در یکی از کتیبه‌ها، این‌گونه آمده است: «شولگی، مرد قدرتمند، پادشاه اور، پادشاه سومر، و اکد» که این نشان از قدرت شولگی در آن دوران دارد.^۴

شولگی به تغییر کامل یا مدرن‌سازی قلمرو به ارث رسیده از پدرش، شهرت دارد. این تغییرات ابتکاراتی در ارتش، نظام دیوان‌سالاری، تغییر شکل نظام نگارشی، وزن و مقادیر، ایجاد دیوان‌سالاری قوی و تمرکز یافته دادرسی و اعلام منشور قانونی معروف به منشور اور - نمو، همراه بوده است. همچنین، تقویم یکدست در سراسر امپراطوری، مالیات‌بندی، یکدست کردن مالیات در سراسر قلمرو، ارتباطات، ایجاد یا اصلاح نظام جریان سریع اطلاعات در سراسر امپراطوری و محدوده‌های تصرف زمین (اصلاح قوانین تصرف زمین‌های مرتبط با کاخ و معابد) را شامل می‌شود. در یکی از سروده‌های شولگی می‌خوانیم که او گفته است: «به راستی که زبان عیلام را به سان زبان سومر می‌دانم و این نشانه‌ای مطمئن از این ارتباط او با شرق جدی بوده است.»

در دوره‌ی اور ۳ تعداد شهرهای تحت سلطه‌ی عیلام ۲۹ شهر و ناحیه بوده است، که می‌توان انشان، شوش، شتیلو، ازهر، زئوله، یابرو، هوسن، اوری، سیری، دنهیلی،

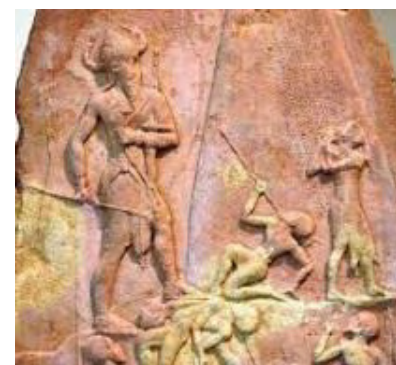
^۱ Ure

^۲ Shulgi

^۳ Inshushinak

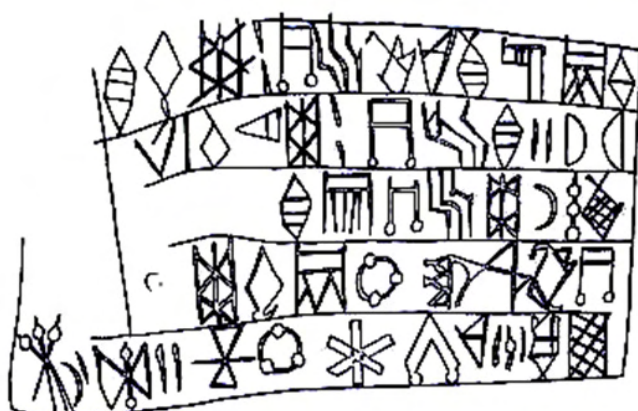
^۴ پاتس، دنیل تی. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۲۰۸. همان

گزنه نه، دبه و بسیاری دیگر را نام برد. شیماشکی از شش بخش تشکیل شده بود، که در مورد جای دقیق آن اختلاف نظر وجود دارد، اما وجود نام‌های عیلامی در لیست نام‌های پادشاهان این سلسله نشان از تابعیت عیلامی است. در واقع، شیماشکی‌ها مخالفان اور بودند و همیشه با اور درگیری داشتند. نام دوازده پادشاه از شیماشکی در متون عیلامی و سومری آمده است، که برخی از نویسندگان بااهمیت‌ترین دوره‌ی شیماشکی را ۲۲۰۰ ق. م تا ۱۹۰۰ ق. م می‌دانند، که همان دوران ضعف اور و قدرت شوش و شیماشکی عیلام بوده است.



این تصویر مربوط به حمله نارام سین اکدی و تسخیر مناطق کوهستانی در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد است. نارام سین پس از ورود به شوش به خدای شوش تعظیم می‌کند و هدایایی را تقدیم می‌کند. در این دوره، زبان اکدی به‌عنوان اولین زبان بین‌المللی در شوش و بین‌النهرین رسمیت می‌یابد و این زبان به زبان عربی امروز شباهت فراوانی دارد و پژوهشگران بر این باورند که این زبان همان زبان عربی باستان است.

این تصویر مربوط به نوعی نظام عددی بوده، که در الواح شوش ۳ به کار رفته است. این حساب عددی را ستینی (شصت تایی) می‌نامیدند.



این تصویر، مربوط به فرمان کوتی اینشوشیناک در سال ۲۱۰۰ قبل از میلاد است و مربوط به دوره‌ی شوش ۳ می‌باشد. این نشانه‌ها همان علامت‌های هستند که مردم عرب خوزستان در خالکوبی از آنها بهره برده‌اند. این نشانه‌ها، نوع تقسیم اراضی و مالکیت زمین را شرح می‌دهند و یا فرامینی حکومتی برای تصویب قانون یکپارچه در عیلام بوده است.

عیلام قدیم (دوره‌ی نایب‌السلطنه‌های بزرگ عیلام و شوش)

این دوره از تاریخ عیلام - که مانند دوره‌ی قبل به تعدد عناوین شاهی در شوش معروف بوده - به دوره‌ی سوکل مخ‌ها مشهور بوده که تقریباً از اوایل هزاره‌ی دوم پیش از میلاد آغاز می‌شود. سوکل مخ عنوانی است که نخستین بار در متون پیش از سارگون به کار رفته است. کلمه‌ی سوکل مخ به معنای نخست‌وزیر یا وزیر اعظم است. همچنین، واژه‌ی مخ اکدی است و به معنای تفکر یا مکان تفکر ترجمه می‌شد و کلمه اشمخ یا اشماخ نیز از این کلمه برگرفته شده، که نوعی چفیه است، که در دوره‌ی سومریان بر سر می‌کردند. مقام سوکل مخ به روشنی از انسی یا فرمانروای بلند مرتبه در قلمرو لاگاش کم اهمیت‌تر بود. سوکل مخ توانستند شوش و شوشان و سراسر عیلام را به زیر سلطه بگیرند. کوک - کریمش اولین کسی بود که خود را سوکل مخ نامید.^۱

کریمش در اوایل هزاره‌ی دوم پیش از میلاد حکومت خود بر عیلام را آغاز کرد و سلسله‌ی سوکل مخ‌ها را بنیان‌گذاری کرد. جرج کامرون عقیده دارد، که قدرت سیاسی سوکل مخ‌ها به سه گروه سه نفره متشکل از سوکل مخ در مقام قدرتی اعظم، به دنبال آن سوکل وزیر عظیم عیلام و در آخر سوکل مخ شوش در جایگاه سوم تفویض شده بود.

در صورت مرگ سوکل مخ بزرگ، سوکل شوش به قدرت می‌رسید و عضو جدیدی در سوکل شوش جایگزین سوکل اول می‌شد؛ هرچند برخی از تاریخ‌نگاران سوکل شوش را قدرت اعظم می‌دانند و دیگر مناطق را بعد از شوش دانسته‌اند. این گروه‌های سه نفره در سال‌های ۱۹۰۰ ق. م تا ۱۶۰۰ ق. م در عیلام حکومت کرده‌اند. هرچند مقامات دیگری مانند ایبیر - که شبیه قاضی شوش بوده - عنوان شده است.^۲

مقام دیگر مقام اد - لوگال، که به معنای پدر شاه است. نیز در این دوره، مربوط به شلیله و خاندان اوست، که بنیان‌گذاران سلسله سوکل مخ‌ها هستند.^۳

بقایای باستانی سوکل مخ‌ها در شهر شاهی شوش و در عمق ۱۵ متری یافت شده، که کریمشمن این دوره را به سوکل مخ‌ها نسبت داده است.^۴ این آثار مربوط به

^۱ قابل توجه است که نام کریمش هنوز در میان مردم عرب کاربرد دارد و برای گونه در شوشتر از قبیله‌ی دلفیه شخصی به نام کریمش وجود دارد.

^۲ ایبیر هنوز در میان مردم عرب هم نام شخص و هم نام قبیله است.

^۳ لوگال و لوگی نامی است، که هنوز میان مردم روستای بیت سعد رایج است؛ روستایی که در کنار دهنوی باستانی است.

^۴ پاتس، دنیل تی. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۲۷۱.

شش سوکل مخ بودند، که معروف‌ترین آنها کیندینو (پادشاه شوش و انشان) و بنیان‌گذار سلسله پس از سوکل مخ بوده است. در این دوره، لباس عیلامیان همان عقال و سوسیه و دشداشه‌ی عربی است.^۱



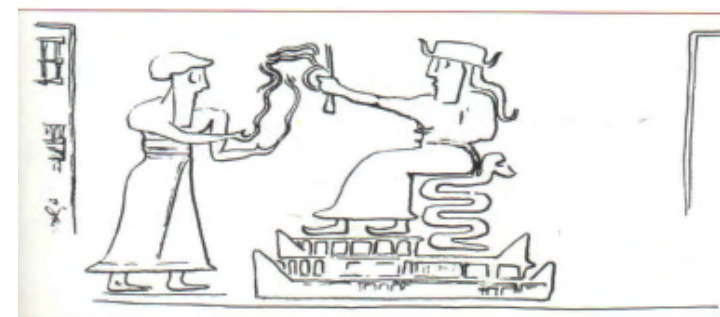
این سه تصویر، مربوط به دوره‌ی سوکل مخ‌ها در اوایل هزاره‌ی دوم قبل از میلاد می‌باشد (۴۰۰۰ سال پیش). در این تصاویر نوع لباس، کلاه خودها و حالت ایستادن نشان از عقیده مذهبی در آن عصر است.

همچنین، (اش مخ؛ اشماخ؛ اشماغ) نوعی پوشش مذهبی است، که در آن روزگار رواج می‌یابد و در دوره‌ی اسلامی به کوفیه شهرت یافت؛ کوفیه همان چفیه‌ی مردم عرب خوزستان است، که با عقال پوشیده می‌شود و از دوره‌ی عیلامیان در میان این مردم رواج داشته است.

مردم عرب خوزستان نوعی چفیه به نام سوسی دارند، که هنوز در میان مردم یافت می‌شود. این نام برگرفته از نام شهر شوش یا خدای اینشوشیناک است. این پوشش، شبیه به لباس مذهبی مندائیان خوزستان می‌باشد و آنچه پادشاه به کاهن تقدیم می‌کند، شبیه به عقال است که از منظر عیلامیان مقدس بوده

۱. -

^۱ بنگرید به تصاویر صفحات: ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۶. در: پاتس، دنیل تی. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸.



متنی اقتصادی از شوش با اثر مهر مسطح
دیلمون (بحرین)، که از روابط تجاری و سیاسی و
فرهنگی در میان این دو سرزمین نشان دارد.



دیلمون (بحرین)، مگن (عمان)، باختر (افغانستان)

عیلام از دوره‌ی سوکل مخها مجموعه‌ی فزاینده‌ای از مدارک باستان‌شناختی و مکتوب ارائه می‌دهد، که بازتاب وسعت و پیوند عیلام در این دوره بوده، نشان از پیوندی میان شوش، عیلام، انشان، مناطق ساحلی خلیج فارس، شمال افغانستان و جنوب ازبکستان است. در این دوره، ای - انزگ - ک خدای اصلی دیلمون (بحرین امروزی) در معبدی در شوش و معبر سنگ‌فرشی از اوایل هزاره‌ی دوم پیش از میلاد وقف ائا، اینشوشیناک و انزگ شده بود و یا یکی از القاب اینشوشیناک لقب خدای دیلمون بوده است.^۱ مهرهای مسطح کشف شده در شوش مربوط به دیلمون بوده، که نشان از ارتباط دیلمون با عیلام می‌باشد. این مهرها تأییدکننده‌ی روابط تجاری و مذهبی بین این دو نقطه نیز می‌باشد. مهرها و نشان‌های تجاری فراوانی در دو منطقه یافت شده، که استحکام روابط تجاری این دو منطقه تأیید می‌کند. ظروف ساخته شده از سنگ نرم از مگن (عمان) که مربوط به هزاره‌ی دوم پیش از میلاد است. این ظروف در تپه‌ی اکروپل در شوش یافت شده‌اند، که ارتباط تجاری میان این دو منطقه را تأیید می‌کند. همچنین، عمان بزرگترین تولید کننده مس در عهد باستان بوده است، که صادرات مس به سومر و از سومر به عیلام با ارتباط تجاری میان این مناطق را ایجاد می‌کند.^۲

^۱ این نام تاکنون در میان مردم عرب خوزستان رواج دارد و نام قبیله‌ای بزرگ از قبایل خوزستان است. قبیله‌ی دیلم در لهجه‌ی رایج خود بسیاری از کلمات باستانی مانند برگا، مشول، شوه را به کار می‌برند، که به نظر می‌رسد همان دیلمیان عیلامی باشند. علاوه بر آن، وجود بندر دیلم در شمال و جنوب نیز قابل توجه‌اند.

^۲ سید سجادی، سید منصور. نخستین شهرهای فلات ایران. جلد ۱. نشر سمت. تهران. چاپ سوم: ۱۳۸۸، ص: ۸۰.

عمان در عهد باستان

عمان به خاطر وجود منابع مس، همیشه محل درگیری قدرت‌ها برای به‌دست آوردن این فلز استراتژی بوده است. در لیان^۱ بوشهر نیز همان اشیاء سنگی و مسی عمانی یافت شده، که ممکن است محل ورود ابزار و اشیاء عمان به عیلام بوده است. بلخ، منبع گروه متمایزی از ظروف با ته چهار گوش از جنس سنگ نرم مکشوف از شوش و شمار اندکی از پیکره‌های سنگی وارداتی و یک آویز عقاب شکل مرصع، یک ستون سنگی و یک مهر مسطح مفرغی چند بخش بود. این اشیاء بلخی احتمالاً از محصولات جنبی تجارت بسیار مهم‌تر قلع بود.

عیلام میانه

عیلام میانه را در حدود ۱۵۰۰ ق. م در نظر می‌گیرند. در این دوره، سه مرحله شناسایی شده است، که هر کدام را سلسله متفاوتی با نام بنیان‌گذاران یا نخستین فرمانروایان برجسته‌ی آن مشخص می‌کند، که عبارتند از: کیدینو یدها، ایگی هالیک‌ها و شوتروک‌ها. در این دوره، عنوان پادشاه شوش و انشان به‌کار می‌رفت. نخستین مرحله‌ی این دوره عیلام میانه ۱ - حدود ۱۵۰۰ - ۱۴۰۰ ق. م بوده، از این دوره مدارک فراوانی در شوش به‌دست آمده است. نیز، در این دوره پادشاهی به‌نام تبتی اهر،^۲ مکان جدید و مهم هفت تپه را بنیان نهاد. مرحله‌ی بعدی عیلام میانه ۲ - که حدود ۱۴۰۰ - ۱۲۰۰ ق. م است - با ازدواج میان اعضای خانواده شاهی همزمان در سلسله‌ی بابلی مشخص شده است. در این دوران، یکی از مهمترین فرمانروایان عیلام اونتاش ناپیراش است؛ شخصی که دورانتاش (چغازنبیل) را تأسیس کرد.^۳ این شاهکار هنری در پنج طبقه و برای خدای شوش ساخته شده و برای دیگر خدایان سامی جایگاهی مخصوصی بوده است.

همچنین، از این دوره، مجسمه‌ی نبراسو - همسر انتاش - بر جای مانده، که از جنس مفرغ و در اوج هنر و سلیقه طراحی شده است. در این دوره نام‌های فراوانی

^۲ همان، ص: ۲۸۵.

^۱ Liyan

^۳ Tabty-Ahare

^۴ نام تبتی تاکتون در شوشتر کار برد دارد و بستایی به‌همین نام در مسیر اهواز - شوشتر وجود دارد.

نام اونتاش تاکتون در میان مردم عرب خوزستان کاربرد دارد و علاوه بر آن برای بیان بزرگی شهری یا چیزی گفته می‌شود "اشوای انتیشه" یا "اهوای انتیشه"، که برای بیان عظمت سرزمین انتاش بوده است.

کاربرد داشته، که تا به امروز هنوز به‌کار می‌روند؛ مانند کریریش^۱، کوتی، نبراسو، تبتی، کیزوم، شولی، منزات^۲، نوشی و بسیاری دیگر. عیلام میانه‌ی ۳ - حدود ۱۲۰۰ تا ۱۱۰۰ ق. م - زمانه‌ی سرنگونی کاسی‌ها توسط شوتروک نهونته^۳ بود.^۴ نهونته، بین‌النهرین را زیر سلطه‌ی خود گرفت و پیروزمندانه شوش را به جایگاه اولیه‌ی خود بازگرداند. در این دوره، شوش شهر مذهبی تمام اقوام سامی شد و بسیاری از نمادهای خدایان و حتی "استل" قانون حمورابی در این دوران در شوش قرار داده شد، تا خدای شوش اینشوشیناک بزرگ حافظ این مردم باشد. کلمه‌ی بیت - به معنای مکان مقدس - هنوز در میان مردم عرب کاربرد دارد؛ مانند: بیت لسی، بیت نمری، بیت نباهی، بیت نوزی، بیت هتو. یافته‌های مهم باستان‌شناختی این دوره در تل ملیان فارس و نقوش برجسته‌ی کوه‌های بختیاری و دیگر نیایشگاه‌ها به‌دست آمده، که نشان از اقتدار این دوره است.

پژوهشگران در اینباره آورده‌اند: «ملی‌کردن مراسم نیایش محلی از اقداماتی بود، که سلسله‌های بزرگ به‌منظور استحکام بخشیدن به وضعیت متزلزل سیاسی کشور انجام دادند. با توجه به‌همین طرز فکر بود که آنها پایتخت‌های خود (شوش یا دورانتاش) را به شهرهای مقدس مبدل ساختند و کوشیدند، تا خدایان محلی را در آن شهرها گردهم آورند. این پایتخت‌ها شباهت تقریباً زیادی به‌موقعیت شهر مکه در دوران پیش از اسلام داشت، که محل اجتماع خدایان قبایل گوناگون بوده است. گذشته از خدایان منطقه‌ای و محلی، در مجمع خدایان عیلامی خدایان مردم بیگانه‌ای که در طول تاریخ عیلام در سرزمین‌های زاگرس سکونت اختیار کرده بودند و یا از آن گذر می‌کردند و نیز بسیاری از خدایان بابلی حضور داشتند»

در زمان اونتاش کال، بعضی از خدایان بابلی برای خود معابدی در شهر تازه تأسیس شده‌ی دورانتاش^۵ داشتند. نفوذ بابلی‌ها را در مذهب عیلامی در استفاده از القاب

^۱ Kiririsha

^۲ Manzat

^۳ Shutruk-Nahhunte

^۴ نام نهونته، همچنان در میان عرب‌های خوزستان کاربرد دارد و نام شخصی از بزرگان قبیله‌ی "زغیب" ساکن روستاهای کنار معبد انتاش ناپیراش می‌باشند.

^۵ مجید زاده، یوسف. تاریخ تمدن ایلام. مرکز نشر دانشگاهی. چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران. ۱۳۸۶. ص: ۵۷.

^۶ Dur-Untash

اکدی برای خدایان در کتیبه‌های معابد، شاید درپاره‌ای آیین‌ها همچون آیین طلوع آفتاب که همان سیت - شمش به زبان اکدی است، می‌یابیم.^۱

حضور خدایان بابلی در شوش نشان از ارتباط مذهبی سیاسی میان این دو قوم در طول تاریخ بوده است و زبان اکدی مشترک این مردم بوده تأیید و تأکیدی دیگر بر این سخن است. این دوره با حمله نبوکد نصر بابلی به‌پایان می‌رسد و عصر جدیدی در عیلام آغاز می‌شود. در دوره‌ی عیلام میانه، از مرمت معبدی به‌نام ابو رکوبک در سرزمین سلوکی نام برده می‌شود که با منطقه‌ی دورق [تقریباً شادگان امروزی] در شرق خوزستان یکی بوده است.^۲

نقوش کول فرح، اشکفت سلمان و دیگر نقوش ایزده - که متعلق به پادشاه عقال پوش هانی می‌باشند - متعلق به دوره‌ی عیلام جدید است. مراسم قربانی آنها شبیه به مراسم عید قربان مسلمانان است و چول الفرخ ملک هانی و حالت‌های مذهبی خانوادگی او - که اولین مجموعه‌ی خانوادگی جهان است - متعلق به دوره‌ی عیلام جدید است و نشان از اهمیت خانواده و زن در میان عیلامیان است، که در مقایسه با هم‌عصران خود عیلامیان برای زن جایگاه والایی قرار داده بودند. مجسمه‌ها و تندیس‌های عیلامی نشان از مقام خدایی زن دارد و ملک هانی نیز بر این سنت پایبند بوده است و همسر خود را در مراسم رسمی شرکت می‌داد.



دورانتاش (امروزه: چغازنبیل) این معبد ساخته‌ی اونتاش جال پادشاه عیلامی شوش است.
این معبد برای خدای شوش و همه‌ی خدایان جهان باستان ساخته شده بود.

^۱ مجید زاده، یوسف. تاریخ تمدن ایلام. مرکز نشر دانشگاهی. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران. ۱۳۸۶. ص: ۵۷.

^۲ همان. ص: ۳۸۳.



تصاویر مربوط به هفت‌تپه؛ اولین طاق قوسی جهان در این منطقه یافت شده است.
طاق قوسی تحول اساسی در معماری دوره‌ی عیلامی بوده است.



این مجسمه مربوط به
ملکه نبراسو - همسر
انتاش جال - است.
این مجسمه، یکی از
شاهکارهای هنری
دوره‌ی عیلام است، که
ارتفاع آن ۱/۲۹
سانتیمتر و عرض آن ۷۳
سانتیمتر است و وزن
آن ۱۷۵۰ کیلوگرم.
طرح لباس ملکه نبراسو،
یکی از باشکوه‌ترین و
زیباترین طرح‌های
جهان باستان است.



تصاویر مربوط به ملک هانی در منطقه‌ی کول فرح و اشکفت سلمان در ایزه. لباس و باورهای دینی این دوره‌ی عیلامی شبیه عقاید و لباس مندائیان خوزستان است و گفته می‌شود که در این دوره، عقیده‌ی مندائی در میان عیلامیان رواج یافته است. مندائیان وجود خط آرامی شرقی را در کتیبه‌های تنگ سروک و دیگر مناطق کوهستانی تأیید نمودند.



تصاویر مربوط به تعمید و عبادت مندائیان ایران / خوزستان / اهواز.

دوره‌ی عیلام نو

دوره‌ی عیلام نو از حدود ۱۰۰۰ ق. م تا سال ۵۳۹ ق. م می‌باشد. باستان‌شناسان این دوره را به سه مرحله تقسیم نموده‌اند، تا مطالعه‌ی این دوره دقیق‌تر صورت گیرد. عیلام نو ۱ (حدود ۱۰۰۰ - ۷۴۴ ق. م) - که اطلاعات این دوره کمتر از دوره‌های بعدی است. دوره‌ی عیلام نو ۲ (۷۴۳ - ۶۴۶ ق. م) در این دوره با توجه به جنگ‌ها و درگیری‌ها با آشوریان مدارک فراوان عیلامی و آشوری در دست باستان‌شناسان وجود دارد، زیرا در این دوره درگیری‌های شدیدی بین شاهان آشوری و شماری از فرمانروایان عیلامی صورت گرفته، که عیلامیان اغلب با مردم جنوب عراق متحد بوده‌اند. کتیبه‌های شوتروک نهونته دوم (۷۱۷ - ۶۹۹ ق. م) از شوش پیوند با دوران پیشین را تأیید می‌کند. این دوره، دوره‌ی فشار آشوریان به عیلام بوده، که به هجوم آشوریان به شوش و کشتن بسیاری از مردم عیلام و باعث مهاجرت آنها به سامره فلسطین منتهی شد. آشور بنی بال در کتیبه‌ای گفته است، که عیلامیان شوش را گشتم و آنها را به سامره مهاجرت دادم.

شاید چفیه‌ای که فلسطینیان امروز به عنوان رمز مقاومت از آن استفاده می‌کنند - که شباهت فراوانی با چفیه‌ی مردم اهواز دارد - از این دوره با عیلامیان به آن سرزمین رفته باشد.^۱ در انتهای کتیبه‌ی آشور بنی بال به ما می‌گوید، چگونه معابد و باغ‌های شوش را نابود کرده و گورهای شاهان عیلامی را تخریب کرده است: «در طول یک لشکرکشی که پنجاه و پنج روز طول کشید، من این سرزمین را به برهوت تبدیل کردم. روی چمنزارهای آن نمک و بته خار پراکندم. همسران و دختران شاهان عیلام، از خانواده‌های قدیم و جدید، فرمانداران شهر، فرماندهان تمامی افسران از جمله مهندسان، همه‌ی ساکنان، چه مرد و چه زن، جوان یا پیر، اسب‌ها و قاطرها، الاغ‌ها، رمه‌های بزرگ و کوچک بی‌شمارتر از یک گله ملخ، همه‌ی این‌ها را من به آشور انتقال دادم.»^۲ وقتی فاتح به راه خود رفت، سکوت گورستان بر سرزمین درهم شکسته حاکم شد. بر طبق تورات، آشور بنی بال "شوشی‌ها و عیلامی‌ها" را به سامره در فلسطین برد. (عزرا، ۴ : ۹-۱۰)؛ در یک رویدادنامه می‌خوانیم که "جغد

^۱ این امر، نشانه‌ی ارتباط مردم عیلام با فلسطین است، که برخی نشانه‌ها مانند چفیه‌ی سوسی و عطابه و لباس زنانه بین این مناطق مشترک است.

^۲ هینتس، والتر. دنیای گمشده‌ی عیلام. ترجمه: فیروز نیا، فیروز. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۱۴۶.

بر خرابه‌ها ناله می‌کرد." شاه هومبن - هلتش سوم کوشید خود را در کوهستان شمالی شوش تثبیت کند و شهر مخروبه‌ی مدکتو را به عنوان پایتختش برگزیند.^۱



تصاویر مربوط به دوره‌ی حمله آشوریان و تصرف عیلام به دست آنان است. در دوره‌ی آشوریان، زبان اکدی آشوری رواج فراوانی یافت. در این تصاویر، پوشش عیلامیان شبیه به پوشش امروز مردم عرب خوزستان است. نکته‌ی مهم دیگر، نشان حکومتی و مذهبی آشوریان در سراسر آثار تاریخی آن دوره است، که این نشان امروزه به نام "گوی آشوری" در سرزمین‌های فتح شده و تابع آشور به وفور یافت می‌شود.

^۱ هینتس، والتر. دنیای گمشده‌ی عیلام. ترجمه: فیروز نیا، فیروز. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۱۴۶.



عیلام در عصر هخامنشیان

عیلامیان پس از ضعف آشوریان اسیر قدرت دیگری شدند؛ یعنی ابتدا آشوریان به عیلام حمله کردند و پس از درگیری‌های فراوان با عیلامیان و فتوحات زیاد، کم‌کم به ضعف و فساد دچار شدند.

اکنون نوبت چهره‌های جدید

است، که در سال ۵۲۲ ق. م وارد سرزمین عیلام شوند، که دو قدرت بزرگ را ناتوان یافتند، پس دو قدرت را تصاحب کردند.

در واقع، «هخامنشیان مدیون عیلامیان بودند. آنها سلاح و شیوه‌ی نظامی، کاخ و تخت و تاج، سرزمین و خط و زبان، و حتی لباس را از عیلامیان آموختند و شیوه‌ی حکومت داری را نیز از منشیان عیلامی آموختند. هخامنشیان از سال ۵۲۲ ق. م مجبور به استفاده از منشیان عیلامی بودند. نوشته‌های حک شده بر مهر پادشاهی، به زبان عیلامی بود. منشیان عیلامی بر لوحه‌های گلی به زبان عیلامی حساب‌های فرمانروایان را نگاه می‌داشتند.»^۱

هخامنشیان از سال ۶۴۵ پیش از میلاد فرمانبرداران آشور بنی بال^۲ (بانی پال) و زیر سلطه‌ی آشوریان بودند. در این میان، عیلامیان شوش بین هخامنشیان و آشوریان نقطه حایل بودند و به صورت مستقل اداره می‌شدند. هخامنشیان تا توانستند مردم انزان و انشان را کشتند و شواهد نشان می‌دهد که هخامنشیان در سرزمین عیلام خوش نیامده بودند و شورش‌های فراوانی بر علیه آنها صورت گرفت.^۳ عیلامیان از نظر فرهنگی از هخامنشیان برتر بودند و هخامنشیان به شدت تحت تأثیر عیلامیان قرار گرفتند و روزهای جشن، لباس عیلامی، قیابی بی آستین و روپوش (چیزی شبیه به دشداشه و پِشت عربی) را از عیلامیان پذیرفتند. در دوره‌ی هخامنشیان، بیشتر

^۱ هینتس، والتر. داریوش و پارس ها. ترجمه: صدریه، عبدالرحمن. انتشارات امیر کبیر. تهران. چاپ سوم: ۱۳۸۸. ص: ۴۱.

^۲ Ashur-Bani-Pal

^۳ همان. ص: ۶۷.

^۴ همان. ص: ۶۲.

کارهای اداری دست عیلامیان بود، زیرا هخامنشیان از این روال اداری اطلاعاتی نداشتند و جوانان آنها می‌بایست زبان عیلامی را می‌آموختند - که همان زبان آرامی است - تا بتوانند با دانشمندان و افسران عیلامی ارتباط برقرار کنند.^۱

در دوره‌ی هخامنشیان، از قیام‌های فراوانی خبر داده شده، که می‌توان به قیام یکی از اهالی شوش به نام گوماط در زمان کمبوجیه اشاره کرد.^۲

قیام معروف دیگر قیام شاه عیلامی اچین (آل حسینا) فرزند "بدرمه" (دارم) یاد کرد، که در دوره‌ی داریوش اول قیام مردم عیلام را رهبری کرد، ولی شکست خورد. این قیام در دسامبر ۵۲۲ ق. م اتفاق افتاد. در زمان انقلاب آل حسینا بن دارم، انقلابی در بابل صورت گرفته بود، که اگر کمی مردم عیلام مقاومت می‌کردند و اچین (آل حسینا) دستگیر و در بیستون کشته نمی‌شد، چه‌بسا کار هخامنشیان تمام بود.^۳

تصویر کشته شدن این پادشاه عیلامی در نقش برجسته‌ی بیستون وجود دارد. در سال دوم یا سوم حکومت داریوش باز شخصی به نام اَهمیتَه (همیمه) انقلاب کرد که باز شکست خورد.^۴



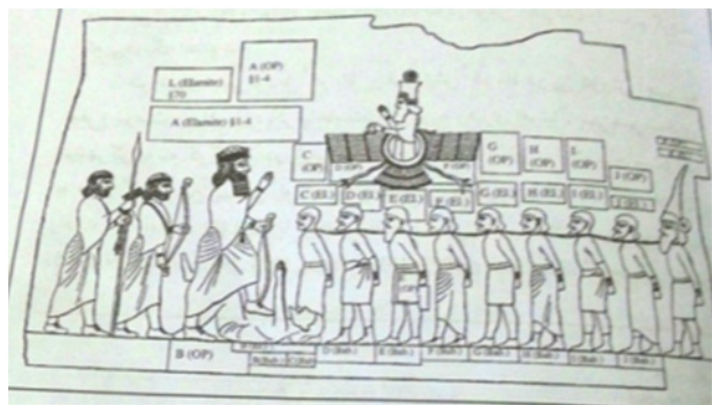
Apadana - The Susian Guard

^۱ همان. ص: ۶۷.

^۲ نام گوماط تاکنون در روستاهای حرمله شوش استعمال دارد و نام روستاهای اطراف دورفتاش است.

^۳ پاتس، دنیل تی. *باستان شناسی ایلام*. ترجمه: یاستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۴۹۰ - ۴۹۲.

^۴ همان. ص: ۴۹۳.



تصاویر مربوط به عیلامیان در زمان هخامنشیان است. در این تصویر باز هم لباس و عقال مردم عرب خوزستان قابل مشاهده است.

همچنین، در تصویر بالا، نقش داریوش هخامنشی در حال قتل آل حسینا (اچین) فرزند دارم (درمه) قابل توجه است.

در بالای سر داریوش باز هم نشان آشوریان دیده می‌شود، که نشان از تأثیر و تسلط آشوریان در این دوره است.

عیلام در زمان اسکندر و جانشینانش (الیمائیس)

عیلام در دوره‌ی اسکندر مقدونی و سلوکیان (الیمائیس) - اوج قدرت هخامنشیان که از سال ۵۲۲ ق.م آغاز شده بود - در حدود سال ۳۲۱ ق.م به دست اسکندر مقدونی و لشکریانش درهم شکسته شد. به سبب انبوه اطلاعات گرد آمده در پی لشکرکشی اسکندر، شرح مفصلی از عیلام در زمان حکومت آخرین فرمانروای هخامنشی، داریوش سوم، در دست داریم که از هیچ یک از پادشاهان پیش از او چنین جزئیاتی موجود نیست.

در این دوران، به نام "ابو لیث"^۱ (ابو لیس بنابر نوشته‌های یونانیان) برمی‌خوریم، که به عنوان فرماندهی واحد شوشی‌ها و اوکسی‌ها بوده است. ابو لیث پسرش را برای دیدار اسکندر می‌فرستد و نامه‌ای از فیلوخنوس فرمانده اسکندر به همراه داشته، که نامه را به اسکندر مقدونی می‌دهد. ابولیت به مناسبت ورود اسکندر به شوش در نیمه‌ی دسامبر ۳۳۱ ق.م ساتراپ [فرماندار] عیلام می‌شود. بنابر گزارش مقدونی‌ها، مقدار ۵۰۰۰ تالان نقره از شوش به دست می‌آورند، که برای ابولیت و دیگر عیلامیان در واقع خراجی برای آزادی و استقلال دوباره بوده است، که با دادن این ثروت در تمام دوره‌ی سلوکی‌ها به استقلال دست یافتند و توانستند در این دوره، سکه‌های عیلامی ضرب کنند و استقلال درونی خویش را پس از هخامنشیان به دست آورند.^۲ اسکندر با دریافت نیروی کمکی ۳۰۰۰ نفری از شوش، عازم تخت جمشید می‌شود؛ درحالی‌که مقام ساتراپ ابولیت در شوش را حفظ کرد. اسکندر از راه مال‌الأمیر، راهی تخت جمشید می‌شود.^۳ اسکندر هخامنشیان را در تخت جمشید و دیگر مناطق شکست می‌دهد. در میانه‌ی راه، اسکندر با قوم کوه نشین برمی‌خورد، که برخی به اشتباه آنها را اوزی یا اوسکی می‌دانند، که در واقع واژه‌ی اوزی مختص مردم دشت است و کلمه‌ی اوزی معادل حوزیا در زبان باستان است، که خوزستان امروز را دربرمی‌گیرد^۴ و قابل توجه آنکه در زبان آرامی منطقه‌ی دشت خوزستان را "بیت حوز" یا "بیت هوزیا" می‌گفتند، که اهواز در وقع معرب بیت هوزیا است. اسکندر با شکست هخامنشیان در شیراز مدت‌ها در ایران درنگ می‌کند، تا اینکه جان خود را از دست می‌دهد و سرزمین فتح شده‌ی او بین

^۱ Abu-Lites

^۲ پاتس، دنیل تی. باستان شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۵۳۵، ۵۳۶.

^۳ همان. ص: ۵۳۹.

^۴ همان.

فرماندهانش تقسیم می‌شود و سلسله‌ی سلوکیان در این سرزمین آغاز می‌شود. بقای عیلام به منزله‌ی یک گروه قومی - زبانی در دوره‌ی پس از اسکندر در مناطق عیلامی مانند شوش، شوشتر و دیگر مناطق باستانی و در مناطق جدیدی چون مسجدسلیمان، تنگ سروک، و برد نشانده ادامه می‌یابد، زیرا برای حفظ ثروت معابد از دست دشمنان تصمیم به ساخت معابد در مناطق کوهستانی گرفتند.

مندائیان خوزستان بر این عقیده‌اند، که تنگ سروک و مناطق کوهستانی محلی متعلق به انجام مناسک دین مندائی است و بسیاری از نوشته‌های آن و نام حاکمان این دوره همه به زبان مندائی می‌باشند.

الیمايان^۱ یا عیلامیان تا حد زیادی در برابر تحمیل سلطه‌ی بیگانه از سوی جانشینان اسکندر، یعنی سلوکیان ایستادگی کردند. جغرافیای قلمرو الیمایان را استرابو نویسنده‌ی آن دوران شرح داده، که چندین بار پادشاه سلوکی - به ویژه انتیو خوس سوم و چهارم - به آنها حمله کرده‌اند. الیمایان در دهه‌ی ۱۴۰ ق.م سکه ضرب کردند، که اشاره‌ی روشنی به استقلال حاکمان الیمایی است. الیماییس یا الیمایی همان عیلام به زبان یونانی می‌باشد.

از دوره‌ی سلوکیان در شوش پیکره‌های گلی به سبک یونانی، در شهر شاهی و آپادانا و دیگر مناطق شوش به دست آمده‌اند. تنگ سروک دارای نقوش برجسته‌ی فوق العاده‌ای است، که متعلق به عیلامیان کوه‌نشین است و مناسک مذهبی آنها دارای محرابی است، که عقال در آن محراب مورد احترام بوده است.^۲ از دیگر مشخصات مهم لباس آنها با تاج‌هایی دارای علامت چنگک (فاله) می‌باشد و سکه‌های این دوره به نام کامنا شکیر (ملک اسکیر) بوده‌اند و در نقوش سکه‌های این دوره، ماه و ستاره قابل رؤیت است. لباس ملک اسکیر همان چفیه و عقال مردم عرب امروزی است. از دیگر نام‌ها، نام ارد و بلاش و فرهود نیز قابل ذکر است.^۳

علاوه بر آثار تاریخی ذکر شده، از مهم‌ترین آثار این دوران آثار تاریخی در نزدیکی فلاحیه (امروزه: شادگان) در کنار رود جراحی - که بقایای شهر دوران سلوکی وجود

^۱ Elymais

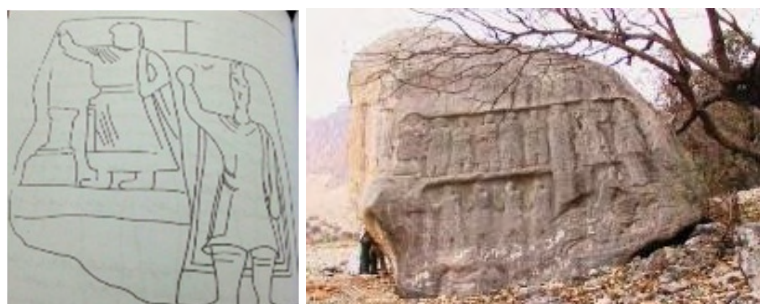
^۲ شاید ساکنان این مناطق که به عرب کمری معروفند، همان کاهنان قدیم این معابد باشند زیرا کلمه‌ی کمر در زبان زبان سومری به معنای کاهن معبد است و ممکن است که از آن دوران به مردم کوه نشین اطلاق شده باشد. همچنین، دو خدای معروف عیلامی به نام‌های لکمر و نارونده وجود دارد، که لکمر شباهت زیادی به کلمه‌ی کمر سومری دارد. علاوه بر آن، نام قدیم سیمره لکمر بوده است.

^۳ اقتداری، احمد. خوزستان و کهگیلویه و ممسنی. نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. جلد سوم. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۵. ص: ۴۵۱.

دارد - و پس از کاوش‌های ناحیه‌ی جراحی، هانسمن در کنار بخش بالای رود، در محلی به نام جانی‌شان، موفق به کشف بقایای ساختمانی مهمی شد، که احتمالاً متعلق به این شهر باشد.

عیلامیان پس از سلوکیان تا زمان ساسانیان تحت سلطه‌ی مستقیم هیچ حکومتی نبوده‌اند و از تمام این دوران، سکه‌های عیلامی با نام پادشاهان عیلامی یافت شده، که نشان از استقلال حکومتی ایشان بوده است.

عیلامیان هرگاه مورد هجوم دشمن قرار می‌گرفتند از روش‌های گوناگون دفاعی بهره می‌بردند، که یا با دشمن رو در رو می‌جنگیدند و یا اینکه در صورت عدم توان مقابله به کوهستان پناه می‌بردند و یا مانند دوره‌ی هخامنشیان در تمام لایه‌های حکومت نفوذ کردند و مترصد فرصت مناسب می‌شدند، که در آثار تخت جمشید آنها را به شکل ارابه‌ران و منشی می‌بینیم و یا به شکل سرباز و فرماندهی لشکر در تمام صحنه‌ها حضور داشتند. همین که ابرقدرت آن دوره - اسکندر مقدونی - قصد حمله به آن سرزمین را داشت، با او وارد معامله شدند و یا اینکه مانند دوره‌ی ایلیمایس به کوه‌ها پناه برده و استقلال خود را در کوهستان و دور از چشم دشمنان حفظ کرده‌اند و یا در برخی موارد، با همسایگان خود علیه دشمن متحد می‌شدند و نیروی دفاعی یا هجومی ترتیب می‌دادند.



تصاویر مربوط به دوره‌ی الیمائیس؛ در این تصاویر لباس این افراد شبیه به لباس مندائیان خوزستان است و پژوهشگران بر این باورند، که در این دوره دین مردم عیلام مندائی بوده است. عقال بالای سر پادشاه عیلامی اسکیر (این نام در میان مردم عرب خوزستان هنوز رایج است)، ماه و ستاره، چنگک ماهی گیری (فاله) قابل توجه است.

همچنین، در این دوره زبان آرامی شرقی - همان زبان مندائیان - رواج داشته است.

^۱ اقتداری، احمد. خوزستان و کهگیلویه و ممسنی. نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. جلد سوم تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۵. ص: ۳۱.

عیلام در دوره‌ی ساسانیان

در دوره‌ی ساسانیان، عیلام همچنان با اقتدار به مسیر پُر فراز و نشیب خود ادامه می‌دهد. شوش، جندی سابورا - که مرکز تدریس علوم پزشکی به زبان سریانی بود - کرخ میسان، شوشتر، رامز (امروزه: رامهرمز)، اهواز، دورق، مهم‌ترین مراکز دشتی عیلامیان بوده و مسجد سلیمان، لالی، ایزه و شیراز مراکز کوهستانی عیلام هستند. اما در این دوره و دوره‌ی اسلامی می‌بینیم که از نام عیلام برای شناسایی استان مذهبی کلیسای نسطوری استفاده شده، که شاخه اصلی مسیحیت در سراسر خوزستان و دیگر مناطق بوده است. در منابع سده‌ی هشتم و چهاردهم میلادی، بارها به استان نسطوری‌مذهب عیلام اشاره شده که سرانجام در حدود ۱۴۰۰ میلادی در برابر تیمور لنگ سر فرود آورد^۱ و به اسلام گروید. در این دوره به پادشاهی یک اهوازی به نام ارد برمی‌خوریم، که شاید از مندائیان خوزستان یا مسیحی بوده و با ساسانیان جنگیده، گفته می‌شود از پادشاهان عیلام جدید است؛ هرچند برخی این نظر را نپذیرفته‌اند، اما در منابع تاریخی آمده است. همچنین، در دوره‌ی ساسانیان هنوز تأثیر زبان عیلامی - که همان زبان اکدی بوده - به چشم می‌خورد و مانند این متن: «مزدیسن بگی ارتشیر مکلن ملکا ایران: یعنی خداوندگار یزدان‌پرست اردشیر شاه شاهان ایران و در پشت سکه نوشته شده است: نوری زی ارتشیر به‌معنای آتش پادشاهی اردشیر در این متن کلمه ملک یا ملک، و نوری هر دو به زبان عربی نزدیک‌ترند و برگرفته از زبان اکدی هستند، که تأییدکننده‌ی تأثیر عیلامیان می‌باشد.» برخی او را خواص یا خواصک یا خوئیس دانسته‌اند، که پادشاه شوش یا اهواز بوده است، که به شکل نیمه‌مختار یا خودمختار این پادشاهی را اداره می‌کرد.^۲ همچنین، در این دوره، از جنگ اردشیر با حاکم اهواز سخن به میان آمده، که گفته شده پادشاه عیلامی اهواز شکست خورده و دورق و رامز تخریب شده اند.^۳ شهر عسکر مکرم میان شوشتر و اهواز در این دوره با پیشتر ساخته شده، ولی در عهد اسلامی عسکر مکرم نام یافت. حاکمان دوره‌ی ساسانیان دشمنی عجیبی با مردم عیلام داشتند و در زمان شاپور اول و دوم تلاش کردند تا بافت جمعیتی عیلام را برهم بزنند. به این دلیل، در پی تبعید اسیران از انطاکیه (در ترکیه‌ی امروزی) در

^۱ پاتس، دنیل تی. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۶۲۵.

^۲ حسینی، سید ساعد. تاریخ کامل ایلام. نشر کیهان. تهران. ۱۳۹۰. ص: ۶۴.

^۳ همان. ص: ۶۲۸.

^۴ کلمه‌ی خوئیس نام روستایی در اطراف شوش می‌باشد، که برگرفته از نام باستانی حاکم شوش و اهواز است.

سال ۲۵۶ میلادی به‌وسیله‌ی شاپور اول و تبعید دیگری در سال ۲۶۱ میلادی رخ داد، که این تبعیدها به‌سوی خوزستان امروزی برای برهم زدن بافت جمعیتی عیلامی بوده است. شاپور دوم در سال ۳۰۹ - ۳۷۹ میلادی اسیرانی را از شهر آمد (دیار بکر امروزی در مرز عراق و ترکیه) بسرا، تووانا، سینجر و دیگر مناطق عراق به خوزستان مهاجرت داد.

شاپور اول، به تبعید و قتل‌عام مسیحیان عیلامی اهواز و شوش و جایگزین کردن اقوام غیر بومی مانند ۹۰۰۰ تن از ساکنان فنیک در ترکیه دست می‌زند و مسیحیان بنی‌تغلب را به خوزستان و بقیه را به کرمان تبعید می‌کند. شاپور ذو‌الاکتاف، قتل و غارت و تبعید مردم عرب خوزستان را بزرگترین افتخار دوره‌ی حکومت خود می‌دانست. نسخه‌ی خطی سریانی به شماره‌ی ۳۵۴ در کتابخانه‌ی ملی پاریس و لوحه‌ی الیاس دمشق - که به‌حدود سال ۹۰۰ میلادی تعلق دارند - نام شوش، کرخه دلادن و شوش بیت هوزیه یا الأهواز، تستر (امروزه: شوشتر) را اسقف‌نشین‌های استان مذهبی عیلام دانسته‌اند.



تصاویر مربوط به قتل مسیحیان عیلامی در دوره‌ی شاپور دوم است. در این تصویر، سرهای بریده‌ی مسیحیان عیلامی قابل مشاهده است. عیلامیان در دوره‌ی ساسانیان تابع کلیسای نسطوری و مسیحی بودند، که هنوز بسیاری از نشانه‌های مسیحیت در میان مردم رایج است؛ هرچند که رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته است.

^۱ پاتس، دنیل تی. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۶۳۷.

^۲ همان. ص: ۶۵۷.

عیلام در عهد اسلامی

استقرارگاه‌های عیلامیان در دوره‌ی اسلامی هنوز مسکونی بود و با ظهور اسلام و ارتباط مردم این سرزمین با مسلمانان دوره‌ی جدیدی در عیلام آغاز شد. عیلامیان اولین کسانی بودند، که اسلام را پذیرفتند و اولین مساجد اسلامی در شوش و شوشتر و دیگر مناطق عیلامی ساخته شدند. بسیاری از عیلامیان اولین مسلمانان این سرزمین بودند.

تغییر پیایی عیلام در طول زمان بُن‌مایه‌ی روشنی است، که در سرتاسر تاریخ طولانی آن ادامه داشته است و عیلام که نخستین‌بار به‌صورت نامی بین‌النهرینی برای مشخص کردن بعضی از همسایگان شرقی به‌کار می‌رفت، در اواخر با تغییر و تبدیل نام‌ها برای ایالت مذهبی کلیسای نسطوری شد.

استفاده از نام عیلام در منابع نسطوری به‌روشنی خطای تاریخی بود و از کتاب مقدس گرفته شده بود، زیرا به‌جز رساله‌ی مکابیان ۱ و ۲ - که شکل الیمائسیس در آن به‌کار رفته - منشأ استفاده از نام عیلام در کلیسای نسطوری، سفرهای آفرینش، دانیال و ارمیا است.

در این میان، پرسشی مطرح می‌شود: آیا ایالت مذهبی عیلام از عیلام در دوره‌ی سوکل مخ‌ها یا الیمائیس دوره‌ی بعد کمتر واقعیت داشت؟

عیلام پس از فتح اسلام در ذهن روحانیت نسطوری به‌همان اندازه مفهومی واقعی بود که در فکر شمش - ادد، زیری لیم، حمورابی، نبوکدنزار اول یا آشور بنی‌بال. اینکه عیلام سده‌ی دهم میلادی و عیلام سده‌ی دهم پیش از میلاد همانند نبودند، سخنی بی‌ربط است. عیلام واقعیت و ساختاری بوده، که مشخصه‌اش تغییرپذیری و تمایل به‌تغییر شکل پیوسته‌ی خود و تغییر شکل یافتن به‌وسیله‌ی نظاره‌گران^۱ بود. این روند بر اثر چیرگی تیمورلنگ بر ایران متوقف شد.

شوش در عهد اسلامی همچنان مانند دوره‌های قبل مرکز مهم دینی و تجاری بین شرق و غرب بود و بسیاری از سفرنامه‌نویسان مسلمان حداقل یک بار به شوش، شوشتر، اهواز، دورق، عسکر مکرم و دیگر شهرهای بازمانده‌ی عیلامی سفر کرده‌اند و از عظمت این شهرها سخن به‌میان آورده‌اند. باستان‌شناسان در لایه‌های شوش و میان آب شوشتر به لایه‌های عیلامی در قسمت‌های زیرین دست یافته‌اند، که هر لایه دوره‌ای از تاریخ عیلامی را اثبات می‌کند. لایه‌های کشف شده ثابت می‌کند، که برخی مناطق مانند شوش و روستاهای اطراف دورانتاش و منطقه‌ی میان آب شوشتر

^۱ پاتس، دنیل تی. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸. ص: ۶۶۴.

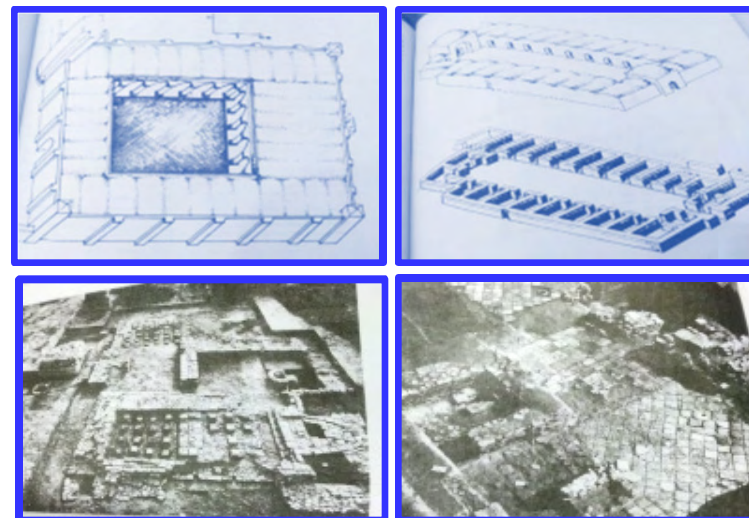
از عهد عیلام قدیم تا به حدود سال ۹۰ هجری قمری به‌صورت یکنواخت مسکونی بوده است و هیچگاه ساکنان این مناطق تغییر نیافته‌اند. این کشف ثابت می‌کند مردم امروزه بسیاری از مناطق خوزستان، بوشهر، ایلام و بندرعباس همان عیلامیان عهد باستان هستند؛ هرچند در دهه‌های اخیر اختلاط‌هایی صورت گرفته، اما بافت جمعیتی تقریباً همان بافت سابق می‌باشد. مثلاً بسیاری از محققان، مردم عرب حویزه (امروزه: حویزه) و فلاحیه (امروزه: شادگان) را با مردم اولیه‌ی عیلامی ساکن هور یکی می‌دانند. حتی شیوه‌ی زندگی آنها نیز هنوز بر شیوه‌ی هزاره‌ی سوم پیش از میلاد یعنی عصر سومریان مطابقت می‌کند.

از مهم‌ترین بناهای دوره اسلامی در شوش مسجدی در محوطه آپادانا است، که نشان از ادامه‌ی استقرار عیلامیان در عهد اسلام دارد و نیز شهر جدیدی در کنار این مسجد با عظمت ساخته شده، که ادامه‌ی شهر شاهی دوره باستان می‌باشد. شهر جدید پیرامون مسجد اسلامی مظهر تجمع جدید سیاسی - مذهبی است.

قدمت مسجد شوش مربوط به اوایل قرن دوم هجری، یعنی پیش‌تر از مسجد شوشتر می‌باشد. شوش در عهد اسلامی همچنان یک شهر مهمی بود. محله‌ی قدیمی دوره‌ی عیلامیان تا قرن سوم هجری همچنان مسکونی بوده، ولی کم‌کم در کنار حرم دانیال نبی شهر امروز شوش ساخته شد و محله‌های قدیمی مانند تپه‌ی شهر شاهی و صنعت‌گران متروک می‌شود و زندگی عیلامیان در جامعه‌ی اسلامی رنگ و بوی عربی - اسلامی به‌خود می‌گیرد و به‌حیات خود ادامه می‌دهد.



^۱ پرو، ژان؛ دلفوس، ژنویود. تاریخ و باستان‌شناسی شوش و جنوب غرب ایران. ترجمه: اقبال‌هایده. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۹۲. ص: ۲۴۵.



تصاویر مربوط به بناهای اسلامی در آپادانا؛ تپه‌ی صنعت‌گران و دیگر مناطق شوش.

در این تصاویر بنای مسجد اسلامی (مربوط به قرن دوم هجری) حمام، کاروان‌سرا و خانه‌های مسکونی قابل مشاهده است، که نشان از استمرار زندگی در دوره‌ی اسلامی و مسلمان شدن عیلامیان شوش می‌باشد.

باستان‌شناسان، استمرار حیات را در لایه‌های شوش از هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد تا دوره‌ی اسلامی اثبات کرده‌اند.



بخش دوم: خالکوبی

خالکوبی به عمل ایجاد نقش و نگار دائمی یا با ماندگاری طولانی بر روی پوست گفته می‌شود که از دیرباز مردم سرزمین‌های مختلف جهان از خالکوبی به عنوان یک آرایش برای زیبایی یا برای برخی عقاید و مناسک دینی بهره می‌بردند.

در قالی‌بافی رنگ زمینه تار است و نقش به وسیله‌ی پود زده می‌شود؛ هم‌چنان‌که در جاجیم و گلیم مشاهده می‌شود ولی در خالکوبی چنین نبوده و پوست و بدن انسان زمینه است؛ زمینه‌ای که حرکت می‌کند و انسان این نقش را با خود به همه جا می‌برد. نقوش خالکوبی مردم عرب خوزستان به همان نسبت که متحرک‌اند و در همه جا حضور دارند، به همان نسبت نیز مخفی و پنهان هستند. در خالکوبی سر و کار با نخ و تار و پود یا فلز و چوب و حصیر و برگ نیست، بلکه بدن انسان است. پوست اوست که بر آن نقاشی می‌شود و سر و کار با دوده و سوزن است. در حصیربافی و قالی‌بافی شاخه‌های نخل، ساقه‌ها و نخ‌ها مقاومت می‌نمایند، تا شکل داده شوند.

در خالکوبی، بدن انسان است که مقاومت می‌نماید، تا تصویری بر آن جاودان گردد. خالکوبی از میان تمام هنرها، تنها هنری است که مختص خطه و مرز خاصی در میان اقوام عرب خوزستان نیست و تقریباً تمام زنان عرب، بدن، چهره و دست‌ها و پاهای خود را خالکوبی می‌کنند.

در مناطق گرمسیر خوزستان و در مناطق مردابی در زمین‌هایی که دامپروری و کشاورزی یا هر شغل دیگری رایج است، به‌طور کلی در تمامی نواحی خوزستان، هر جا که مردم عرب باشند، خالکوبی هم وجود دارد.

^۱ سجیراتی پور، سهام. ریشه‌یابی نقوش تزئینی هنرهای بومی مردم عرب خوزستان. پایان‌نامه‌ی ارشد. دانشگاه شاهد تهران. دانشکده‌ی هنر. رشته‌ی نقاشی. استاد راهنما: افشاری، مرتضی. استاد مشاور: پوررضائیان، دکتر مهدی تیرماه ۱۳۸۷. ص: ۳.

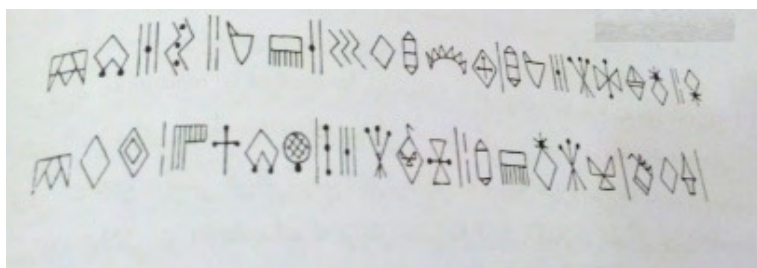


جام سیمین "نارونده امی" - که نوشته های بالای جام به خط تصویری عیلامی است.

این نوشته های تصویری، مالکیت زمین و سهم مالک و معبد را شرح می دهد. نقوش این جام شباهت فراوانی با نقوش خالکوبی مردم عرب خوزستان دارد. علاوه بر این، در پایهی جام طرح های شبیه به تنه ی یک نخل قابل مشاهده است.

لباس های نارونده شبیه به پولک ماهی و یادآور لباس های محلی زنان عرب خوزستانی است.

گردنبند و دستبند این بانو شباهت زیادی با زیور آلات مردم عرب دارد. این بانو، نوعی عهد نامه را در دست دارد، که این عهدنامه از اهمیت والایی برخوردار بود.



این همان نقوش جام نارونده است، که کاملاً شباهت آنها با خالکوبی، چغیه و برخی دیگر از نقوش مردم عرب خوزستان آشکار است، که تلاش شده این شباهت ها با نقوش خالکوبی امروزی مورد مقایسه قرار گیرد و علاوه بر آن، در قالی بافی و پشت عربی و دیگر صنایع دستی بسیاری از نقوش قابل مشاهده است.

خالکوبی مردم عرب خوزستان

کثرت نقوش خالکوبی روی بدن زنان و مردان عرب به گونه‌ای است، که بر چهره‌ی هر زن عرب لااقل یک خال در پیشانی یا یک صلیب روی چانه، یا خطی ممتد روی ابروان آنها مشاهده می‌شود. نکته‌ای که در مورد خالکوبی وجود دارد و در نگاه اول شاید کمتر به ذهن انسان متبادر شود، وجود نوعی ابهام است، که شاید با کمی تفسیر و تحلیل بتوان آن را روشن نمود. مسأله این است که شخصی که به خالکوبی مبادرت می‌کند - اعم از اینکه برای شخص دیگری یا برای خود خالکوبی کند - آیا مفهوم نقش را از زاویه‌ی دیده خود در نظر گرفته یا نقش را از زاویه‌ی دید بیننده نقش زده است؟

البته در مواردی که نقش مفهوم انتزاعی داشته مانند ضربدر یا زیگزاگ از هر سمت و سو، معنی و مفهوم آن غیر قابل تغییر است. با مطالعه‌ی نقوش خالکوبی تقریباً این نتیجه حاصل می‌شود که اکثر نقوش عینی از زاویه‌ی دید خالکوبی کننده نقش شده‌اند. معمولاً بیشتر نقوش خالکوبی روی بدن زنان سی تا چهل سال به بالا رؤیت می‌شود. آن‌طور که دختران اظهار داشته‌اند، خالکوبی سنتی است دیرینه که حتی آنهایی که به تقلید از مادران و مادر بزرگ‌هایشان برای درمان و تزیین مبادرت به چنین عملی نموده‌اند، سعی می‌کنند تا آن را پاک نمایند.

سابقه‌ی خالکوبی در میان مردم عرب خوزستان عمری طولانی دارد و از دیرباز مرسوم بوده است. اغلب زنان خود بدنشان را خالکوبی می‌کردند و گاهی زنی از همان محله یا منطقه یا روستا برای زنان آن منطقه این عمل را انجام می‌داده است. از کسانی که برای تمام زنان منطقه خالکوبی می‌نموده‌اند، تعداد انگشت‌شماری در قید حیات هستند و دیگر کمتر کسی برای خالکوبی نزدشان می‌رود و هدف بیشتر جنبه‌ی درمانی دارد.

علل خالکوبی

اساساً خالکوبی به دو منظور انجام می‌شود:

(۱) درمانی؛ (۲) تزیینی

دسته‌ی اول: عوامل مختلفی در به‌کارگیری خالکوبی توسط اقوام مختلف وجود داشته، که از جمله آنها می‌توان به درمان بیماری، وجوه تزیینی و طلسم اشاره کرد. طبای سنتی معتقدند، که بعضی از بیماری‌ها بر اثر باد و لخته شدن خون و دررفتگی و نظایر آن به‌وجود می‌آید، که خالکوبی در درمان آنها نقش به‌سزایی دارد.

روش موقت: روشی است که در آن خالکوبی شونده قصد ندارد نقش روی بدنش بماند، بنابراین از خالکوبنده می‌خواهد که به‌جای دود سیاه، نمک روی پوست بپاشد تا فقط جنبه‌ی درمانی داشته باشد. این امر باعث می‌شود تا مدت کوتاهی خون و نمک با هم آغشته شده و سپس اثرشان از بین برود.

روش دائم: روشی است که در آن خالکوبی شونده - حتی اگر در پی درمان بیماری یا درد خود باشد - ممکن است هم‌زمان قصد تزئین عضو مورد نظرش را داشته باشد یا احتمالاً بر این باور است که نقش دائمی خالکوبی و ریشه‌کن شدن درد و بیماری محتوم بوده و ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند، که در این صورت به‌جای نمک، دوده‌ی سیاه به‌کار می‌برند. نقاطی از بدن که خالکوبی می‌شوند عبارتند از: - سر و پیشانی، در هنگام سردردهای شدید، دست (مچ دست) هنگام دررفتگی یا کشیدگی رباط - زانو و انگشتان پا: به منظور درمان دررفتگی مچ پا، یا درمان اگرما.

ارتباط میان نقوش عیلامی و خالکوبی و قالی‌بافی و صنایع‌دستی مردم عرب

همان‌گونه که یادآور شد، عیلام نام تمدنی است که تا حدودی ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد در شوش پایه‌گذاری شد و از آن تاریخ به بعد فراز و فرودهای فراوانی داشته است. عیلام نام قومی که طبق کتاب مقدس تورات و بسیاری از تاریخ‌نگاران گذشته و برخی از باستان‌شناسان منتسب به سام فرزند حضرت نوح (ع) است. این مردم بنیانگذار تمدنی بزرگ به نام تمدن عیلام هستند، که به‌روایتی اولین شهر جهان شوش به حیات سیاسی و اجتماعی خود تا به امروز ادامه داده‌اند. نام عیلام در حدود ۳۰ بار در کتاب مقدس و سفر دانیال تکرار شده است.

در کتاب تورات، سفر پیدایش، باب چهاردهم آیات ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۷ از کدرلا عمر^۲ پادشاه عیلام و در آیات ۲ و ۹ از "عیلام" نابرده شده است. آیه‌ی ۵ از باب چهاردهم سفر پیدایش از "زوزیان" یاد شده، که ظاهراً این کلمه یا سوزیان و شوشیان و شوش تطبیق می‌نماید.

از باب چهاردهم سفر پیدایش مستفاد می‌شود، جنگی بین ملک‌های سرزمین نواحی مجاور سرزمین عیلام درگرفته و پادشاهی مغلوب ملک عیلام که نامش کدرلا عمر بوده تسلیم شده‌اند و سیزده سال در اطاعت او باقی ماندند و سال

^۱ همان، ص: ۴.

^۲ Koter-La-Gamar

^۳ اقتداری، احمد. آثار و بناهای تاریخی خوزستان، بی‌جا. تهران، ۱۳۴۲. ص: ۳.

چهاردهم بر او شوریدند. با این استنباط از کتاب مقدس برمی‌آید، که زوزیان همان سوزیان یا سوسیان و شوشیان و بالأخره شوش و سوسا و سوزا و شوش، که مرکزیت دولت عیلامی از آغاز پیدایش حکومت عیلام بوده است.^۱

در جریان جنگ، کدرلا عمر به اسارت "لوط" اشاره می‌شود که بلزماندگان و فرزندانش اسیر کدرلا عمر بوده و حضرت ابراهیم (ع) او را از دست کدرلا عمر نجات داده و از شوش راهی سرزمین اردن شده‌اند. سرزمین شوش در زمان حضرت ابراهیم (ع) در نهایت آبادانی و شکوه بوده است. همین اشاره به فرزندان سام بن نوح و عیلام بن سام شده و گفته شده است که عیلام، فرزند سام بن نوح و فرزندانش مؤسس سلسله‌ی عیلام بوده‌اند.^۲ در سفر پیدایش آیه‌ی ۲۲ نیز به عیلام بن سام اشاره شده است. در قاموس کتاب مقدس آمده، که شوشان یا شوش، "زنبق" شهری که یونانی‌ها سوسای عیلام گفتند، خود عیلام هم جزء سوسیا نامی باشد و باید اذعان داشت که عیلام پسر سام بن نوح است و اراضی بین‌النهرین را با اسم او نامیدند.^۳

عیلامیان، ابداع‌کنندگان بسیاری از صنایع گذشته‌ی بشری هستند و می‌توان به آنها لقب صنعت‌گران عهد باستان اطلاق کرد. آنها مردمی بودند که در زمینه‌ی کشاورزی و آبیاری زمین‌های کشاورزی و کانال‌کشی زمین‌های دیم و تبدیل آنها به زمین آبی پیش‌تاز دیگر هم‌عصران خود بودند. کشاورزی قوم عیلام در دشت شوشان باعث پیشرفت و قدرت عیلام بوده است. وجود نه‌های دست‌ساز عیلامی و رودخانه‌های طبیعی و زمین حاصلخیز باعث شد، که این مردم از ثروتمندترین مردم باستان باشند، که این موارد طبیعی و ثروت مثال‌زدنی شوش دلیل مناسبی برای حمله اقوام مختلف به شوش و غارت خزانه‌های آن شد.

این سرزمین از گذشته‌های دور به سرزمین خدا و اهل تمتی معروف بوده، که با مرکزیت شوش - از سرزمین‌های مقدس عهد باستان - که حضور انبیاء بزرگ مانند ابراهیم و اسحاق و شعیب و جرجیس و هزقیل و دیگر پیامبران در این سرزمین تأییدکننده‌ی این سخن است. زمین کشاورزی برای عیلامیان بسیار مهم بوده، به این دلیل، تمام نمادهای خود را یا بیشتر آنها را با زمین کشاورزی عجین کرده است. در عهد عیلام و تا به امروز تمام نقاط سرزمین عیلام نام‌گذاری شده بود و زمین بی‌نام در سرزمین عیلام و خوزستان امروز یافت نمی‌شود. آنها زمین را میان کشاورزان

^۱ اقتداری، احمد. آثار و بناهای تاریخی خوزستان. بی‌جا. تهران. ۱۳۴۲. ص: ۴.

^۲ همان: ص: ۵.

^۳ همان: ص: ۹.

تقسیم نموده‌اند و سهمی را برای خدا و سهمی را برای حاکم - به‌عنوان مالیات حکومتی - قرارداده‌اند. سهم کشاورز پس از کسر سهم مالیات و سهم معبد یا سهم خدا به او داده می‌شد. در بیشتر روستاهای خوزستان، هنوز نام زمین‌های کشاورزی به همان نام عیلامی است؛ مانند سرزمین‌های دورانتاش به نام‌های خرص (که نام عیلامی - اکدی است) گله‌گه، گوماط و غیره نام‌گذاری شده‌اند، که هنوز این نام‌ها تا به امروز رایج است. کاشت گندم و پرورش گاو و اسب و حفر کردن کانال‌های آبرسانی را می‌توان ابداعی عیلامی دانست. عیلامیان به گندم "حنطه" می‌گفتند، که تا به امروز این کلمه بر سر زبان مردم عرب خوزستان جاری است. کندن نه‌هایی مانند گُرگُر و داریون و شاوور و نیز نه‌ی دیگری - که در سال‌های اخیر در میراث فرهنگی ثبت شده - که از کرخه تا دورانتاش (چغازنبیل) کشیده شده بود. کاشت گندم برای یک عیلامی و سبز شدن سرزمین عیلام و رقص خوشه‌های گندم در فصل درو فوق‌العاده جذاب بوده به‌گونه‌ای که نمادهای سرزمین و گندم‌زار بر کوزه‌های سفالی و چفیه و لباس مردم عیلام دیده می‌شود. عیلامیان برای برداشت محصول، جشنی داشته‌اند که به جشن البیدر (جشن خرمن) معروف بوده، که البیدر به‌معنای دروکردن و جمع محصول است و هنوز این جشن تا به امروز رایج است.

در گذشته، مردم روستا جمع می‌شدند و از زمین کشاورزی سادات و یتیمان درو کردن را شروع می‌کردند و تا پایان فصل درو با یکدیگر همکاری می‌کردند و هنوز پدرانمان به‌یاد دارند، که برای دروی محصول گندم مردم روستا با قربانی کردن یک گوسفند جشن بیدر را آغاز می‌کردند، تا پایان فصل درو این مراسم از مزرعه‌ای به مزرعه‌ای دیگر ادامه می‌یافت. عید دیگری به نام "گوشون" - که عیدی مذهبی بود و اول پاییز برگزار می‌شد - وجود داشت و به‌دلیل آغاز فصل کشت و کار بود، که در این جشن قربانی می‌کردند.^۱

عیلامیان، تمام حالات ملکی زمین و فصول کشت زمین را در خالکوبی‌ها و طرح قالی و چفیه به‌نمایش گذاشته‌اند، زیرا زمین کشاورزی تمام دارایی یک عیلامی بوده است. در اینجا به‌نام برخی نشانه‌ها و توضیح آنها خواهیم پرداخت، که این علائم در قالی‌بافی محلی، خالکوبی، طرح چفیه و پشت مردانه با اشکال هندسی، جاجیم‌بافی، نمدمالی، حصیربافی و طَبَق‌بافی - که از سعف / برگ‌های نخل ساخته می‌شوند - و هر آنچه که به‌عنوان صنایع دستی مردم عرب خوزستان است، وجود

^۱ حسینی، سید ساعد. تاریخ کامل ایلام. نشر کیهان. تهران. ۱۳۹۰. ص: ۹۷.

دارد. این نقش‌ها متعلق به دوره‌ی پادشاهی ابو الزور اینشوشیناک است، که یکی از پادشاهان مقتدر عیلام می‌باشد. این نقوش در سال ۲۱۰۰ قبل از میلاد در شوش بر روی سنگ معروف ابو الزور رسم شده‌اند. این طرح‌ها نحوه‌ی مدیریت زمین کشاورزی را در آن دوران بیان می‌کند و نحوه‌ی تعیین شخص واجد شرایط و با صلاحیت در امر کشاورزی است. نیز، واگذاری امکانات کشاورزی به وی، نظارت ارگانیک بر کار او، ارزیابی بازده کار، احکام بازپس‌گیری از اشخاصی که امکانات دریافتی موجود، برای ازدیاد تولید استفاده نکرده‌اند، به‌همراه ادله، اثبات و بر اساس منطق، در هر مرحله گفته شده است؛ هرچند تنها مفاهیم دریافت شده از این نقوش تنها مفاهیم کشت و کار نیست، بلکه می‌توان مفاهیم قدرت و حاکمیت را از این نشانه‌ها دریافت کرده صنعت، ساختمان‌سازی و بناهای معابد سر به فلک کشیده در عیلام به مثابه‌ی نماد ارتفاعات و نزول وحی، نیز قابل دریافت است. همچنین، شکل لوزی که می‌تواند نماد یک خشت به‌کار رفته به‌عنوان سنگ‌بنای معابد عیلامی، در تمامی نقوش عیلامی تکرار شده و شکل مثلث که نوعی هرم قدرت است و رو به آسمان امتداد می‌یابد، می‌تواند نماد معابد و خدای بزرگ عیلام باشد.

همچنین، از متون برمی‌آید، که نویسندگان دارای تخصص حقوقی، ادبی و متخصص کشاورزی بوده‌اند و نزد هیأت حاکمه، هیچگونه اتلافی در منابع موجود پذیرفتنی نبوده است. این نقش‌ها، بر جام نارونده در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد نیز نقش بسته که در حاشیه‌ی بالای جام قابل دیدن هستند. نارونده ایزدبانوی پیروزی عیلام است، که در شوش معبدی خاص خود داشته و نام زنانه‌ی نارونده امی^۱ یعنی "نارونده مادر من" است. قابل توجه است، که خط جام نارونده به شکل خط مخطط عیلامی و از راست به چپ نوشته شده، علاوه بر آن، نارونده نوعی لباس مذهبی بر تن دارد که نشان از عظمت نارونده در آیین عیلامیان است.

نیز، شواهدی همچون بنای تاریخی، نقوش برجسته و پیکره‌ها و مهره‌های دوران پرتور - عیلامی (دوران اوروک ۲ - ۳) ظاهراً نشان می‌دهند، که ساکنان هر دو سرزمین یعنی شوش و بین‌النهرین مفاهیم بدوی مشابهی از خدایان داشتند. هر شهر خدا و حامی ویژه‌ای را پرستش می‌کرد، او نیز برای خود همسری داشت و یکی از آنها بر دیگری برتر بود. با توجه به مهرهای مشابه از اوروک به نظر می‌رسد که

^۱ Narundi-Ummi

^۲ هینتس، والتر. یافته‌های تازه از ایران باستان. ترجمه: رجبی، پرویز. نشر هقنوس. تهران. چاپ چهارم: ۱۳۹۲. ص: ۳۳.

این نقش مایه‌ها با مفاهیم مقام الهی پادشاه در دوران نوزایی سومری‌ها ارتباط داشته باشد.

مهر دیگری متعلق به اندک‌زمانی کهن‌تر از حکوکت سلسله‌ی اکد، نشانگر یک ویژگی مذهبی عیلامی، یعنی تعدد و برتری مقام خدایان زن است.^۱ این مهره‌ها و نشان‌های حکومتی در جام نارونده و فرمان ابو الزور و دیگری حاکمان عیلامی نمود می‌یابد و به شکل فرمان و یا چیزی شبیه به آن تاکنون در میان مردم یافت می‌شود، که بسیاری از این علایم امروزه‌ی آرم‌های رسمی بسیاری از شرکت‌های معتبر جهانی شده‌اند، آیا می‌توانسته همان مفهوم را برای دشت‌نشینان نیز داشته باشند. تکرار این مفاهیم در بسیاری از نقوش شاید مفهوم آبادانی و عمران و شهرسازی و نوعی نقوش مهندسی باشد.

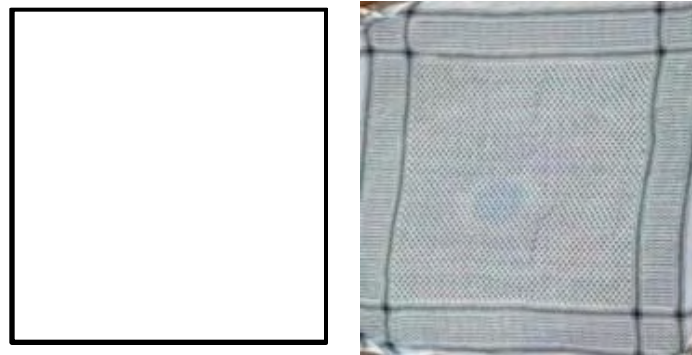


۱) شاپ: زمینی که برای کشاورزی در نظر گرفته شده، ولی هنوز هیچگونه عملیات آماده‌سازی (هموار نمودن، شیب‌بندی، شخم زدن و غیره) بر آن انجام نشده است.^۲ این نقش معمولاً بر پشت دست و بر دور چفیه و قالی‌های مطی بنی‌لام (نقش لامی) دیده می‌شود و به شکل مستطیل کامل کشیده می‌شود و به معنای برقراری جریان آب و امور کشاورزی است، که پیگیری‌های لازم بر روی آن صورت گرفته است. یا می‌توان گفت که شبیه به خشت‌های گلی است، که برای ساخت معابد و خانه‌های مردم متمدن عیلام به‌کار می‌رفت. این مربع، در تمام نقوش عیلام به شکل‌ها و رنگ‌های مختلف دیده می‌شود و در چفیه‌ی مردم عرب حاشیه‌ای است، که امواج دریا و یا رودخانه‌های خروشان این مرز و بوم را فراگرفته است و می‌توان

^۱ مجید زاده، یوسف. تلویح تمدن ایلام. مرکز نشر دانشگاهی. چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران. ۱۳۸۶. ص: ۶۱.

^۲ خادم سبز قیله محمد حسین. کارگاه زبان. نشر افهام. دزفول. ۱۳۸۵. ص: ۲۴.

گفت، که مرزهای سرزمین آنها است، یا بنابر گفته‌ی برخی از پژوهشگران، محدودیت و مالکیت یک سرزمین را برای ما شرح می‌دهد.



۲) ش - ۱ - ر = شار: در لهجه‌ی عربی خوزستان اشیار گفته می‌شود، که می‌گویند (الکاح امشیره) یعنی زمین تقسیم‌بندی شده است.

اشیار: زمینی که برای کشاورزی در نظر گرفته شده، جهت اجرای عملیات آماده‌سازی فازبندی شده، تا در آینده هر قسمت از آن به‌ترتیب آماده‌سازی شوند. در واقع، به‌معنای این است که باید جریان آب و امور کشاورزی برقرار شود، تا تولید به عمل آید.^۱ نیز، می‌توان گفت: این شیاری محصور را در میان مستطیل بزرگ را به‌تقسیم عادلانه زمین‌ها یا نوعی نشان حکومتی برای تقسیم عادلانه زمین بین حاکمان محلی بوده است.

۳) شال: مستطیل بزرگ و تو خالی که در تمامی نشان‌ها و نقوش باستان عیلام وجود دارد و در حاشیه‌ی چفیه و قالی‌ها و غیره یافت می‌شود، که محدوده‌ای مشخص را در نظر می‌گیرد، اما این محدوده هنوز خالی است و طرح و نقشی ندارد. حرف شین - که در شال آمده - در زبان اکدی - که زبان عیلامی نیز بوده - بسیار کاربرد داشته، که اهمیت این طرح را برای مردم آن دوران بیان می‌کند و یا می‌توان

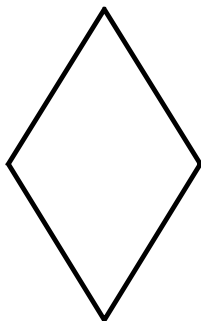
^۱ هینتس، والتر. یافته‌های تازه از ایران باستان. ترجمه: رجبی، پرویز. نشر ققنوس. تهران. چاپ چهارم: ۱۳۹۲، ص:

^۲ خادم سبز قبا، محمد حسین. کارگاه زبان. نشر افهام. دزفول. ۱۳۸۵، ص: ۲۴.

گفت، که ممکن است نشان خشت‌های لوزی شکل یا نوک‌دار بودن این طرح دلیل بر مقدس بودن ارتفاعات در دیدگاه عیلامیان بوده، که منجر به بنای زیقورات / زیگورات‌های مرتفع شده است.

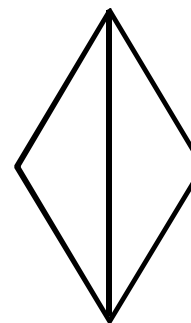


۴) هو: بهترین الگوی تداعی‌گر برای زمین کشاورزی یک لوزی بوده است. وجود ضلع اوریب در لوزی می‌توانسته شیب‌دار بودن زمین و امکان آبیاری مورد نیاز کشاورز را القا کند. این لوزی - چنانچه تو خالی باشد - یک قطعه‌ی محدود و تفکیک‌شده‌ی آماده‌ی واگذاری را نشان می‌دهد. این نقش در خالکوبی، طرح لباس، چفیه، قالی و نم‌د مردم عرب خوزستان وجود دارد و ارتباط مستقیم با کشاورزی و سرزمین خوزستان دارد. این لوزی، به‌شکل عجیبی در تمام خالکوبی‌های زنان عرب وجود دارد، که نشانه‌ی اهمیت آن می‌باشد. اهمیت این طرح عیلامی بودن آن است.^۱



^۱ هینتس، والتر. یافته‌های تازه از ایران باستان. ترجمه: رجبی، پرویز. نشر ققنوس. تهران. چاپ چهارم: ۱۳۹۲، ص: ۵۸.

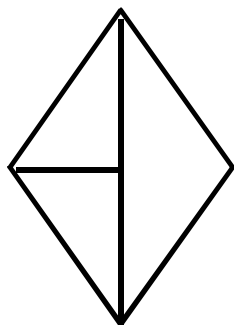
۵) ت: ت مفتوح یعنی ت با حرکت فتحه، یک زمین کشاورزی است، که در مالکیت کسی قرار داده شده. از محتوای متون پیداست که چرخش عملیات کشاورزی و امور حقوقی متون مرتبط با آن دارای ارگانیسم نیرومندی بوده و زبان قدرتمندی نیز توانایی ایجاد تفاهم و تجربه و تحلیل دقیق روابط بین این ارگانیسم پیشرفته را میسر ساخته است. زمین‌های قابل کشت - پس از شناسایی توسط ارگان مربوطه - تسطیح و تفکیک شده، سپس طبق قوانین استاندارد شده‌ای، برای کشاورزی به اشخاص صلاحیت‌دار در امر کشاورزی، واگذار می‌شد. این نقش، شکل لوزی با یک پاره‌خط است، که از وسط لوزی می‌گذرد. این قطعه زمین، شامل زمین آماده‌سازی شده، هموار شده و شیب‌بندی شده و شخم‌زده شده و بذر کشاورزی و وسایل کار است. باز این نقش‌مایه تکرار شده، که مانند نقوش قبل در بسیاری از صنایع وجود دارد. دو مثلث به هم چسبیده شبیه به کوهی که در آب افتاده است و انعکاس یافته‌ی نوک تیز و شبیه به برجستگی‌های دورانتاش قابل توجه است و نمی‌توان فقط این نقش‌ها را به زمین کشاورزی محدود دانست، بلکه برای عیلامیان مفهوم بیشتری داشته و حتی در مناطق کوهستانی که کشاورزی نبوده چه‌بسا می‌توانسته همان مفهومی را داشته باشد، که برای دشت‌نشینان داشته است. تکرار این مفاهیم در بسیاری از نقوش مهم شاید نماد عمران و آبادانی و شهرسازی و نوعی نقوش مهندسی باشد.^۱



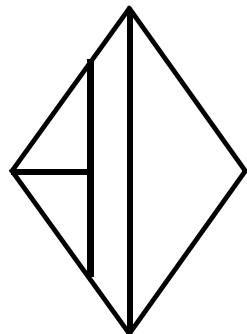
^۱ هینتس، والتر. یافته‌های تازه از ایران باستان. ترجمه: رجایی، پرویز. نشر ققنوس. تهران. چاپ چهارم: ۱۳۹۲. ص: ۵۸.

^۲ خادم سبز قبا، محمد حسین. کارگاه زبان. نشر افهام. دزفول. ۱۳۸۵. ص: ۲۶.

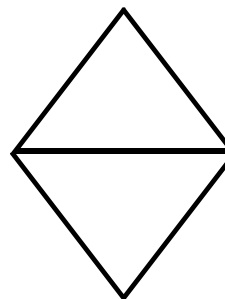
۶) ت + م = تَم: ت مفتوح و میم مفتوح زمین کشاورزی که به‌علت کوشش خوب کشاورز، دارای بازده مطلوب بوده، در نتیجه در اختیار کشاورز می‌ماند. این طرح به‌شکل لوزی است، با پاره‌خطی در وسط و نیم‌خطی از یک طرف.



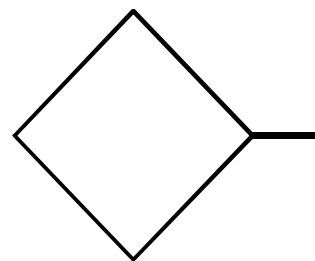
۷) ت. ت. م: زمین کشاورزی و امکانات آن درحالتی که به‌علت کوشش خوب کشاورز، پس از کسر حق معبد، ذخیره‌ی بذر کشت سال بعد و هزینه‌های دیگر، مقداری نیز برای کشاورز باقی مانده است. این مقدار شامل مصرف یکسال کشاورز است. این طرح لوزی با دو پاره‌خط در وسط لوزی و یک نیم‌خط از یک سمت طراحی شده است و یا می‌تواند اشاره به معبد کوهستانی و اهمیت آنها و یا مفهوم دیگری باشند؛ مانند تقسیم حکومت میان سه شخص که حاکم و نائب السلطنه و شاه بوده است.



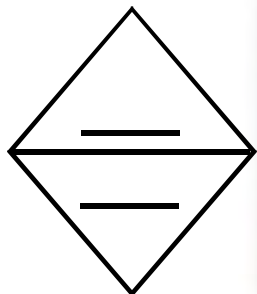
۸) من. وه: دو هرم به هم چسبیده که مفهوم عظمت و بزرگی را برای همه تداعی می‌کنند و انعکاس نوع قدرت و حاکمیت بر زمین و جهان زیرین که مربوط به خدایان باستان بوده؛ یعنی واگذاری امکاناتی که مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. این طرح، یک لوزی با یک پاره خط است، که از عرض لوزی می‌گذرد و آن را به دو مثلث مساوی تقسیم می‌کند. این نمونه در حاشیه‌ی پشت عربی و قالی به چشم می‌خورد.



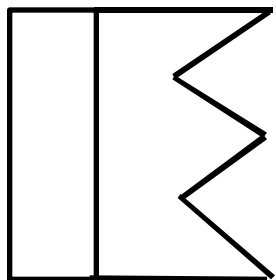
۹) نو. م: حرف نون مفتوح و میم مفتوح و به معنای این است، که ارکان کشاورزی بدون بهره‌برداری در تعلق کسی قرار دارد. طرح و شکل آن یک لوزی با خطی که در کناره لوزی چسبیده است. مراد از لوزی - که هیچ تقسیم‌بندی در آن صورت نگرفته و نسبت به دیگر لوزی‌هایی که تقسیم شده متمایز است - استمرار در یک امر است. خطی که از این لوزی ادامه می‌یابد، نشان استمرار در یک امر بوده، زیرا مفهومی برای مردم عیلام داشته که فهم آن را مشکل می‌سازد، ولی نمی‌توان فقط آن را به زمین کشاورزی مختصر کرد، بلکه مفهوم وسیع‌تر و کامل‌تری دارد.



۱۰) م. نو: این طرح یک لوزی که از بالا به پایین به وسیله‌ی سه خط به چهار قسمت تقسیم شده است. تقسیم یک لوزی به دو هرم مساوی و جدا کردن نوک هرم - که شاید نوعی هرم قدرت باشد - در میان حاکمان عیلامی تقسیم می‌شده و یا قدرت خدایان عیلامی که در بالای هرم قدرت قرار می‌گرفت.



۱۱) ای. شی: یکی از مفاهیم این طرح، زمین کشاورزی و امکانات آن است، که لوازم مورد نیاز کارکردن در کشاورزی را به خوبی مهیا نموده و در اختیار کسی قرار داده، که می‌تواند اموراتش را اداره کند؛ یعنی یک مستطیل و یک طرح چسبیده به مستطیل شبیه به قله‌ی کوه‌ها. قله‌ی کوه در مفاهیم عیلام به معنای محل نزول وحی و رسالت است. به این دلیل، ذیقورات / زیگورات را شبیه به کوه می‌ساختند، تا تداعی‌گر کوه و نزول وحی باشد.



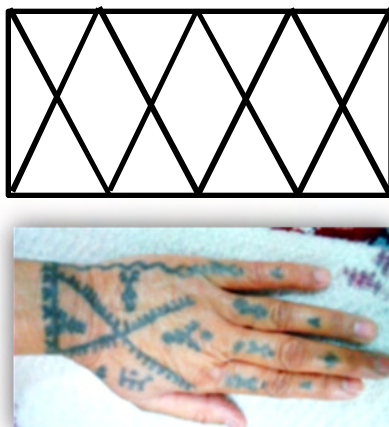
۱۲) لیک: نو: زمین است، که فعلاً نیاز به کارکردن دارد و باید از امکانات استفاده نشده بهره‌برداری نماید تا به‌بار نشیند. این طرح لوزی است، که در میان آن چیزی شبیه ستاره است. دلیل دیگری مانند قدرت معنوی در میان لوزی قدرت و سیاسی را می‌توان توضیح دهد و مفهوم نور و طلوع آفتاب از میان کوهستان را نیز دربرمی‌گیرد، که برای مردم آن دروان با وجود "ست شمش" یک تداعی‌گر مهم می‌تواند باشد



۱۳) ک: کاف مفتوح زمینی که کاملاً مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. این طرح دو خط موازی و خط‌هایی که یک علامت ضربدر در میان این دو خط متوازی می‌گذرند و لوزی‌هایی را در میان این دو خط ایجاد می‌کنند. هرم‌هایی لوزی را احاطه کرده‌اند، شاید در عقیده‌ی عیلامیان نوعی تداعی قدرت حاکم باشد و یا ارتباط بسیار خوب قدرت‌های دینی با قدرت‌های سیاسی است.



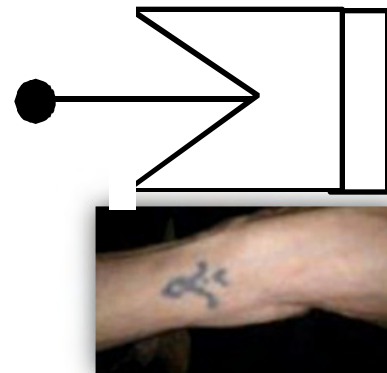
۱۴) ش + آ: شا. این طرح همانند مستطیل، دور چفیه و لوزی‌های میان است، که در همه‌ی چفیه‌ها با رنگ‌های مختلف ثابت دیده می‌شود. در اینجا باز لوزی‌های به‌هم پیوسته‌ی فراوانی با مثلث‌های هرمی وجود دارند، که آنها را احاطه نموده و از اتحاد قدرت‌های گوناگون الهی نشان دارند.



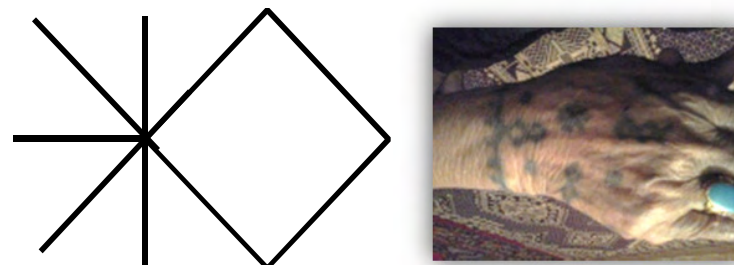
۱۵) ماک: زمینی که در اختیار کشاورز بوده و به‌علت بازدهی خوب باز در اختیار همان کشاورز باقی خواهد ماند. این طرح، یک مثلث متساوی‌الاضلاع با یک ضربدر است که در انتهای مثلث چسبیده و یا می‌تواند نوعی هجوم نامتعارف به قدرت یک سرزمین باشد، که آن را به قسمت‌های کوچک و بزرگ تبدیل می‌کند و یا نوع پیکان قدرت به‌سوی جهتی خاص بوده است.



۱۶) من: هم واحد وزن عیلامی است، که تا به امروز به عنوان واحد وزن معروف است و هم به معنای زمینی که به کشاورز تعلق می‌گیرد و در اختیار اوست و تلفظ من به معنای ماندگاری زمین است و این تصویر به شکل یک مستطیل است، که از طرف چپ آن یک حالت تیر مانند چسبیده به مستطیل وجود دارد؛ تیری که شاید نماد قدرت خارجی یا قدرتی که با جنگ وارد یک سرزمین شده، که در آن نفوذ کرده است.



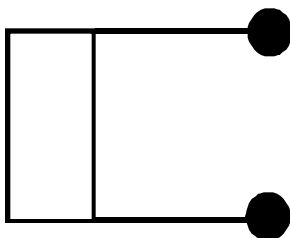
۱۷) م. آک. نو: لوزی که ستاره‌ای آن را از یک سو به جلو می‌راند، که تداعی‌گر مفهوم نور تابیده از یک سمت و یا دادن وسایل کشاورزی به کسی که حاضر است روی زمین‌های تازه سازندگی کند. این زمین، به کسی تعلق می‌گیرد که حاضر است بر روی امکاناتی سازندگی کند، که مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. این طرح یک لوزی با ستاره‌های چسبیده در بیرون و سمت چپ لوزی است.



۱۸) م - آ - ک - ت = ماکت: این طرح شکل یک ماهی هندسی است، که در واقع یک مثلث بزرگ، یک مثلث کوچک و یک ضربدر است، که چسبیده به مثلث کوچک و از میان مثلث بزرگ گذشته و آن را به سه قسمت تقسیم کرده است. هرم‌های کوچک و بزرگ چسبیده به هم که باعث استحکام هرم بزرگتر شده‌اند. این مفهوم برای کوه‌نشینان و دشت‌نشینان مفهوم واحدی داشته پس باید گفت، که این مفهوم مشترک نمی‌تواند فقط مربوط به زمین کشاورزی باشد، بلکه می‌تواند مفاهیم دینی حکومت مشترک را تداعی کند.

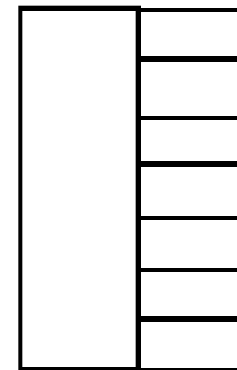


۱۹) س + ی = سی: امکاناتی که مهیا می‌شوند، با چرخ‌هایی که حرکت را آسان‌تر می‌نمایند. این طرح، چیزی شبیه به نُت موسیقی است؛ یعنی یک مستطیل و دو خط بر گوشه‌های مستطیل و دو دایره بر انتهای خط‌ها یا یک وسیله فنی مهندسی می‌تواند باشد، که نزد عیلامیان وسیله مهمی برای ساخت معابد و کاخ‌ها بوده و تداعی‌گر امتداد دو حرکت بوده است.

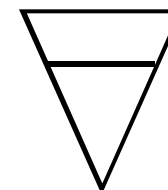


۲۰) ای + م = ایم: امکاناتی که اختصاصی کشاورز است، امکانات فراهم شده که به تعلق کشاورز درمی‌آید. این طرح، شبیه شانه است، که یکی از نقش‌های مهم

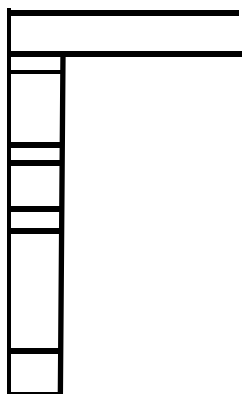
خالکوبی است و بر دست بیشتر مردان و زنان عرب خوزستان دیده می‌شود. شاید به‌مثابه‌ی وسیله‌ای برای بافندگی برای صنعت و یا خیش کشاورزی برای عیلامیان تداعی می‌کرد. طرح بسیاری کاربری که بر دست هر مرد و زن عرب قابل دیدن است، نوعی امتداد حرکت و پویایی است از یک سو و آنچه در یک خط راست دقیق.



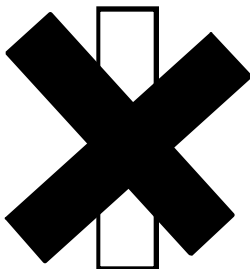
(۲۱) زا + او + ن + کی + ک = زااون کیک: هرمی است معکوس و ایستایی ندارد و به‌معنای این است، که به‌زودی مشخص می‌شود بازده کارش کفاف خودش را هم ندارد؛ زود خراب شدن هرم معکوس. این طرح یک مثلث است که وارونه و خطی آن را از وسط تقسیم می‌کند. تقسیم یک هرم و وارونه جلوه دادن آن، نشانه‌ی خوبی نیست و تداعی‌گر نوعی شکست و ضدیت است. هرم وارونه از بین رفتن قدرت و رو به پایین شدن نوک آن خبر خوبی را دربر ندارد.



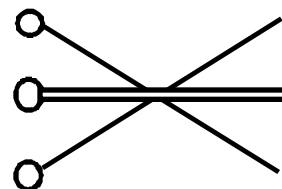
(۲۲) تیک: بخشی از زمین کشاورزی محدود شده، که برای کشاورز مجزا می‌شود تا بر روی آن کار کند و مفهوم آن این است که محدوده‌ای که قرار است خودش کار کند. این طرح به‌شکل حرف "ل" انگلیسی (L) اما یک طرف حرف ال یا پایه‌ی آن خط‌کشی شده است. معبدهایی که روی نهرها و رودخانه قرار گرفته و آب را در یک قسمت از بین کشاورزان تقسیم می‌کند و یا پله‌ای برای ارتقاء درجه‌ی ایمان و معنویت مردم عیلام.



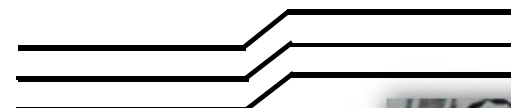
(۲۳) لیک: مفهوم آن است که هنوز باید تلاش کرد که منظور بازده کم کار است. این طرح شبیه علامت ستاره در صفحه موبایل است؛ نقشی است که کاربردی فراوان در قالی‌بافی محلی دارد و در دیدگاه مردم عرب خوزستان نوعی ملّاح برای انتشار درد پیرامون یک نقطه از بدن است.



۲۴) لی: تثلیثی از سه قلاب برای تداعی حتمی بودن کار است. این شکل به صورت سه میل بافتنی است که به هم و به شکل ضربدری به هم متصل شده‌اند. این طرح در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد به کار می‌رفت و می‌توان مربوط به صفت بافندگی در کل مناطق عیلام باشد.



۲۵) ش: سه موج آب که با دیگر نشانه‌ای است از تثلیث، مظهر جریان قرار گرفته است. صدای حرف "ش" برگرفته از صدای عبور آب است. سه موج در کلیه نقوش باستانی و طرح حاشیه‌ی چفیه دیده می‌شود، که این نقش در کتیبه‌های شوش در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد بر روی کوزه‌های سفالی دیده شده و طرح چفیه‌ی امروزی است. این طرح شبیه به موج آب است، که سه خط موج‌دار را به تصویر می‌کشد و "شود" در زبان سومری‌ها همان آب است؛ سومری که در تمدن عیلام آب بسیار اهمیت داشته، باعث شکوفایی کشاورزی عیلامیان شده بود.



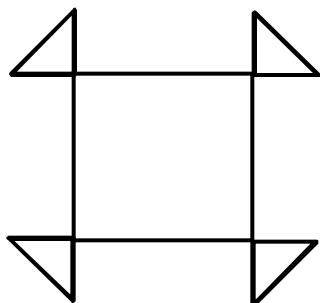
۲۶) ن + آ = نا: به معنای قطع کردن حاضر نشدن و دو پاره‌خط در امتداد یکدیگر است، که کمی از هم فاصله دارند و مانند خالکوبی‌های ابرو است، که هنوز خالکوبی ابرو نزد زنان عرب خوزستان به این شکل رایج است.



۲۷) ت + و = تو: دو خط متد که به معنای محدوده‌ای برای فعالیت است. زمین کشاورزی که از دو طرف محدود است و برای مکان‌یابی فعالیت از دو طرف آزاد است و به معنای محدوده‌ای که در اختیار او قرار دارد. دو خط راست و ممتد که در حاشیه‌ی چفیه و لباس الهه پینیکیر^۱ دیده می‌شود. تی یا تیر که نام نه‌ری به نام "نهر تیری" مشعب از نهر کرخه است، که این دو خط نهر و حرکت آب درون آن را برای عیلامیان تداعی می‌کرد.



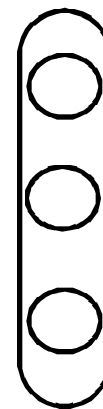
۲۸) ک + چ = کچ: چارچوب؛ چهار پایه، فکر این نماد چارچوب فکری است و طرحی شبیه مربع است، که در چهار گوشه‌ی آن چهار مثلث کوچک وجود دارد، که در واقع می‌توان چهار جهت جهان و یا چارچوب فکری انسان باستان را ترسیم کرد؛ امتداد قدرت در چهار جهت جهان و ایجاد امپراتوری برای تمامی جهان باستان.



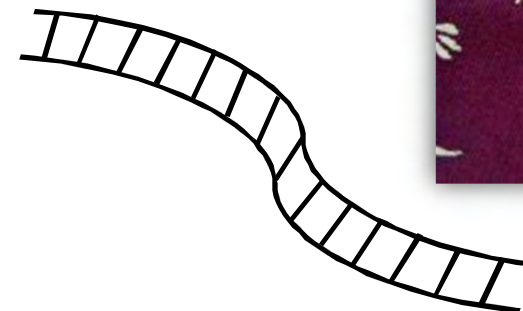
۲۹) کی او: علامتی است که سه سوراخ به ترتیب بر روی سطحی صیقل خورده و صاف ترسیم شده است، که این سطح صاف مستطیلی بزرگ و در دو طرف آن دو مثلث چسبیده است و معنای آن "کار خود اوست"، یا محصول آن شخص بوده

¹ Pinikir

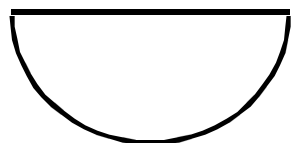
است و می‌تواند یک وسیله‌ی فنی مهندسی برای حمل و جابه‌جایی ساختمان‌سازی و یا نخ‌ریسی باشد.



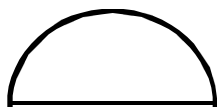
۳۰) ش + وش: مفتوح و او مفتوح که به معنای جریان تولید ادامه دارد و طرح آن شبیه به پله‌ی بازی مار و پله است، که پله‌ای پیچ خورده است و مراحل تولید پشت سر هم و به صورت متناوب ادامه دارد؛ حرکتی که رو به آسمان دارد و پله‌پله بالا می‌رود - همچون پله‌های دورانتاش که رو به سوی آسمان به پیش می‌رود، که آخرین پله یا طبقه، جایگاه خداوند شوش اینشوشیناک بزرگ است.



۳۱) او حرف أ - و= واو: این الگو، یک نیم‌چهره است، تا غایب را تداعی کند. این نیم‌چهره‌ی پایین برای شخص است، که نیم‌دایره‌ی رو به پایین کشیده شده است؛ طاق قوسی شکل که در معابد به کار می‌رفت و عیلامیان ابداع‌گر آن بوده است - اشاره به صنعت سفال‌سازی.



۳۲) ک: طاق قوسی و یا کوره‌های سفال‌گری که به شکل طاق ساخته می‌شوند و در ساختمان‌سازی عیلامیان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بود؛ نیم‌دایره‌ای که شبیه به کاسه‌ی طریانا - که مخصوص مندائیان خوزستان - است، که با به هم چسبیدن طرح او و این طرح همان کاسه مقدس ساخته می‌شود.



۳۳) ن + ی= نی: لب‌های محدب مانند طرح‌های تتاتر امروزی است، که نشان از غم و غصه یا مخالفت است. طرح به صورت خط محدب و شبیه به ابرو می‌باشد. تپه‌ی کوچک را نیز در ذهن تداعی می‌کند.



۳۴) کی: دانه‌ی جو. بذر به‌نشانه‌ی کشاورزی کردن و جو نشانه‌ی کشت دشت خوزستان و نشان از خیر و برکت فراوان دارد و گندم (جنطه) برای مردم عیلام فوق العاده مقدس و جزء حبوبات مورد احترام بوده است. جو و گندم برای مردم عیلام و مردم امروز خوزستان ارزش غذایی فراوان داشته و دارد و یکی از محصولات که از عهد باستان در این دیار کشت می‌شد. گندم و جو چنان ارزشی داشت، که حتی در مقبره‌های شاهی گندم و جو در قبرها یافت شده است. این نشان بیضی‌شکل و خطوطی به‌شکل اوریب آن را قطع می‌کند.

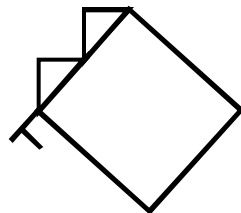


۳۵) ن + پ: علامت پیگیری نکردن است و دو مثلث کوچک و بزرگ هستند، که از بغل به‌هم چسبیده‌اند. این طرح در خالکوبی زنان عرب روی ران پا رایج است. پیوستگی و اتصال دو نماد نشان اتحاد و مفهوم امتزاج را در ذهن ایرانیان تداعی می‌کند.

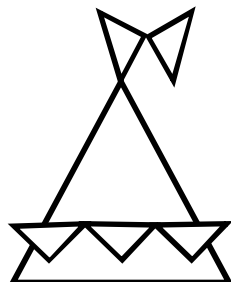


۳۶) ای + ن: به مفهوم "خودش است و چیز دیگری نیست". این طرح قالی محلی در مناطق بنی‌لام کنونی است. مربعی با دو مثلث کوچک چسبیده به آن و خط در

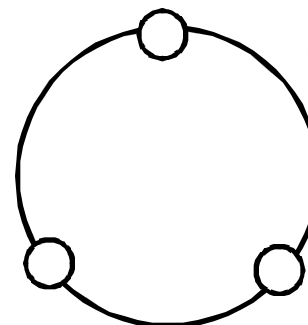
سمت چپ که در انتهای خط خمیدگی وجود دارد. طرح در قالی‌های "چنانه" و دیگر قالی‌های محلی دیده شده است.



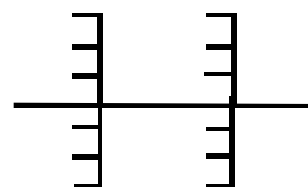
۳۷) پی: پیگیری تا حصول نتیجه‌ی بیشتر؛ انسانی با یک پای بیشتر - طرحی شبیه به طرح ماهی امروز که شکل گرافیکی ماهی است. باز این طرح خالکوبی رایج است و بر پشت دست نقش می‌بندد و به‌معنای شخص تلاشگر است، که برای حصول نتیجه‌ی دلخواه از پای نمی‌ایستد. هرم بزرگ با هرم‌های کوچک که آن را محافظت می‌کنند. می‌توان شوش را در نظر گرفت، که هرم قدرت سیاسی و مذهبی بود و شهرهای دیگر حامی این شهر مقدس بودند.



۳۸) هی: تثلیثی تشکیل شده از سه گوی، بر روی دایره‌ای که همیشگی را تداعی می‌نماید. این طرح شبیه به حرکت دورانی افلاک در آسمان است، که طرح عقال سلطنتی از آن اقتباس شده است. عقال سلطنتی یا ملوکی حالت تاج مانند است، که سه یا چهار حلقه‌ی مساوی عقال معمولی با سه حلقه‌ی دایره‌ای طلایی، که همیشه ملوک و شیوخ منطقه آن را بر سر داشتند، تا همین دهه‌های اخیر حاکمان محلی این نوع عقال را بر سر می‌کردند. علاوه بر آن، این نشان امروز آرم شرکت SHAREit است؛ برنامه‌ای اینترنتی که برای گوشی‌های اندروید کاربرد دارد.



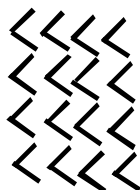
(۳۹) مم + از: فرآیندهای متوالی موجب می‌شود، تا تولید صورت گیرد. این طرح دو خط موازی با حالت راه راه یا تقسیم شده و یا خط‌های کوچکی بر روی این دو خط موازی رسم شده است. سپس، خط افقی از میان آنها می‌گذرد. این طرح، طرح خالکوبی است که بر بازوی مردان نقش می‌بست؛ خطی که دو حرکت را با هم متحد می‌کند.



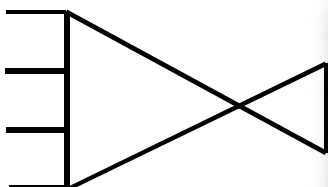
(۴۰) ش + ای: چهار فصل که هر کدام دارای سه ماه است که تابش نور مناسب در هر یک از فصول ۱۲ ماه - که یکسال است. این طرح، در قسمت دوم حاشیه‌ی چفیه دیده می‌شود؛ چیزی شبیه هشت و هفت با فاصله خیلی کم از همدیگر. فصول سال برای مردم کشاورز خوزستان چه امروز و چه در عهد عیلامیان مهم بوده است. وجود زمین کشاورزی مستعد و فراوانی آب و کشاورزی خوب عیلامیان را شیفته زمین کرده است؛ به گونه‌ای که همه‌ی ساختار زندگی خود را با فصول کشت و زرع تطبیق داده‌اند. این طرح تا به امروز بر روی در نقوش چفیه‌ی مردان عرب خوزستانی قابل دیدن است.



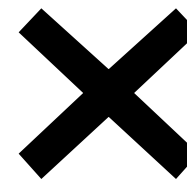
این طرح موج‌های آب را - که از چند جهت محدود بوده - به ذهن متبادر می‌کند.



(۴۱) م: مظهر تعلق داشتن است؛ یعنی همه‌ی نیازها و مایحتاج زندگی آماده است و دو مثلث که در راس به هم چسبیده و در انتهای یکی از مثلث‌ها چهار خط وجود دارد، که هر خط مبین نور و هوا و آب و زمین است، که چهار عنصر اصلی طبیعت - از منظر پیشینیان - هستند. نور را عیلامیان از خورشید و ماه اقتباس نموده‌اند. هوا را از بادهای موسمی خوزستان و آب را از رودخانه‌های خروشان این دشت آموخته‌اند و برای آن‌ها رمزها و نشانه‌های مختلفی در فرهنگ خود قرار داده‌اند. زمین، مهم‌ترین مظهر برای مردم عیلام در گذشته و مردم خوزستان امروز است. زمین چنان ارزش دارد، که برای ذره‌ذره‌ی زمین خوزستان در زبان مردم عرب خوزستان نام دارد. به جرأت می‌توان گفت، تمام خاک خوزستان از دشت تا کوه و بیشه و جنگل، وجب‌به‌وجب اسم دارد. برای نمونه، در شعبیه‌ی شوشتر در تحقیقات میدانی که انجام شده، این مطلب ثابت شده است.



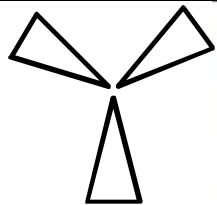
(۴۲) ک + س: ضربدر؛ یک شکل قدیمی از خالکوبی که بر پشت دست به شکل امروزی خالکوبی می‌شود و مفهوم آن نگاه داشتن و توقف بیماری و یا درد در آن قسمت است، که بدن درد دارد و در واقع نوعی خالکوبی برای درمان بیماری است و در ناحیه‌ای از بدن زده می‌شود، که درد عضلانی وجود دارد. پیش از این عقیده داشتند که خالکوبی مانع انتشار درد و بیماری است و می‌تواند نماد جلوگیری از حضور دشمن در یک سرزمین باشد.



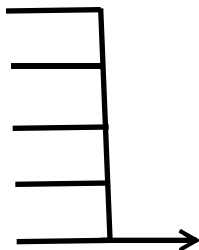
(۴۳) آ + ای: مظهري دیگر از مظاهر خالکوبی، که ریشه در نقوش عیلامی دارد. نقطه‌ای از درون خالی و خطی افقی که مانعی در مقابل آن نقطه شده است و باز حالت پیشگیری و بازدارندگی در مقابل بیماری را دارد، که در نقوش باستان به مفهوم "آمدن" است. این خالکوبی برای جلوگیری از انتشار بیماری انجام می‌شود و یا عمل جلوگیری از حرکت یک گروه به سوی سرزمین یا ملتی است.



(۴۴) جی: سه مثلث که به یک نقطه وصل می‌شوند و چیزی شبیه به طرح گل یا پره‌های امروزی است. این طرح قالی - که در حاشیه‌ی گل‌گلی قالی محلی نقش می‌بندد - علاوه بر آن در نقوش برجسته‌ی کاخ‌های عیلامی این طرح به کار رفته است.



(۴۵) شامی + اک: گیاهان خودرو و ثمره‌ی حاصل از آنها. جریان آمادگی شخص برای کارآیی بیشتر. این طرح چیزی شبیه به زمین شیاربندی شده و یا تقسیم شده است و طرح آن شبیه به چنگک کشاورزی یا یک چیزی شبیه به نیزه، که به این چنگک چسبیده است. در واقع، حرکت به جهتی خاص را با نوک پیکان نشان می‌دهد، که مفهوم سیر به سوی هدفی است.



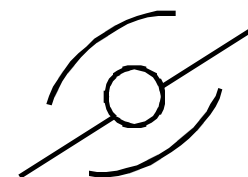
(۴۶) آ: مظهر حرکت و رسیدن و آمدن است و خطی افقی و ممتد است و نشانه‌ی آمادگی و پابرجایی است. این طرح که خطی راست می‌باشد، با توجه به شکل عادی خط در همه‌ی نقوش یافت می‌شود.



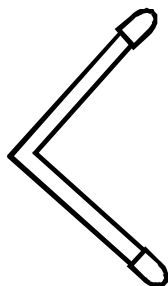
۴۷) نی + ا: مظهر آماده و مهیا نبودن برای انجام کاری است. دو خط افقی که در بالای یکدیگر قرار دارند، بنا بر طرح ساده آن پر کاربرد است. همچنین، مفهوم جدایی و فاصله انداختن را نیز به ذهن می‌آورد.



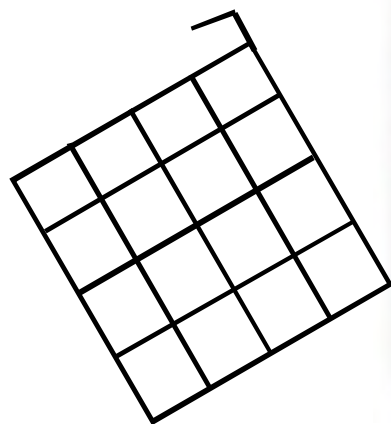
۴۸) ر + ی = ری: برداشت محصول از بذر کاشته شده و تولید مجدد از بذر. یک بذر را به چند بذر تبدیل کردن توسعه دادن و دوباره پروراندن. کلمه‌ی "ری" هنوز در زبان عربی کاربرد دارد و به معنای آبیاری و باروری زمین است. شکل طرح خطی ممتد با نقطه‌ای توخالی در میان خط و دو کمان در اطراف خط که میانه خط و نقطه را دربرگرفته‌اند، چیزی شبیه به چشم باز و در حال نگاه و یا انتشار قدرت از مرکز به تمام جهات مجاور است.



۴۹) ای + ر = ایر: در برخی از لهجه‌های مردم عرب خوزستان "ایر" به معنای پا و نشانه‌ی استواری است؛ مثلاً می‌گویند (الشعب یوچب علی ایره) بدین معنی که ملت سر پای خود استوار می‌ایستد، اما در نقوش عیلامی به الگوی تولید و تداعی‌گر آوردن و تولید می‌باشد. این نقش چیزی شبیه به حرف "دال" برعکس با لبه‌های دایره شکل است که مانند مثلثی با یک ضلع ناقص - به عنوان مظهر استواری در تولید محصول - می‌تواند یک ابزار و وسیله‌ی هندسی نیز باشد.

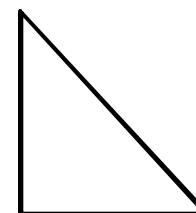


۵۰) حال: این نقش به معنای ادامه‌ی حتمی حیات است، که مربعی به نه قسمت تقسیم شده و زائده‌ای "ل" مانند به آن چسبیده است. این علامت، نشان از زمینی آباد و به طور مساوی تقسیم شده دارد، که با توجه به مساعد بودن و تقسیم عادلانه، ادامه‌ی حیات در آن حتمی است. یا به معنای تمرکز قدرت در یک محدوده است و بر پیشانی خالکوبی می‌شود، که جایگاه عقل و تمرکز و قدرت عقلی در یک نقطه است.



۵۱) آک: مثلث آمادگی زمین کشاورزی برای کار و تلاش است. یکی دیگر این از نشانه‌های پُرکاربرد است، که علاوه بر نقوش خالکوبی در قالی‌بافی و نقوش چفیه‌ی عربی نیز کاربرد دارد. این مثلث یکی از اساسی‌ترین نقوش‌های چفیه‌ی عربی است. این نقش بر روی چانه و گلو به شکل لوزی کوچک نقش می‌بندد؛ هرچند صلیب

بیشتر از مثلث در نقوش خالکوبی بر روی چانه کاربرد دارد. این طرح به نوبه‌ی خود کاربرد فراوانی دارد.



۵۲) م + ۵: به معنای به تعلق درآمدن است؛ دایره‌ای کوچک و تُوخالی با دو پاره خط چسبیده در اطراف، که به معنای به تعلق درآمدن است. این نقش دور گردن شبیه گردنبند و در میان سینه نقش می‌بندد، که در میان زنان عرب هنوز رایج است، که از زیر گلو تا میان سینه‌ها پایین می‌رود.



۵۳) مم: اگر واگذاری‌ها پی‌درپی باشند و یا از شخصی به شخص دیگری منتقل شود، از حلقه‌های متصل به هم استفاده می‌شود. تثلیثی از سه حلقه زنجیر برای دست به دست شدن تعلقات. این نقش در ادامه‌ی نقش قبلی و همان کاربرد را دارد؛ حلقه‌های قدرت به هم پیوسته‌ی شاه و نایب السلطنه و فرمانروا، که با هم در یک جهت و برای ادامه‌ی اقتدار حرکت می‌کنند.



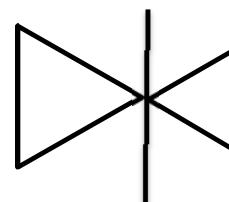
۵۴) م: اگر واگذاری انجام شده باشد، فقط بازوی یک حلقه به صورت پاره خطی افقی نشان داده می‌شود. امتداد و حرکت مسیر که برگرفته از حرکت رودخانه‌های این سرزمین است.



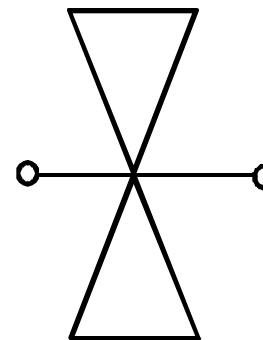
۵۵) می: دو حلقه زنجیر در دو سر بازوی نگهدارنده. این طرح پاره خطی افقی است، که در دو سر آن دایره‌های کوچکی به کار رفته‌اند و می‌تواند به معنای "آنچه در آن نهفته است"، باشد و یا اتحاد دو قدرت در حکومت یک سرزمین؛ قدرت دینی و سیاسی.



۵۶) آن: پاره‌خطی است با دو مثلث در اطراف چیزی شبیه به طرح کودکانه‌ی پروانه و به معنای فرد ایستاده در بین دو تثلیث، ثابت شده است. نقش خالکوبی آن پشت دست و بر روی بازوی مردان است. علاوه بر آن، در نقوش قالی‌بافی و گلیم‌بافی پرکاربرد است. می‌توان به دو مثلث هرم مانند با خطی از وسط اشاره کرد، که آنها را از هم جدا کرده است.



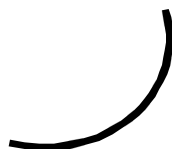
۵۷) ل + آ: "چیزهایی که قبلا در اختیار کسی در آمده بودند" در حالت افقی، بدون حرکت در بین دو تثلیث قرار می‌گیرند؛ به معنای پس گرفتن امکاناتی است، که به کسی داده شده بود. این نشان، شبیه طرح کودکانه‌ای از یک پروانه است و اختلاف آن با طرح قبلی تنها در افقی بودن و دایره داشتن انتهای خط ممتد است. هرم‌های قدرتی که خطی دارای دایره‌هایی در انتها که محدود شده آنها را از هم جدا می‌کنند.



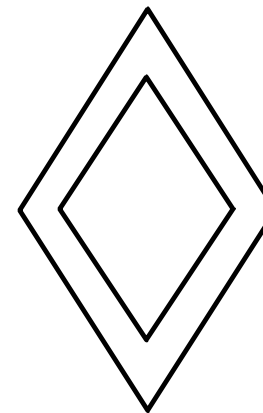
۵۸) د: دستی باز برای دادن، نشان از دست و دلبازی شخص است، که با دستی گشاده چیزی را تقدیم می‌کند و این صفت در میان مردم خوزستان همچنان رایج است، که به مهمان‌نوازی و سخاوت مندی معروفند.



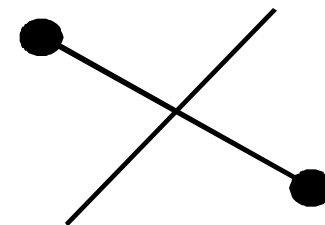
۵۹) یار: مظهر آوردن و تولید خطی مایل و شیبدار برای جابه‌جایی چیزی شبیه به حرف "ر" که باز در نقوش ذکر شده کاربرد دارد.



۶۰) نو + تو: دو لوزی؛ یکی بزرگ و دیگری کوچک که مثلث کوچک در میان مثلث بزرگ است و به معنای امکانات تازه‌ای است، که هنوز مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و درون چیزی قرار گرفته است. این خالکوبی، نقش معروفی است، که هم در خالکوبی پشت دست و ران پا کاربرد دارد و نقش مهمی در قالی‌بافی است. این نقش در قالی‌های محلی مردم عرب خوزستان بسیار کاربرد داشته و دارد و می‌تواند از قرار گرفتن قدرت کوچک در میان قدرتی بزرگ مانند قدرت عیلامیان نشان داشته باشد، به معنای دربرگرفتن حاکمان کوچک محلی در میان قدرت مطلقه‌ی خود.



۶۱) ممّا: امور رسیدگی به مزارع کشاورزی است، به شکل یک پاره خط ضربدری که انتهای یکی از آنها دو دایره کوچک وجود دارد؛ چیزی شبیه به میل بافتنی که درون پارچه‌ای جا گرفته باشد.



رمزگشایی و ترجمه و تبیین سنگ‌نوشته‌های کوتی اینشوشیناک

این سنگ نوشته‌ها، مربوط به دوره‌ی فرمانروایی کوتی اینشوشیناک، یکی دیگر از مقتدرترین پادشاهان عیلامی است، که در حدود سال ۲۲۵۰ ق. م پادشاه شهر خدا "شوش" بوده است. سنگ‌نوشته‌ی کوتی ۱ دارای ۵۱ پارگراف و کوتی ۲ دارای ۹۷ پارگراف می‌باشد. در هر یک از متون باز مراحل کشاورزی و نحوه‌ی مدیریت آن ذکر شده و نحوه‌ی گماردن اشخاص واجد شرایط و با صلاحیت در امر کشاورزی، واگذاری امکانات کشاورزی به وی، نظارت ارگانیک بر کار او، ارزیابی بازده کار او، احکام بازپس‌گرفتن از اشخاصی که از امکانات دریافتی موجود برای ازدیاد تولید استفاده نکرده به‌همراه ادله، اثبات و بر اساس منطق، در هر مرحله گفته شده است. آنچه در متن کوتی اینشوشیناک ۱ و ۲ آمده و نیز ترجمه‌ی متون "شهادت" کرمان و "لیان" بوشهر، مربوط به مراحل کشاورزی و حق مالکیت و تعیین سهم کشاورز و معبد و حاکم است، که نشانه‌ی دیگری بر اهمیت زمین برای عیلامیان و کشاورزی پُر رونق دوره عیلام در دشت خوزستان و دیگر سرزمین‌های تابعه بوده است. هنوز نقش‌های فراوانی در کتاب‌های مختلف ذکر شده‌اند، که در نقش‌قالی و خالکوبی و صنایع دستی رواج دارد؛ هرچند بسیاری از مفاهیم این خالکوبی‌ها و طرح‌ها فراموش شده است، اما باز می‌توان این مفاهیم را از خود نقوش دریافت کرد و فهمید.



بخش سوم: عیلامیان اولین قالی بافان جهان

خوزستان یکی قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان و به روایتی اولین شهر جهان شوش و تمدن شکوهمند عیلام بوده است. عیلامیان را می‌توان اولین صنعتگران عصر باستان نام برد، که بسیاری از صنایع عهد باستان را خودشان ابداع نموده‌اند. چرخ - که تحول بزرگی در صنعت ایجاد کرد ابداعی عیلامی است - کوزه‌گری و تربیت حیوانات و اهلی کردن اسب را نیز به این قوم نسبت می‌دهند. شوش پایتخت دینی و سیاسی عهد باستان با ثروتی مثال زدنی اولین پایتخت در جهان باستان است، که هم جنبه‌ی سیاسی و هم دینی داشت. شوش را شهر خدا و عیلامیان را اهل همتی یعنی اهل خدا می‌نامیدند. عیلامیان خط میخی را از برادران سومری خود در عراق آموختند و آن را مطابق با فرهنگ خود تغییر دادند، که تفاوت فراوانی میان خط میخی عیلامی و دیگر خط‌های میخی وجود دارد. عیلامیان خط میخی را تا ملوچه (= سند در پاکستان امروزی) گسترش دادند.

عیلامیان جزء اولین کسانی بودند، که ارتش منظم و قانونمند و با چکمه‌ی نظامی و لباس خاص و عقاب بر سر و نیزه‌ای در دست به نام "سریمه" تشکیل دادند. آنها فنون دفاعی خاصی داشتند، که ساخت دیوار و یا کندن خندق دور شهر شوش از ابداعات آنهاست، که شهر شوش دارای چند دروازه‌ی ورودی و دیوارهای بلند و در بعضی دوران خندق یا نهر پر آب دور شهر شوش یا دیگر شهرها حفر می‌کردند و زمانی که این حصارها می‌شکست، به کوه‌ها پناه می‌بردند و یا از طریق تونل‌هایی که در زیر شهر طراحی کرده بودند، که دشمن را غافلگیر می‌ساختند. نمونه‌ی این تونل در کنار دورانتاش (چغازنیل) وجود دارد.

بافتندگی عیلامیان

شاید باور آن برای بسیاری سخت باشد، که اولین بافندگان جهان عیلامیان باشند و دشت شوش اولین نقطه‌ی جهان بود، که با فرش‌های رنگی زینت یافته است. فرش با پشم و نخ و وسایل ریسندگی شکل می‌گیرد و از پشم سفید و بی‌آلایش تبدیل به قالی رنگارنگ می‌شود، که زیر پای پادشاهان عیلام و مردم آن دوران پهن می‌شد و ما امروز میراث‌دار آن مردم و آن تمدن هستیم. اولین دستگاه بافتندگی و اولین بافته‌های بشر به ۶۵۰۰ سال قبل به تمدن عیلام بازمی‌گردد. اولین دوک نخ‌ریسی متعلق به ۴۰۰۰ ق. م است و در شوش کشف شده است.

این تصاویر مربوط به ابزارهای اولیه‌ی ریسندگی و بافتندگی در شوش باستان و منطقه‌ی چغامیش می‌باشد، که نشان از پیشرفت عیلامیان در هنر قالی‌بافی و ریسندگی است.

تعدادی از این ابزارها تاکنون مورد استفاده قالی‌بافان مناطق "بنی‌لام" و "چنانه" و "عبدالخان" است و در بسیاری از مناطق دیگر کاربرد دارند. همچنین، نوع دار قالی در تصویر بالا با دار قالی امروز مردم خوزستان مطابقت می‌کند، که نشان‌گر استمرار این صنعت از گذشته تا به امروز است.

مردم صنعتگر شوش با نگاهی تیزبین در تار و پود بافته‌ی عنکبوت و یا آشیانه و بافت خانه‌های پرندگان بافندگی را آموختند و زندگی ساده‌ی خود را رنگین‌تر کردند. گذر از مرحله‌ی روستایی و ورود به مرحله‌ی شهرنشینی نیازهای فراوانی را برای بشر ایجاد کرد، که ذهن خلاق عیلامیان این نیاز اساسی را - که همان قالی است - برای خانه‌ها و زیر پای مردم طراحی و ایجاد نمود؛ هرچند که نخستین بافته‌های عیلامیان بسیار ساده و ابتدایی بود و شاید چیزی شبیه به حصیرهای بافته شده از برگ نخل باشد، یا چیزی شبیه به بورپایی که از نی ساخته می‌شود، البته کم‌کم بافته‌های ساده پیشرفت کرد و نیاز به رنگ و شکل‌های جدیدی داشت، که اولین رنگ‌ها را عیلامیان از محیط زندگی خود و طبیعت انتخاب نمودند و بافته‌های خود را با آن رنگ کردند. اولین رنگ‌ها همان پوست انار و روناس و دیگر گیاهان بودند، که هر کدام رنگ خاصی را تولید می‌کردند و بافته‌ها را به رنگ‌های مختلف رنگین می‌کردند. اولین فرش‌های بشر، پوست حیوانات و شاخ و برگ گیاهان بود و اختراع و بافت قالی تحول فراوانی در دنیای باستان بود. چنانچه به لباس زیبای سرباز عیلامی در ۳۳۰۰ سال پیش نگریسته شود، طرح‌های زیبای گل نیلوفر و آشکال هندسی دیده می‌شود؛ آنگونه به نظر می‌رسد که با دستگاه‌های قرن بیست و یک بافته شده‌اند. افزون بر تکامل و تنوع دوک‌ها در اوایل هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد - به استناد یافته‌های باستان‌شناسی - وجود دار قالی و بافت پارچه در منطقه‌ی چغامیش شوش قطعی است و تصویری از شوش را نشان می‌دهد، با یک دار افقی که دو نفر از دو طرف آن مشغول بافت هستند.

تپه‌ی سیلک

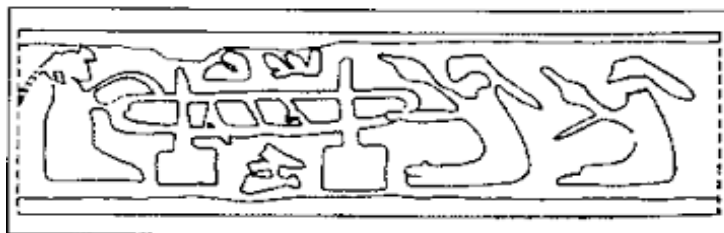
از جمله آثاری که دلالت بر وجود پارچه در این هزاره دارد، دسته‌چاقویی است، که نشان می‌دهد شخصی کلاهی پارچهای بر سر دارد و لنگی که با کمر بند به دور کمر بسته شده است. این دسته‌چاقو مشخص می‌کند، که عیلامیان از ۴۲۰۰ ق. م دیگر از پوست حیوانات به طور طبیعی استفاده نکرده‌اند، بلکه از پشم، پارچه‌هایی بافته‌اند و آنها را بدون برش و ساده به صورت لنگ بر کمر بسته‌اند. از این تاریخ به بعد، روزبه‌روز صنعت بافندگی رو به‌ظرافت و پیشرفت گذاشت، که شهرهای شوش و شوشتر از بزرگترین تولیدکنندگان پارچه و قالی آن روزگار بوده‌اند.



این تصویر دسته‌چاقویی را نشان می‌دهد، که در تپه‌ی سیلک یافت شده است.
نوع پوشش و حالت ایستادن با پوشش مردم شوش و مناسک دینی آنها مرتبط است و لنگی که بر کمر دارد، شبیه به پوشش مردم این سرزمین است.
تأثیر مردم شوش تا تپه‌ی سیلک و گسترده‌تر از آن یافت شده است.

پارچه‌های طرح دار

پارچه‌های طرح دار از ۶۰۰۰ سال قبل در شوش رواج فوق العاده‌ای می‌یابند، که تصاویر و مجسمه‌های عیلامی مؤید آن است. اثر مهر مکشوفه در چغامیش نشان از صنعت گسترده‌ی بافندگی در آن دوران است.



قالی بافی عیلامی

عیلامیان قالی را نمَد می‌گفتند و علاوه بر آن، نخ را گیطان یا قیطان؛ دو کلمه‌ای که تاکنون در میان مردم خوزستان رایج است. علاوه بر آن، پشم را "جَز" می‌گفتند، که هنوز مردم عرب خوزستان پارچه‌های پشمی را جَز می‌گویند. در ضمن، کلمه‌ی جَز واژه‌ای اکدی است، که از اواخر هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در عیلام رسمیت می‌یابد. برای نمونه می‌گویند -ثوب جَز یعنی لباس پشمی.



این تصویر نمونه‌ای از قالی بافته شده به دست زنان بنی‌لام شوش است. وجود طرح‌های باستانی در این قالی قابل توجه است؛ مانند طرح پنج طبقه‌ی معبد دورانتاش (چغازنبیل) در دو طرف نقش‌های قالی و پزندگانی که به شکل هندسی بر یک لوزی مانند طرح‌های عیلامی ایستاده‌اند. گل نیلوفر در حاشیه‌ی قالی شبیه لباس سرباز عیلامی است. علاوه بر آن، لوزی‌های به هم پیوسته، که نشان از به هم پیوستگی شهرهای بزرگ عیلام می‌باشد، در طرح میانه‌ی قالی قابل دیدن است.

نقوش قالی

نقوش قالی و پارچه در زمان عیلامیان برگرفته از اعتقادات دینی و آیینی آنهاست و این نقوش به شکل طرح‌های هندسی، پزندگان، گل، حیوانات، نخل، موجودات خیالی و اسطوره‌ای بوده است، که از ۶۰۰۰ سال قبل این نقوش و طرح‌ها یافت شده‌اند.



طرح لباس این زنان عیلامی برگرفته از باورهای دینی و مذهبی است، که تا به امروز این طرح‌ها به شکل چفیه و لباس وجود دارد.

عیلامیان برای زنان احترام فوق العاده‌ای قائل بودند و زنان را الهه‌های زمینی می‌دانستند. به این دلیل، بیشترین خدایان عیلام به شکل زن و با لباسی شکوهمند و ژستی با وقار نمود پیدا می‌کنند.

نقش پارچه‌هایی که در روی دو قبر مسی در نزدیکی شوش کشف شده و قدمت آنها به ۳۵۰۰ ق. م بازمی‌گردد، نشان می‌دهد که بافندگی و ریسندگی و قیچی‌کردن پارچه در آن زمان متداول بوده است. نقوش درختانی مانند نخل و کنار و انجیر و زیتون در زمان عیلامیان فراوان به کار می‌رفت و از میان اشکال هندسی لوزی و مثلث و دیگر نمادهای زمین کشاورزی که در نقوش خالکوبی به آنها اشاره شده، قابل ملاحظه است. گل نیلوفر که در تمام آثار عصر عیلامی دیده می‌شود و حتی تأثیرات آن در عصر هخامنشیان در تخت جمشید وجود دارد، یکی از قدیمی‌ترین نقوش قالی و پارچه‌ی عیلامی است. نیلوفر، سمبل تجلی و نمادی از نمادهای مذهبی عیلامیان است.



پارچه‌های عیلامی دارای طرح‌های برگرفته از طبیعت، باورهای دینی، و نوع سیاست و فرهنگ حاکم در هر زمان است. گاهی در این پارچه‌ها نمادهای اساطیری ظاهر می‌شوند و گاهی درختان و کوه‌ها و جنگل‌های به هم تنیده‌ی شوش.

پارچه‌های ابریشمی نیز در شوش و شوشتر در دوره‌ی عیلامیان یافت شده، که این پارچه‌ها به رنگ‌های ارغوانی، نارنجی و قهوه‌ای بوده، در کارگاه‌های شوش و شوشتر تولید می‌شده‌اند و دارای طرح‌های گل نیلوفر هستند. علاوه بر آن، طرح لباس‌های سرباز عیلامی - که گل نیلوفر بر آن نقش بسته - به نظر می‌رسد با نخ و سوزن گل دوزی شده و بر زیبایی این پارچه افزوده است.



سربازان شوش در همه‌ی نقش‌های برجسته با لباسی بلند شبیه دشداشه‌ی مردم عرب و عقالی بر سر و نیزه‌ای در دست ظاهر می‌شوند، که نشان از قدرت نظامی و برخورداری از سلاح‌های کارآمد بوده است. عیلامیان این نوع نیزه بلند را سریم می‌گفتند، که تا به امروز این کلمه با این معنا کاربرد دارد. سربازان عیلامی عقال را به نشان حمایت خدایان از ارتش عیلام بر سر قرار می‌دادند، که این عقال تا به امروز در میان مردم عرب خوزستان از احترام فوق العاده‌ای برخوردار است و نوع دشداشه سربازان عیلامی تا دهه‌های اخیر در میان مردم عرب رواج داشته، که نشان از ارتباط و تأثیر عیلامیان شوش بر مردم عرب خوزستان است.

لباس مندائیان

«مندائیان پنج پیامبر دارند: (۱) آدم ابو البشر که از تولد ایشان تا سال ۱۳۹۳ خورشیدی، ۴۴۵۳۸۴ سال مندائی می‌گذرد، (۲) شیتل فرزند آدم (همان شیث نزد مسلمانان)، (۳) نوح، (۴) سام فرزند نوح و (۵) یحیای نبی فرزند زکریای پیامبر... رودلف ماتسوخ بر این باور است، که خط مندائی مستقیماً از خط آرامی اشتقاق یافته، آسان‌ترین و کامل‌ترین خطوط سامی است. زبان سامی از زبان‌های قدیمی خوزستان به‌شمار می‌آید؛ زیرا بعد از زبان انزلی یا شوشی که به عقیده‌ی "دمرگان" در سه هزار سال پیش از میلاد متروک شده، رواج یافت. مندائیان از اقوام سامی نژاد و آرامی‌اند؛ اقوام آرامی به کسانی گفته می‌شود که فرزندان آرام پسر سام پسر نوح باشند.»

مندائیان خوزستان از قدیمی‌ترین صنعتگران این سرزمین هستند، که در بافت پارچه‌های سفید و پشمی که برای مناسک دینی به کار می‌برند مهارت فوق العاده‌ای دارند، که در کتاب "گنزا ربّا" اشاره شده است، که خداوند به فرشته‌اش "هیبل زیوا" (= جبرئیل) دستور داد، تا به حضرت آدم بگوید پشم گوسفندان را بچیند و از آنها لباس ببافد. در حدود ۵۰۰۰ سال پیش، علامت صلیب شکسته در خوزستان یافت شده است، که پیشینه‌ی تاریخی آن به اعتقادات دینی مردم این دیار اشاره دارد، که هر تسفلند آن را گردونه‌ی خورشید می‌داند. این نقش در بیشتر پارچه‌ها و قالی‌های عهد عیلامیان دیده می‌شود و شاید نشان از حرکت و چرخش کائنات باشد و یا اشاره‌ای به عناصر چهارگانه‌ی طبیعت، یعنی آب، خاک، باد، آتش دارد.



^۱ خمیسی (زهرونی)، ساهی، آیا صابئین مندایی را می‌شناسید؟. با مقدمه‌ی: عباسی، حسین. شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یاداوران، تهران، ۱۳۹۴. ص: ۱۰ و ۲۸.

لباس‌های زنان عیلامی

مجسمه‌ی یک زن که تمام قد ایستاده و لباسی بلند و موّقر بر تن دارد، که بلندی آن ۹۴ سانت و عرض آن ۴۰ سانت از جنس عاج است و طرح لباس آن فوق‌العاده زیبا و تمام بدن او محجّب و پوشیده و تمام بدن و لباس با شالی بزرگ پوشانده شده است، که لبه‌های شال دارای طرح‌های راه‌راه و زیباست.





مجسمه‌ی زن نیایشگر متعلق به ۲۰۰۰ ق. م که با لباس‌های بلند و چین‌چین و طرح‌های موج آب فوق العاده زیبا و با وقار است. این مجسمه با وجود اینکه فاقد کلاه شاخ‌دار می‌باشد، از روی پیراهن چین بالا چینش می‌توان رب‌النوع کوچکی دانست. مجسمه‌ای نظیر آن یافت شده که دو سوراخ دارد و مسلماً آن را به‌منزله‌ی زینتی به‌جایی نصب کرده بوده‌اند. از این رو می‌توان تصور کرد، که مجسمه‌هایی نظیر آن به‌منزله‌ی تزئینات معماری معبدی به‌کار می‌رفته‌اند و نقش نگهبانان و ستایشگران یک رب‌النوع بزرگ را به‌عهده داشته‌اند.^۱



این تصویر نیز - مانند تصاویر قبل - اشاره بر اهمیت نقش زن در جامعه‌ی عیلام است. نوع لباس این زن شبیه به لباسی به‌نام "روی الشط" (موج رود) می‌باشد، که این نوع لباس، لباس دختران جوان در مراسم آئینی و اعیاد است و بسیار زیبا و قابل ستایش است.

مجسمه‌ی مادر با فرزند که از «جنس گل پخته و صورتی رنگ؛ الهه‌ای است که طرز آرایش مویش شبیه به عصابه یا سربند زنان عرب خوزستان امروزی است، پیراهن چین-چین بر تن دارد و دو ستاره در اطرافش دیده می‌شوند، که حاکی از خویشاوندی او با الهه "نانا" است. پیراهن آستین بلند و یقه‌گرد، با یک بالاتنه‌ی تنگ که به‌صورت بلوز روی دامن افتاده و لبه‌ی آن تزیین شده است. این پیراهن دارای دو دامن

^۱ امیه پی. یر. تاریخ عیلام. ترجمه: بیاتی، شیرین. انتشارات دانشگاه تهران. تهران. چاپ پنجم: ۱۳۸۹. تصویر ص: ۶۲

است. دامن زیر بلند و ساده است با لبه‌ی دال بر دامن دوم مانند بُنگ روی دامن اول قرار گرفته است. موی سر کوتاه و فرق از وسط باز شده است و یک مو بند شبیه به عصابه‌ی زنان عرب بر سر دارد؛ همانند پارچه‌ی بلندی شبیه به بُخنگ^۱ عرب و گردن‌بندی به شکل دانه‌های گرد^۲ با یک آویز بزرگ بر گردن دیده می‌شود.^۳



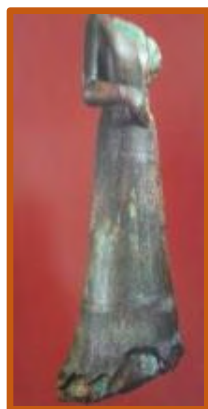
^۱ بُخنگ: نوعی روسری محجب که از بالای سر تا پایین بدن زن را می‌پوشاند و مانند شال‌های امروزی و به رنگ مشکی است.

^۲ همان. تصویر ص: ۶۳

^۳ امیه، پی. یر. شوش شش هزار ساله. ترجمه: موسوی، علی. نشر فرزاد. تهران. ۱۳۸۹. تصویر ص: ۱۰۳.



طرح لباس نیپراسو - همسر اونتاش گال - که ارتفاع مجسمه‌ی آن ۱۲۹ سانت و با عرض ۷۳ سانت که از جنس مفرغ است و نماد الهه‌ی باروری است و به قرن ۱۳ ق. م بازمی‌گردد و بسیار جذاب و زیباست؛ لباسی بلند با طرح‌های لوزی و اشکال هندسی زیبا و نوشته‌های خط میخی. پیراهن بلند دو دامنه بالاتنه تنگ با آستین کوتاه، گرچه در عکس خیلی مبهم است، ولی شالی بر سر شانه و به پیراهن وصل شده است. دامن زیرین بلند است و در پایین نواری با نقش چهار گوش دارد، که حد فاصل پیلی و دامن است. به جلوی پیراهن پارچه‌ای نقش‌دار به‌طور عمودی دوخته شده. دامن دوم به دامن اول وصل است و لبه‌ی پایین آن به بالا میل است. پیرامیه در مورد لباس نپراسو می‌گوید: گرداگرد لباس نواری پهن و شرابه‌هایی دیده می‌شود و در جلوی آن شالی از پارچه زر دوزی شده افتاده که بالاتنه را پوشانده است^۱ و در سرشانه با سنجاقی به شکل شاخه‌ی نخل به پیراهن وصل شده و بر روی یک قطعه پارچه باریک و شرابه‌های این شال بر کمر بسته شده است.^۲



تصویر نیپراسو همسر اونتاش گال سازنده‌ی معبد بزرگ دورنتاش می‌باشد، که اهمیت زن در تمدن عیلام را نشان می‌دهد.
زن اونتاش گال در بسیاری از مراسمات همراه با پادشاه حاضر می‌شد و در حکومت تأثیرگذار بود.
این زن در تاریخ عیلام آنقدر اهمیت داشته، که یکی از بزرگترین مجسمه‌های عیلامی را به خود اختصاص می‌دهد.

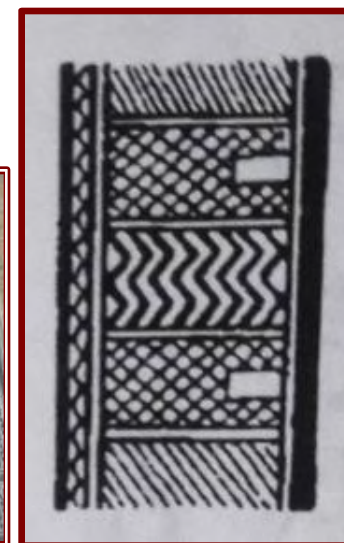
^۱ پرهام، سیروس. سیری در هنر ایران. جلد ۱. نشر علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۹۰. ص: ۲۰۷.

^۲ پور بهمن، فریدون. پوشاک در ایران باستان. ترجمه: ضیاء سیکاردی، هاجر. نشر امیرکبیر. تهران. ۱۳۹۲. ص: ۲۰.

^۳ ۲۱.

مجسمه‌ی زنی از معبد الالهه پینیکر

این مجسمه، لباسی شبیه به چفیه‌ی عربی امروز بر تن دارد؛ لباسی زیبا با طرح‌های منظم و لوزی‌ها و دایره‌های هم‌سان و ارتفاع آن یک متر و از جنس خمیر شیشه است. این مجسمه متعلق به ۱۳۰۰ سال ق. م است، که لباس آن پیراهنی بلند آستین کوتاه از نوع پیراهن‌های راسته است. در لبه‌ی پایین یک ردیف باریک با نقش چهار گوش و قسمت پایین زیگزاک دو خطه دارد. جلوی دامن لباس مانند لباس نابراسو تزئینی عمودی و پُر نقش و خود لباس نقش‌های لوزی و دایره دارد. این نقش‌ها تاکنون در چفیه‌های عربی وجود دارد.^۱



^۱ امیه، پی. یر. تاریخ عیلام. ترجمه: بیاتی، شیرین. انتشارات دانشگاه تهران. تهران. چاپ پنجم: ۱۳۸۹. تصویر ص: ۸۶.

زن در حال ریسندگی



تصویر روبه‌رو، نقش زن در حال ریسندگی که دوکی در دست گرفته و چهار زانو نشسته بر روی صندلی بدون تکیه‌گاه که پایه‌های به‌شکل پای شیر است. در برابر این زن، میز کوچکی است، که یک ماهی و مقداری میوه بر روی آن وجود دارد و خدمتکاری با باد بزن در پشت سر او ایستاده در حال باد زدن است. این نقش زیبا متعلق به هزاره‌ی اول پیش از میلاد در شوش است، که اهمیت صنعت بافندگی را برای عیلامیان مشخص می‌کند؛ یک شاهزاده بهترین حالت خود را با ریسندگی نشان می‌دهد و شاید

می‌خواسته صنعت و پیشرفت را به رخ دیگران بکشد - آنانکه کفش و لباس و نیزه و ازابیه‌ی خود را از عیلامیان گرفتند. پیراهن زیر ساده بلند با آستین کوتاه، ردای جلو باز، پشت ردا بلندتر از جلو است و لبه‌ها در زیر بغل به هم دوخته شده و از پهلوی حاشیه‌دوزی شده است.

موهای پیشانی چتری و فر خورده و در پایین گوش تاب خورده و کوتاه است. برای نگهداری مدل مو از دو ردیف سر بند افقی و عمودی مایل استفاده شده است. الگوی شش‌تایی هم بر هر دست وجود دارد. پیشخدمت آن هم پیراهن بلند سفید ساده با آستین‌های کوتاه و یقه گرد، کمربندی از چرم با نقش زیگورات. مدل مو در بالا ساده، اما اطراف آن فر شده است. به نظر می‌رسد شکل لباس در طبقات مختلف یکسان و تمایز در جنس پارچه و زینت‌های آن بوده است.^۲

^۱ رحیمی، پریچهر. تاریخ پوشاک ایرانیان. نشر دانشگاه هنر. تهران. ۱۳۹۱. ص: ۲۴، ۲۵.

^۲ امیه، پی. یر. تاریخ عیلام. ترجمه: بیاتی، شیرین. انتشارات دانشگاه تهران. تهران. چاپ پنجم: ۱۳۸۹. تصویر ص: ۱۲۴.



ریسندگی در این دوره آنقدر مهم بوده، که زیباترین ژست ملکه‌ی عیلامی در حال ریسندگی است. نوع لباس و پوشش این زن باز قابل مقایسه با لباس زنان مردم عرب خوزستان است. طرح و نقش این ماهی که در جلوی این ملکه قرار دارد، به نظر می‌رسد شبیه به نوعی ماهی محلی به نام "پُتی" است.

شوش و تَستَر (شوشتر)، حویزه (هویزه)، رامز (رامهرمز) و دیگر شهرها در تاریخ عیلام نقش به‌سزایی داشته‌اند؛ هرچند خود مردم این شهرها شکوه تاریخی خود را فراموش نموده‌اند، ولی دو شهر شوش و شوشتر در صنعت پارچه‌بافی، قالی‌بافی، گلیم‌بافی، بافت دیبا و کتان حرف اول را در دنیای باستان می‌زدند. قدیمی‌ترین آثار کشف شده در شوشتر مربوط به شهر دستوا و تپه‌ی مهرورف به تپه‌ی پمپ بنزین با قدمتی در حدود (۴۶۰۰-۴۲۰۰ ق. م) است، که نشان از استقرار عیلامیان در این شهر بوده است. در این دوره، تپه‌ی روستای عرب حسن، دیلم و دیگر نقاط مسیر اهواز شوشتر از قدمت مشابه برخوردارند و نشان از ادامه‌ی استقرار تا دوره‌ی اسلامی و حدود سال ۹۰۰ ه. ق دارد.^۱ از مهم‌ترین آثار کشف شده در دستوا تابوت با تزئینات عقال و نخل که در دو طرف تابوت نقش شده است و علاوه بر آن، کشف سکه‌های عیلامی با نقش ماه و ستاره و چنگک ماهی‌گیری (فاله به زبان

^۱ مقدم، عباس. بررسی‌های باستان‌شناختی میان آب شوشتر. نشر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. تهران. ۱۳۸۴. ص: ۴۱۵ و ۴۱۷.

عربی) و نقش حاکم عیلامی با عقال است. از دیگر کشفیات مجسمه‌ی الهه نانا، از الهه‌های مهم عیلامی است.^۱

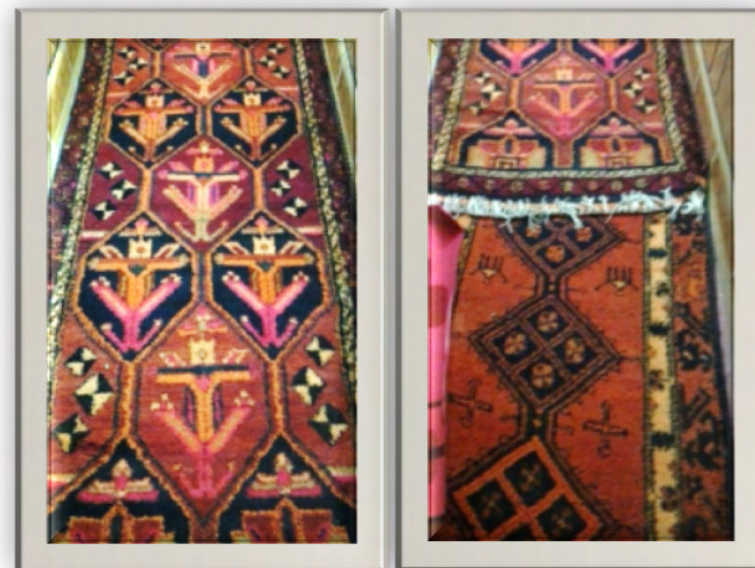


^۱ یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی - شوش. جلد (۱). نشر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. تهران. ۱۳۷۶. جلد ۱. ص: ۱۹۴، ۱۹۵ و ۲۰۷.

اما شکوه این صنعت تا دهه‌های اخیر وجود داشته، که با صنعتی شدن صنایع کم‌کم این هنر عیلامی در شوش و شوشتر به فراموشی سپرده شد. شوشتر در صنعت دیبا مثال‌زدنی بود و دیبای شوشتر به قاره‌ی افریقا و جنوب شرق آسیا و کشورهای عربی صادر می‌شد، که گفته می‌شود پارچه‌ی کعبه از دیبای شوشتر بوده است. هنوز در چند جای سنتی پیرمردهای قد خمیده و چشم به آینده مبهم دوخته‌ای در شوشتر کار گلیم‌بافی و نمدمالی را انجام می‌دهند، ولی اگر حمایت نشوند در آینده به-خاطره‌ها خواهند پیوست. صنعت قالی‌بافی در شوش و همچنین در میان قبایل بنی‌لام به شکل سنتی رواج دارد؛ هرچند شاید چند دهه‌ی دیگر به فراموشی سپرده شود، ولی هنوز صدای نقشه‌خوانی زنان عرب قبایل عبدالخان و شاوور و اطراف شوش چنانچه به گوش می‌رسد و قالی‌های طرح لامی در همه‌ی خانه‌های مردم عرب خوزستان یافت می‌شود. قالی‌های مذکور باید برای نسل‌های آینده حفظ شوند، تا این هنر چند هزار ساله از بین نرود و فراموش نشود. صنایع دستی در خوزستان ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم دیرینه‌ی این مردم دارد، که اگر امروز به نقوش صنایع دستی نگاه شود خواهیم دید، که این نقوش سخن از تاریخی دور و دراز در این سرزمین دارد. کارگاه‌های گلیم بافی خوزستان هنوز به شکل سنتی خود و مطابق با همان طرح دستگاه گلیم بافی دوران عیلام است. دارهای قالی شوش و شوشتر دقیقاً مانند طرح دار قالی است، که از دوران عیلام در چغامیش به دست آمده و این دلیل روشنی بر ارتباط میان این مردم با اجداد عیلامی خود است.

بخش چهارم: عکس‌ها





احمد جعفری ماجد



احمد جعفری ماجد



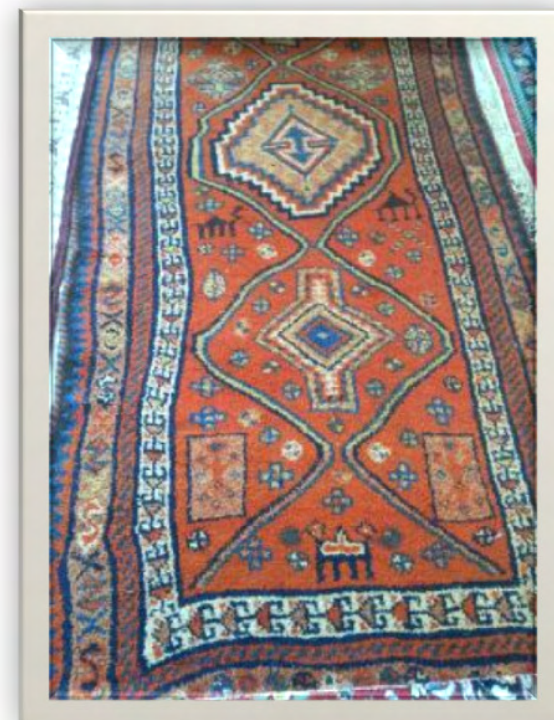


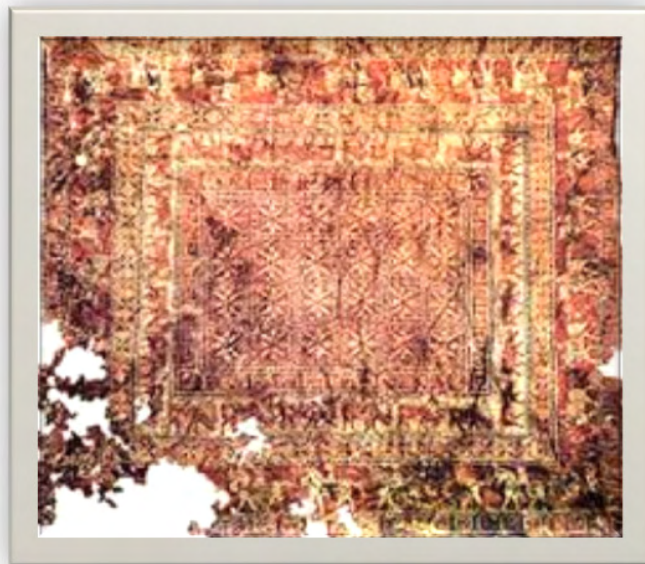
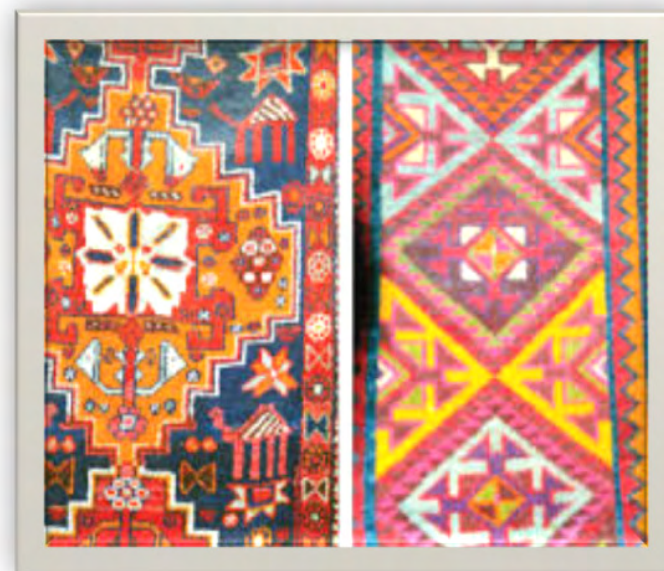
احمد جعفری ماجد



احمد جعفری ماجد

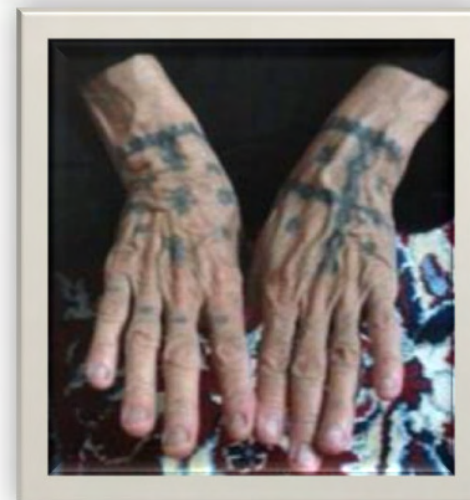
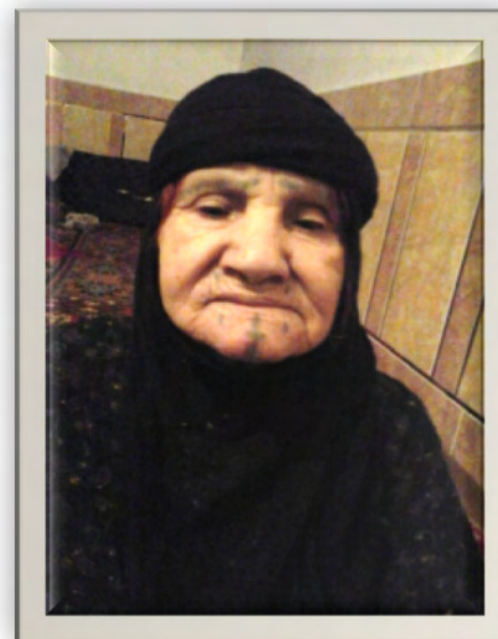
احمد جعفری ماجد



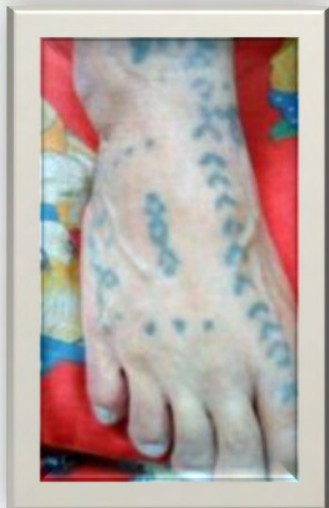
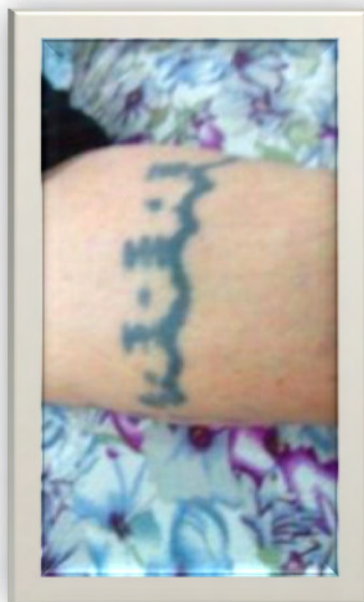




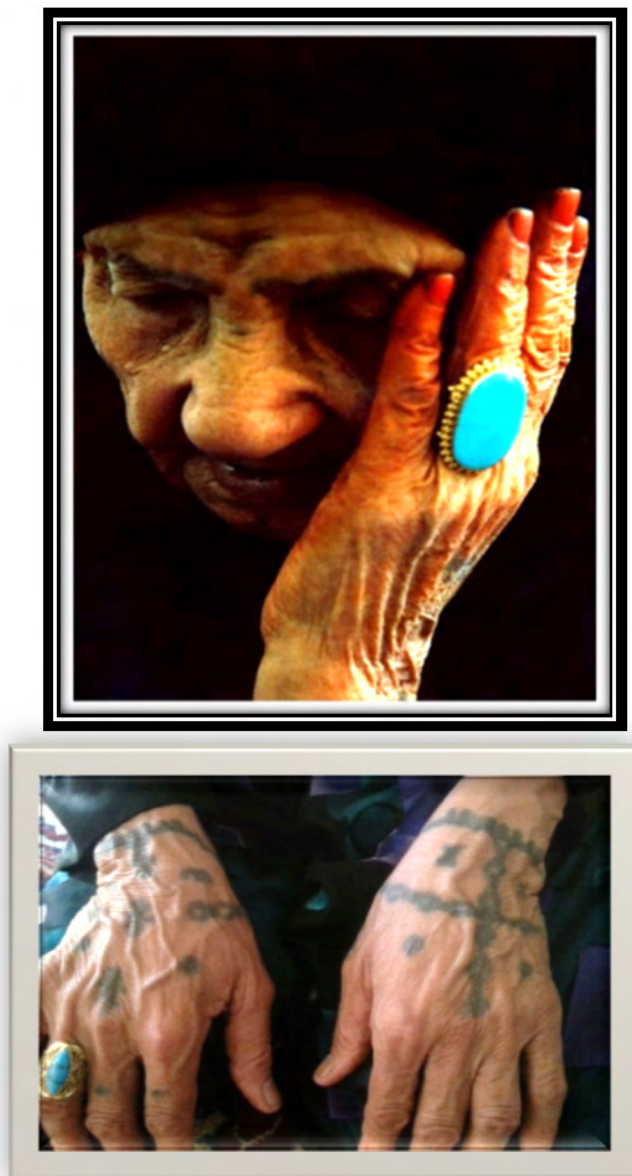




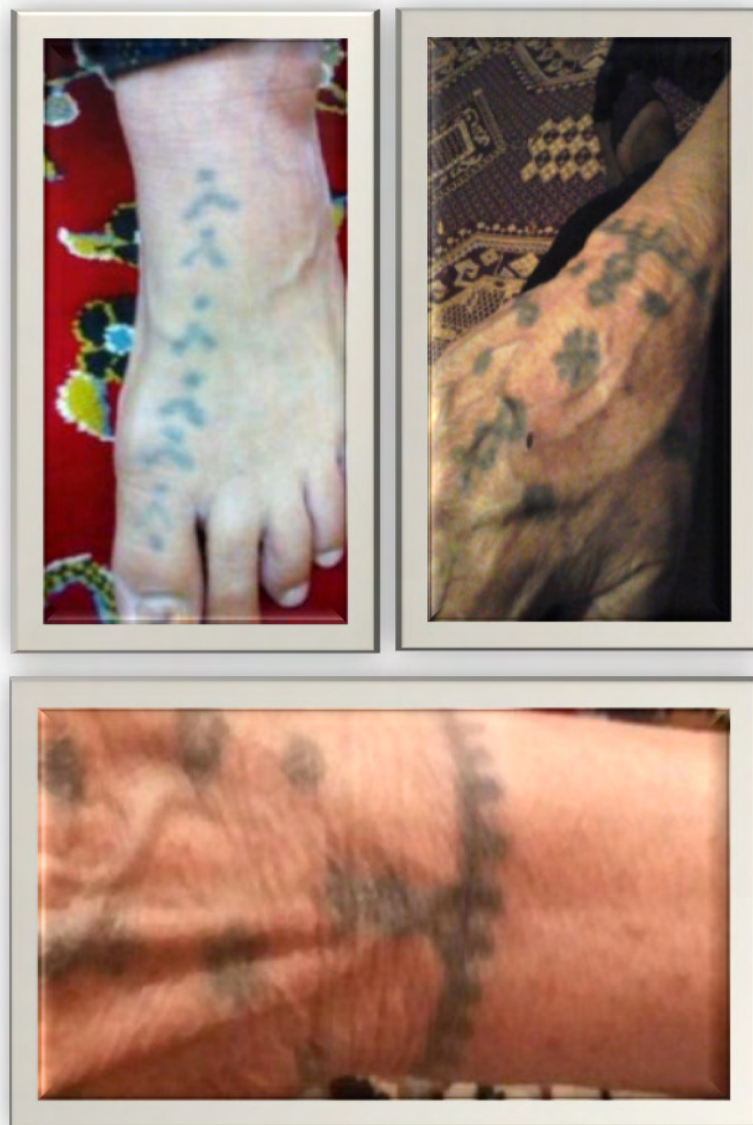
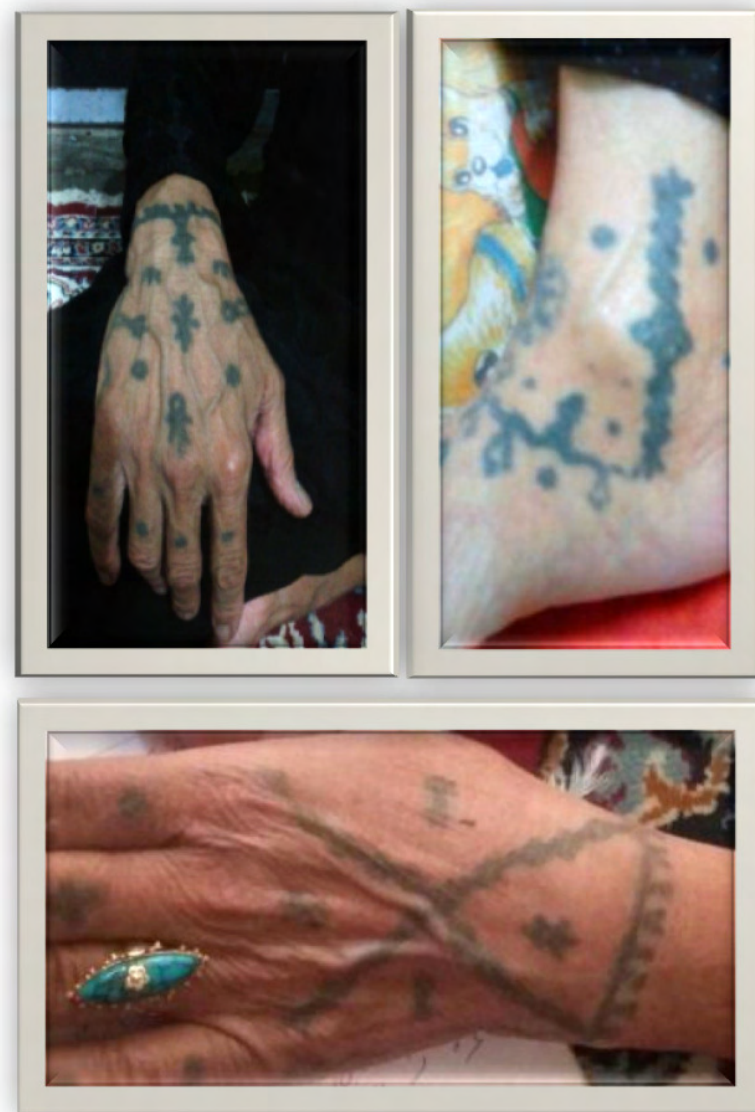
















منابع:

- اسکندری، بهنام. سیر تحول بافندگی در ایران باستان. انتشارات سید علی زاده. یزد. چاپ دوم: ۱۳۹۳.
- اقتداری، احمد. آثار و بناهای تاریخی خوزستان. بی‌جا. تهران. ۱۳۴۲.
- اقتداری، احمد. خلیج فارس از دیرباز تا کنون. نشر امیر کبیر. تهران. ۱۳۸۹.
- اقتداری، احمد. خوزستان و کهگیلویه و ممسنی. نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. جلد سوم. تهران. چاپ دوم: ۱۳۷۵.
- امیه، پی‌یر. شوش شش هزار ساله. ترجمه: موسوی، علی. نشر فرزاد. تهران. ۱۳۸۹.
- امیه، پی‌یر. تاریخ عیلام. ترجمه: بیاتی، شیرین. انتشارات دانشگاه تهران. تهران. چاپ پنجم: ۱۳۸۹.
- پاتس، دنیل تی. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸.
- پرو، ژان؛ دلفوس، ژنویود. تاریخ و باستان‌شناسی شوش و جنوب غرب ایران. ترجمه: اقبال، هاید. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۹۲.
- پرهام، سیروس. سیری در هنر ایران. جلد ۱۵. نشر علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۹۰.
- پوربهمن، فریدون. پوشاک در ایران باستان. ترجمه: ضیاء سیکارودی، هاجر. نشر امیرکبیر. تهران. ۱۳۹۲.
- تاریخ جهان باستان کمبریج (عیلام، بین‌النهرین شمالی و سوریه). ترجمه: قادری، تیمور. نشر مهتاب. تهران. ۱۳۹۱.
- حسینی، سید ساعد. تاریخ کامل ایلام. نشر کیهان. تهران. ۱۳۹۰.
- خادم سبز قبا، محمد حسین. کارگاه زبان. نشر افهام. دزفول. ۱۳۸۵.
- خمیسی (زهرونی)، ساهی. آیا صابئین مندایی را می‌شناسید؟ با مقدمه‌ی: عباسی، حسین. شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یاداوران. تهران. ۱۳۹۴.
- دیولافوله، مادام ژان. سفرنامه‌ی خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش. نشر دانشگاه تهران. تهران. ۱۳۹۳.
- رجبی، پرویز. تاریخ ایران (ایلامیان و آریایی‌ها). نشر دانشگاه پیام نور. تهران. چاپ پنجم: ۱۳۹۱.
- رحیمی، پریچهر. تاریخ پوشاک ایرانیان. نشر دانشگاه هنر. تهران. ۱۳۹۱.
- سجیراتی پور، سهام. ریشه‌یابی نقوش تزئینی هنرهای بومی مردم عرب خوزستان. پایان‌نامه‌ی ارشد. دانشگاه شاهد تهران. دانشکده‌ی هنر. رشته‌ی نقاشی. استاد راهنما: افشاری، مرتضی. استاد مشاور: پوررضائیان، دکتر مهدی. تیرماه ۱۳۸۷.
- سرافراز، علی اکبر؛ اورزمانی، فریدون. سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۸.
- سلوم، محمد داوود. فرهنگ واژگان اکدی. ترجمه: کریمیان سردشتی، نادر. نشر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. تهران. ۱۳۸۴.
- سید سجادی، سید منصور. نخستین شهرهای فلات ایران. جلد ۱. نشر سمت. تهران. چاپ سوم: ۱۳۸۸.
- صراف، محمد رحیم. مذهب قوم ایلام. نشر سمت. تهران. ۱۳۹۱.
- صراف، محمد رحیم. نقوش برجسته‌ی ایلامی. نشر سمت. تهران. ۱۳۸۹.
- طلائی، حسن. باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره‌ی اول قبل از میلاد. نشر سمت. تهران. ۱۳۹۰.
- طلایی، حسن. عصر مفرغ ایران. نشر سمت. تهران. ۱۳۹۰.
- علیزاده، عباس. الگوهای استقرار و فرهنگ‌های پیش از تاریخ دشت شوشان. ترجمه: پاپلی یزدی، لیلا؛ گارازیان، عمران. نشر پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی. تهران. ۱۳۸۲.
- علیزاده، عباس؛ مجید زاده، یوسف؛ شهمیر زادی، ملک. باستان‌شناسی و هنر ایران. نشر مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۷۸.
- قرچانلو، حسین. جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی (۱). نشر سمت. تهران. ۱۳۸۹.
- کامبخش فرد، سیف‌الله. سفال و سفالگری در ایران. نشر ققنوس. تهران. ۱۳۸۶.
- کریشمن، رومن. هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی. ترجمه: بهنام، عیسی. نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. چاپ سوم: ۱۳۹۰.
- کمرون، جورج گلن. ایران در سپیده‌دم تاریخ. ترجمه: انوشه، حسن. انتشارات علمی فرهنگی. تهران. ۱۳۸۷.
- کورتس، جان. ایران باستان به روایت موزه‌ی بریتانیا. ترجمه: بصیر، آذر. نشر موسسه انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۹۲.
- کورت، املی. هخامنشیان. ترجمه: ثاقب فر، مرتضی. نشر ققنوس. تهران. ۱۳۹۱.
- مجید زاده، یوسف. تاریخ تمدن ایلام. مرکز نشر دانشگاهی. چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران. ۱۳۸۶.

- محمدپناه، بهنام. کهن دیار. جلد (۱). انتشارات سبزان. تهران. ۱۳۹۱.
- مرادی غیاث آبادی، رضا. گوی بالدار. نشر پژوهش‌های ایرانی. تهران. ۱۳۹۱.
- مرادی غیاث آبادی، رضا. فرهنگنامه‌ی ایران باستان. نشر پژوهش‌های ایرانی. تهران. ۱۳۹۱.
- مرادی غیاث آبادی، رضا. کتیبه‌ی خارک در خلیج فارس. نشر مهرآج. تهران. ۱۳۸۸.
- مریدی شوشتری، اکرم. شوشتر یعنی خوبتر. نشر تراوا. اهواز. ۱۳۹۱.
- مقدم، عباس. بررسی‌های باستان شناختی میان آب شوشتر. نشر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. تهران. ۱۳۸۴.
- میخائیلوویچ دیاکونوف، میخائیل. تاریخ ایران باستان. ترجمه: ارباب، روحی. انتشارات علمی فرهنگی. تهران. چاپ ششم: ۱۳۹۰.
- نگهبان، عزت الله. شوش یا کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان. نشر سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری، تهران، ۱۳۹۰.
- نلسون، فرای، ریچارد. تاریخ باستانی ایران. ترجمه: رجب نیا، مسعود. نشر مرکز انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. چاپ چهارم: ۱۳۸۸.
- واترز، متیو. پژوهشی در تاریخ ایلام نو. ترجمه: میر سعیدی نادر. نشر ققنوس. تهران. ۱۳۹۱.
- واندن برگ، لویی؛ شیمن، کلاوس. نقوش برجسته‌ی منطقه الیمایی در دوران اشکانی. ترجمه: محمدی فر، یعقوب؛ محبت خو، آزاده. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۹۳.
- ولفگانگ استولپر، ماتیو. تاریخ عیلام. ترجمه: جلیلیان، شهرام. انتشارات توس. تهران. ۱۳۸۹.
- هرمان، جورجینا. تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان. ترجمه: وحدتی، مهرداد. نشر مرکز نشر دانشگاهی. تهران. چاپ سوم: ۱۳۹۲.
- هول، فرانک؛ (گروه نویسندگان). باستان‌شناسی غرب ایران. ترجمه: باستی، زهرا. نشر سمت. تهران. ۱۳۹۰.
- هینتس، والتر. داریوش و پارس‌ها. ترجمه: صدریه، عبدالرحمن. انتشارات امیر کبیر. تهران. چاپ سوم: ۱۳۸۸.
- هینتس، والتر. دنیای گمشده‌ی عیلام. ترجمه: فیروز نیا، فیروز. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۸۸.
- هینتس، والتر. یافته‌های تازه از ایران باستان. ترجمه: رجبی، پرویز. نشر ققنوس. تهران. چاپ چهارم: ۱۳۹۲.

- یادنامه‌ی گردهمایی باستان‌شناسی - شوش. جلد (۱). نشر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. تهران. ۱۳۷۶.
- یغمایی، احسان. شوش؛ کاوش‌های باستان شناسی در شهر پانزدهم. نشر شرکت سهامی نشر. تهران. ۱۳۹۳.
- یوسفی، حسین. سیری در زبان مردم خوزستان. نشر قلم یوسف. تهران. ۱۳۹۱.